

دعای امام زمان (عَجَّلَ اللهُ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيفَ)

دعای حضرت مهدی (عَجَّلَ اللهُ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيفَ) از دعاهاى مشهور
ومعروف ودارای محتوای عالی است ومرحوم کفعمی آن را در کتاب
مصباح این گونه نقل کرده است:

اللَّهُمَّ ارزُقْنَا تَوْفِيقَ الطَّاعَةِ وَ بُعَدَ الْمَعْصِيَةِ وَ صِدْقَ النَّبِيِّ وَ
 عِرْفَانَ الْحُرْمَةِ وَ أَكْرَمَنَا بِالْهُدَى وَ الْإِسْتِقَامَةَ وَ سَدِّدْ أَلْسِنَتَنَا
 بِالصَّوَابِ وَ الْحِكْمَةَ وَ اَمَلْأْ قُلُوبَنَا بِالْعِلْمِ وَ الْمَعْرِفَةِ وَ طَهِّرْ
 بُطُونَنَا مِنَ الْحَرَامِ وَ الشُّبْهَةِ وَ اكْفُفْ أَيْدِيَنَا عَنِ الظُّلْمِ وَ
 السَّرِقَةِ وَ اغْضُضْ أَبْصَارَنَا عَنِ الْفُجُورِ وَ الْخِيَانَةِ وَ اسدُدْ
 أَسْمَاعَنَا عَنِ اللَّغْوِ وَ الْغِيْبَةِ وَ تَفَضَّلْ عَلَيَّ عُلَمَائِنَا بِالزُّهْدِ وَ
 النَّصِيحَةِ وَ عَلَيَّ الْمُتَعَلِّمِينَ بِالْجُهْدِ وَ الرَّغْبَةِ وَ عَلَيَّ الْمُسْتَمْعِينَ
 بِالِاتِّبَاعِ وَ الْمَوْعِظَةِ وَ عَلَيَّ مَرْضَى الْمُسْلِمِينَ بِالشِّفَاءِ وَ الرَّاحَةِ
 وَ عَلَيَّ مَوْتَاهُمْ بِالرَّأْفَةِ وَ الرَّحْمَةِ وَ عَلَيَّ مَشَائِخِنَا بِالْوَقَارِ وَ
 السَّكِينَةِ وَ عَلَيَّ الشَّبَابِ بِالْإِنَابَةِ وَ التَّوْبَةِ وَ عَلَيَّ النِّسَاءِ بِالحَيَاءِ
 وَ الْعِفَةِ وَ عَلَيَّ الْأَغْنِيَاءِ بِالتَّوَاضُعِ وَ السَّعَةِ وَ عَلَيَّ الْفُقَرَاءِ
 بِالصَّبْرِ وَ الْقَنَاعَةِ وَ عَلَيَّ الْغُرَاقِ بِالنَّصْرِ وَ الْغَلْبَةِ وَ عَلَيَّ الْأَسْرَاءِ
 بِالْخَلَاصِ وَ الرَّاحَةِ وَ عَلَيَّ الْأُمَرَاءِ بِالْعَدْلِ وَ الشَّفَقَةِ وَ عَلَيَّ
 الرَّعِيَّةِ بِالْإِنصَافِ وَ حُسْنِ السِّيَرَةِ وَ بَارِكْ لِلْحُجَّاجِ وَ الزُّوَّارِ
 فِي الزَّادِ وَ النَّفَقَةِ وَ اقْضِ مَا أُوجِبْتَ عَلَيْهِمْ مِنَ الْحَجِّ وَ
 الْعُمْرَةِ بِفَضْلِكَ وَ رَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ .

«خدایا توفیق بندگی و دوری از گناه و نیت صادق و شناخت محرمات را روزی ما گردان و ما را به هدایت و پایداری گرامی دار و زبانهایمان را به راست گویی و دانش استوار گردان دل های ما را از نور دانش و معرفت پر کن و درون ما را از غذای حرام و شبهه ناک پاک گردان و دست هایمان را از ستم و دزدی باز دار و چشم هایمان را از گناه و خیانت بپوشان و گوشهایمان را از شنیدن سخنان بیهوده و غیبت ببند و بر علماء ما پرهیزگاری و خیر خواهی را و بر دانش پژوهان کوشش و اشتیاق (تحصیل) را و بر شنوندگان پیروی و پندپذیری را تفضل کن و بر بیماران از مسلمانان بهبودی و آسایش را و بر مردگان مهربانی و رحمت را و نیز بر سالخوردگان ما سنگینی و متانت را و بر جوانانمان باز گشت به سوی خدا و بر زنان حیا و پاکدامنی را تفضل بفرما ، و تفضل بفرما بر ثروتمندان فروتنی و گشاده دستی را و بر نیاز مندان شکیبائی و قناعت را و بر جنگجویان یاری و پیروزی را و بر اسیران رهائی و آسایش را و بر فرمانروایان عدالت و مهربانی را و بر زبردستان انصاف و خوشرفتاری را و توشه و خرج راه حجّ و زیارت کنندگان را برکت ده و حجّ و عمره ای که بر آنان واجب کرده ای بپذیر به لطف و رحمتت ای مهربان ترین مهربانان»

مُقَدِّمَةٌ

ای دعا از تو اجابت هم ز تو

دعا جوشش خواسته های دل است و تمنیّات جان از خالق مَنان
 دعا اتصال رشته وصل است به سر رشته از لیه خلقت که می گویند
 ایزد دعای سوختگان را بود مجیب
 دعا در خواست عبد است از مولائی که بی منت می شنود و با
 قدرت پاسخ می دهد
 دعا درخواست از مولای مهربانی است که بدون درخواست خواسته
 ها را می داند لکن می خواهد که ما بخواهیم
 دعا تمنا از کسی است که هیچ وقت برای او بی وقت نیست که
لا تَأْخُذُهُ سِنَةٌ وَلَا نَوْمٌ
 هیچ گاه او را خواب سبک و سنگین فرا نمی گیرد

دعا حاجت خواستن از باب الحوائجی است که هرگز بابش بسته نیست صد درد را خدا به دعایی دوا کند.

در دعا ادب لازم است و ادب دعا آدابی دارد که از آن جمله است اینک:

با شناخت باشد، با یقین به اجابت، با حواسی جمع، دلی پاک، با تکرار، از درونی آماده، از روی لقمه حلال، با دلی شکسته، با خوشبینی، همراه با استغفار، با یاد آوری نعمتهای قبلی خداوندی باشد.

دعا باید که توأم با عمل باشد یعنی مبنای از تو حرکت و از او برکت در آن ملاحظه شود.

دعا باید همیشگی باشد زیرا انسان همیشه نیازمند است دعا لازمه اش یأس از دیگران است و دلدادن به کسی که به این دلدادگی می ارزد .

طریقه دعا را باید از راه بلدان مؤدب به آداب الهی مانند امیرمؤمنان و امام سجاد و امام زمان (علیهم السلام) گرفت.

چه زیباست وقتی که انسان دست به دعا بر می دارد و از جملاتی که ولی خدا در مناجاتش آنها را زمزمه می کند یاد گرفته

و زمزمه کند و چه زیباست مناجاتی که مناجات کننده اش با آگاهی کامل دستش را به سوی محبوب بلند می کند. در این نوشتار به بیان و شرح دعای معروف به امام زمان (عَجَّلَ اللهُ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيف) می پردازیم و جمله جمله آن را با توجه به کلام الهی و سخنان معصومین و داستانهای عبرت آموز توضیح می دهیم به امید اینکه به ما هم در کنار دیگران دعا کنید.

شرح این دعا را در ماه رمضان ۱۴۳۳ در مسجد جامع آباده در جلسات ظهر که سالهای سال تحت عنوان سی روز سی موضوع بحث می کنیم برای مردم گفتیم و از سیمای مرکز فارس نیز پخش گردید و پس از آن باز نویسی و بررسی گردید که در اینجا لازم می دانم از حجج اسلام محمودی و شمشیری که در پیاده سازی آن زحمت کشیده اند قدر دانی نمایم.

سید مسن موسوی فراسانی

شوال ۱۴۳۴

شهریور ۱۳۹۱

۱- طاعت (بندگی)

اللَّهُمَّ ارْزُقْنَا تَوْفِيقَ الطَّاعَةِ

(فدایا به ما توفیق اطاعت و بندگی (وزی بفرما)

*اطاعت سرمایه عقلاست

قَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ جَعَلَ الطَّاعَةَ غَنِيمَةَ الْأَكْيَاسِ عِنْدَ تَفْرِيطِ الْعَجْزَةِ^۱

خداوند طاعت خود را غنیمت و سرمایه زیرکان و عقلاء قرار داده است.

*اول معرفت سپس طاعت

قَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: رَأْسُ الْأَمْرِ مَعْرِفَةُ اللَّهِ تَعَالَى وَ عَمُودُهُ طَاعَةُ اللَّهِ
در راس هر کاری شناخت خدای تعالی است و عمود و اساس
هر کاری اطاعت از اوست.

*اطاعت درونی خستگی ندارد

قَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَنْ تَوَاضَعَ قَلْبُهُ لِلَّهِ لَمْ يَسْأَمْ بَدَنُهُ مِنْ طَاعَةِ اللَّهِ^۲

^۱. نهج البلاغة

^۲. بحار الأنوار ج ۷۵ ص ۹۰

هر که دلش برای خدا متواضع شد، بدنش از اطاعت به ستوه نخواهد آمد.

*عزّت در اطاعت است

قَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِذَا طَلَبْتَ الْعِزَّ فَاطْلُبْهُ بِالطَّاعَةِ^۱

هر گاه خواهان عزّت و بزرگواری شدی آنرا با فرمانبرداری از خدا طلب کن .

*اطاعت و محبوبیت

قَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَحَبُّ الْعِبَادِ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى أَطْوَعُهُمْ لَهُ^۲

محبوب ترین بندگان خداوند، فرمانبرترین آنهاست.

*اطاعت خدا کلید درستی است

قَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: طَاعَةُ اللَّهِ مِفْتَاحُ سَدَادٍ وَ إِصْلَاحُ مَعَادٍ^۳

فرمانبری از خدای سبحان، کلید درستی و اصلاح کننده آخرت است.

*اطاعت و بزرگی

قَالَ امِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَنْ كَثُرَتْ طَاعَتُهُ كَثُرَتْ كَرَامَتُهُ^۴

^۱. غررالحکم ح ۳۰۳۶

^۲. عیون الحکم والمواعظ ح ۲۴۱۹

^۳. غررالحکم ح ۵۵۳۷

^۴. عیون الحکم والمواعظ ۸۴۷۱

هر که فرمانبری اش از خدا زیاد باشد، کرامت و بزرگواری اش زیاد شود.

*اطاعت و رستگاری

قَالَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: نَالَ الْفُؤُزَ مَنْ وُفِّقَ لِلطَّاعَةِ^۱

به رستگاری رسید هر کس توفیق عبادت یافت.

داستان ۱

وقتی آیات سوره کورت در وصف جبرئیل "ذِي قُوَّةٍ عِنْدَ ذُبَالِ الْعُرَشِ مَكِينٍ مُطَاعٍ ثُمَّ أَمِينٍ" نازل شد رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ از جبرئیل پرسید: قوت و صداقت تو چیست؟

جبرئیل عرض کرد: من مأموریت یافتم چهار شهری که در هر شهر چهار صد هزار جنگجو بود آنها را از پائین ترین زمین (یعنی از اعماق زمین) کنده و برداشتم و برای عذاب بالا بردم آنقدر از زمین دور و به آسمان نزدیک که اهل آسمان صدای خروسها و مرغان و زوزه سگان آنها را شنیدند. پس آنها را سرنگون و وارونه افکندم. و اما نمونه ای از صداقت من اینست که هیچ دستوری به من داده نشده که کمتر خطائی در اجرای آن داشته باشم (اولی نشانه قوت و دومی علامت صداقتم هستند).^۲

^۱. غررالحکم ح ۹۱۸۶

^۲. مجمع البیان ج ۱۰ ص ۴۴۶

داستان ۲

اطاعت کورکورانه ممنوع

عبید بن عمرو بن عاص با دیدن امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام کلی از او تعریف کرد و او را محبوب ترین فرد روی زمین معرفی کرد و حضرت فرمود:

آیا می دانی من محبوب ترین افراد روی زمین در اهل آسمانم و در جنگ صفین علیه من و پدرم جنگیدی؟!

عبدالله گفت: پیامبر فرموده است از پدرم اطاعت کنم!

امام فرمود: مگر این کلام را نشنیدی که خدا می فرماید:

وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ حُسْنًا وَإِنْ جَاهَدَاكَ لِتُشْرِكَ بِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ فَلَا تُطِعْهُمَا...^۱

و انسان را به نیکی به پدر و مادر سفارش کردیم و (گفتیم) با تو سخت گیرند تا چیزی را که به بدان علم نداری شریک من سازی از آنان اطاعت مکن.

و یا اینکه در جایی دیگر پیامبر (ص) فرمود: لَا طَاعَةَ لِمَخْلُوقٍ

فِي مَعْصِيَةِ الْخَالِقِ^۲

اطاعت از مخلوق که موجب معصیت آفریدگار باشد، روا نیست.

^۱ عنکبوت ۸

^۲ کتاب سلیم بن قیس هلالی

۲- معصیت (گناه)

وَبُعْدَ الْمُعْصِيَةِ

(فدایا ما را به دوری از گناه موفّق بدار)

*معصیت به معنی کارهای خلاف شرع و عقل است و واژگان دیگری نیز دارد:

۱. اثم: در قرآن ۴۵ مرتبه با واژه های مختلف آمده است
۲. ذنب: در قرآن ۳۸ مرتبه آمده است
۳. عصیان: که به معنای نافرمانی است. حنث و حوب و جرم و جریره و سوء و فسق و وزر هم به معنی گناه هستند که در قرآن و در مناسبت های مختلفی به کار گرفته شده است .

درس زندگی

*برای معصیت خلوتی نیست

قَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: اتَّقُوا مَعَاصِيَ اللَّهِ فِي الْخَلَوَاتِ فَإِنَّ الشَّاهِدَ هُوَ الْحَاكِمُ^۱

از نا فرمانی خدا بپرهیزید زیرا حاکم که همان پرورنده اعمال شما است خود ناظر و شاهد است.

^۱. وسائل الشیعه ج ۱۵ ص ۲۳۹

* با ابزار نعمت معصیت نکنیم

قَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَقَلُّ مَا يَلْزَمُكُمْ لِلَّهِ أَلَّا تَسْتَعِينُوا بِنِعْمِهِ عَلَى مَعَاصِيهِ^۱
 کمترین حقی که لازم است برای خدا رعایت کنید این است که از
 نعمت هایش در گناه و نافرمانی کمک نگیرید.

* لذت معصیت، ذلت در پی دارد

قَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَنْ تَلَذَّذَ بِمَعَاصِي اللَّهِ أُوْرَثَهُ اللَّهُ ذُلًّا^۲
 هر کس از معصیت خدا لذت ببرد، خداوند ذلت را نصیب او می
 گرداند.

* معصیت و تسلط خدانشناس

قَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِذَا عَصَى الرَّبَّ مَنْ يَعْرِفُهُ سَلَّطَ عَلَيْهِ مَنْ لَا يَعْرِفُهُ^۳
 هرگاه کسی که خدا را می شناسد نافرمانی اش کند، کسی را بر
 او مسلط کند که او را نمی شناسد.
 هر که گریزد ز خراجات شاه

بار کش غول بیابان شود

^۱. بحار الأنوار ج ۷۰ ص ۳۶۴

^۲. تصنیف غرر الحکم و درر الکلم ص ۱۸۶

^۳. شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید ج ۲۰ ص ۳۱۵

* معصیت کار پشیمان می شود

قَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَنْ يُطِيعَ اللَّهَ يَأْمَنُ وَ يَسْتَبِشِرُ وَ مَنْ يَعْصِي اللَّهَ يَخْبُ وَ يَنْدَمُ.^۱

کسی که خدا را پیروی می کند در امان مانده و بشارت بهشت به او داده می شود و کسی که خدا را معصیت کند زیان کرده و پشیمان می شود.

* معصیت کیفرش حتمی است

قَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: الْمَعْصِيَةُ تَجْلِبُ الْمُقْوَبَةَ^۲

نافرمانی خدا، کیفر و عقوبت در پی دارد.

* معصیت، کار پلیدان است

قَالَ امير المؤمنين عَلَيْهِ السَّلَامُ: الْمَعْصِيَةُ هِمَّةُ الْأَرْجَاسِ^۳

معصیت خدا، تلاش انسانهای پلید است.

* معصیت و تلف عمر

قَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: حَاصِلُ الْمَعَاصِيِ التَّلْفُ^۴

نتیجه و حاصل گناهان، اتلاف عمر است.

۱. الکافی ج ۱ ص ۴۵

۲. مستدرک الوسائل ج ۱۱ ص ۳۳۸

۳. تصنیف غرر الحکم و درر الکلم ص ۱۸۵

۴. تصنیف غرر الحکم و درر الکلم ص ۱۸۶

*معصیت نکردن و به آرزوی اخروی رسیدن

قَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَنْ سَلِمَ مِنَ الْمَعَاصِي عَمَلُهُ بَلَغَ مِنَ الْآخِرَةِ أَمَلَهُ^۱

کسی که کردارش از گناهان پاک باشد، به آرزوی خود در قیامت می رسد.

علامه مجلسی^(ره): هر عقوبتی با نوع گناه مناسبت دارد.

* چهار گناه که نعمت را تغییر می دهند:

۱. ظلم ۲. ترک عادت به کار نیک ۳. ناسپاسی ۴. ترک شکر

گذاری

* گناهانی که روزی را تغییر می دهند و کم می کند:

۱. اظهار فقر ۲. خواب قبل از اداء نماز عشاء ۳. خواب بین

طلوعین ۴. سبک شمردن خدا و نعمت هایش

داستان ۱

شخصی خدمت امام حسین علیه السلام آمد و عرض کرد: پسر رسول

خدا من مردی گنهکارم و نمی توانم دست از گناه بکشم مرا راهنمایی کن.

حضرت فرمود: پنج چیز را انجام بده هر چه خواستی گناه کن:

اول: این که روزی خدا را نخور و هر چه خواستی گناه کن،

^۱ . تصنیف غرر الحکم و درر الکلم ص ۱۵۴

دوم: از ولایت و مُلک خدا بیرون رو و هر چه خواستی گناه کن،
سوم: این که موقع گناه کردن به مکانی برو که خدا تو را نبیند
و هر چه خواستی گناه کن،
چهارم: موقع آمدن فرشته مرگ برای قبض روح او را از خود
دور کن و هر چه خواستی گناه کن،
پنجم: این که هنگامی که مالک دوزخ تو را در آتش می افکند
داخل آتش نشو و هر چه خواستی گناه کن.^۱

داستان ۲

ابن بزّار نیشابوری گفت: با حمید بن قحطبه رفت و آمد
خانوادگی داشتیم در یک روز ماه رمضان به خانه اش رفتم خانه ای
وسیع و نهر آبی که جاری بود، طشتی آوردند که دستهایم را بشویم
و او هم دست هایش را شست و بر سر سفره نشست و به من گفت:
بنشین و غذا بخور!
گفتم: العیاذ بالله ماه رمضان است، ناگهان حمید شروع به گریه
کرد و ماجرای دین فروشی خود به هارون را چنین گفت:
زمانی که هارون الرشید خلیفه عباسی در طوس بود شبی مرا
احضار کرد و گفت: اطاعتت از خلیفه چقدر است؟
گفتم با جان و مال اطاعت می کنم.

^۱. بحار ج ۷۵ ص ۱۲۶

خلیفه سرش را به زیر انداخت و مرا مرخص کرد.
دوباره احضارم کرد اِنّا لله گفتیم و رفتیم و باز گفت اطاعتت از
خلیفه چقدر است؟

گفتم: با جان و مال و اهل و فرزندانم اطاعت می کنم. تبسم
کرد و مرخصم کرد.

به خانه رسیدم بعد از لحظاتی برای بار سوم خادم به سراغم
آمد که خلیفه تو را می خواند. رفتیم و همان سؤال را تکرار کرد!
گفتم با جان و مال و فرزندانم و دینم!!

خلیفه خندید و شمشیری به دستم داد و گفت به آنچه خادم
می گوید عمل کن. با غلام خلیفه به جایی رفتیم که درش بسته
بود در را باز کرد دیدم بیست نفر از سادات بنی هاشمی از پیر و
جوان در آن اتاق اند. غلام گفت: اینها را بکش من آنها را کشتم و
اجسادشان را در چاه ریخت.

در اتاق دوم را باز کرد و بیست نفر دیگر از سادات بود به همان
صورت آنها را سر بریدم و آنها را در چاه ریخت. به درب اتاق سوم را
باز کرد و بیست نفر را کشتم و او اجسادشان را در چاه ریخت
آخرین نفری را که سر می بریدم گفت دستت بریده باد فردای
قیامت چه عذری خواهی داشت وقتی نزد جدّمان پیغمبر خدا
برسی؟! ناگهان دست و بدنم لرزید و غلام نهیبی به من زد که زود
باش او را بکش و من او را هم کشتم.

حمید که از رحمت خدا ناامید شده بود گفت: ای رفیق، ای عبدالله وقتی شصت نفر از اولاد پیامبر را کشتم نماز و روزه به چه کارم آید، شک ندارم که جایگاهم در آتش است.^۱

داستان ۳

من گنهکارم پس چرا خدا مکافاتم نمی کند.

شخصی گناهان زیادی انجام داده بود و همواره می گفت: من با این همه گناه چرا مکافات نمی شوم؟

حضرت شعیب به او فرمود: خدا تو را مکافات می کند و تو متوجه نیستی کیفری از این بالاتر که قلبت مسخ شده و هیچ معنویتی را نمی توانی درک کنی؟

شعیب فرمود: ما پرده پوش اسراریم ولی تو متوجه نیستی که در حال مکفاتی، کدام مکافات از این بدتر که از عبادت لذت نمی بری و باطن کارهایت مانند گردوی پوک است. گنهکار که دید جواب ندارد ناراحت شده سکوت کرد.

چون شعیب این نکته ها بر وی خواند

از تفکر همچو خر در گِل بماند^۲

^۱. عیون الاخبار الرضا ج ۱ ص ۱۰۹

^۲. داستانهای مثنوی ج ۲ ص ۳۱

۳- نیت وَصِدْقَ النَّيَّةِ

(فدایا ما را به داشتن نیت صادق مؤفق بدار)

درس زندگی

* حشر بانیت

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: إِنَّمَا يُبْعَثُ النَّاسُ عَلَى نِيَّاتِهِمْ^۱

مردم با نیتشان محشور می شوند.

* نیت لازم است حتی در خوردن و خوابیدن

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: لَا قَوْلَ إِلَّا بِعَمَلٍ وَلَا عَمَلَ إِلَّا بِالنِّيَّةِ وَلَا نِيَّةَ إِلَّا بِصَابَةِ السُّنَّةِ^۲

هیچ کلامی ارزش ندارد مگر اینکه همراه با عمل باشد و نه هیچ عملی جز با نیت و هر نیتی جز با مطابقت با سنت ارزشی ندارد.

* مزد الهی در مقابل نیت است

قَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: عَلَى قَدْرِ النَّيَّةِ تَكُونُ مِنَ اللَّهِ الْعَطِيَّةُ^۱

^۱ . منية المرید ص ۱۳۳

^۲ . الفقه الإمام الرضا علیه السلام ص ۳۷۸

به مقدار و ارزش نیت هرکس، پاداش و مزد الهی عطاء می شود.

* دنیا با نیت آخرت آری ولی به عکس خیر
قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يُعْطِي الدُّنْيَا عَلَى نِيَّةِ الْآخِرَةِ وَ لَا يُعْطِي الْآخِرَةَ عَلَى نِيَّةِ الدُّنْيَا^۱

خداوند دنیا را به کسی عطاء می کند که به نیت آخرت تلاش می کند نه این که آخرت را با نیت دنیا بخواهد.

* مقاومت بدن به خاطر تقویت نیت

قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَا ضَعُفَ بَدَنٌ عَمَّا قَوَّيْتُ عَلَيْهِ النَّيَّةَ^۲

هر مقدار که نیت قوی باشد، بدن در مقابل آن قوی است و دچار ضعف نمی شود.

* رزق و روزی در گرو نیت

قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: وَ مَنْ حَسُنَتْ نِيَّتُهُ زِيدَ فِي رِزْقِهِ

هرکس نیت نیکو داشته باشد در رزق و روزی اش گشایش و زیادی حاصل خواهد شد.

* نیت خوب محبوب خدا

۱. تصنیف غرر الحکم و درر الکلم ص ۹۲

۲. مجموعه ورام ج ۱ ص ۷۶

۳. الأمالی ص ۳۲۹

قَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ يُحِبُّ أَنْ تَكُونَ نِيَّةُ الْإِنْسَانِ لِلنَّاسِ جَمِيلَةً

خداوند دوست دارد نیت انسان به مردم، نیت نیکو و خیر باشد.

*نیت بد بلاست

قَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِذَا فَسَدَتِ النِّيَّةُ وَقَعَتِ الْبَلِيَّةُ.^۱

هرگاه نیت فاسد و خراب شود، بلا واقع می‌شود.

داستان ۱

از امام کاظم عَلَيْهِ السَّلَامُ پرسیدند: که مأموران ثبت اعمال چگونه از نیت باطنی افراد خبر می‌شوند؟ فرمود: آیا بوی بد چاه فاضلاب و بوی خوش یکسان است! وقتی انسان نیت کار نیک می‌کند نَفَسِ او خوش بو می‌شود و هنگام اراده کار گناه، نَفَسِش بد بو می‌شود.^۲

^۱. غرر الحکم ج ۳ ص ۱۲۵

^۲. اصول کافی ج ۲ ص ۳

داستان ۲

ابوطیّار و راهنمایی امام صادق علیه السلام

او یکی از بازرگانان بازار کوفه بود که به خاطر اوضاع بد بازار ورشکسته و مغازه اش تعطیل شد، شکایت احوال را به امام صادق علیه السلام گفت حضرت فرمودند:

إِذَا رَجَعْتَ إِلَى الْكُوفَةِ فَأَقْعُدْ فِي حَانُوتِكَ وَ اَكْسُئْهُ

هر وقت به کوفه بازگستی، مغازه ات را تمیز کن و در آن بنشین.

با این رهنمودی که امام به او داد و آن را انجام داد، که امام فرموده بود قبل از رفتن به بازار دو رکعت نماز خواند و خود را به خدای رزّاق بسپارد رفت طولی نکشید و وضع مالی او رونق پیدا کرد و دارای مرکب و خانه و زندگانی خوبی شد.

آری، در معاملات خوش بینی به خدا و رزق و روزی را از او طلب کردن و امیدواری سرمایه بزرگی است.^۱

^۱. بحار ج ۱۱ ص ۲۱۵

داستان ۳

سوء ظن خرافاتی و زندگی تلخ

دختری در روز سیزدهم ماه در اروپا به دنیا آمد و نظر به اینکه آن خانواده به غلط سیزده را نحس می دانستند همیشه نگران عاقبت این فرزند بودند! دختر بزرگ شد و خود خوری می کرد به روانشناس مراجعه کرد ولی گفته های روانشناس هم در او اثر نکرد و در عین حال که وضع زندگی خوبی داشتند ولی از درون به خاطر پابندی اش به خرافات نگران بود تا روزی در خیابان با آن روانشناس برخورد کرد، دکتر گفت: دیدی که می گفتم مشکلی نداری! باز هم این دختر نگران بود و می گفت: می دانم بالاخره این فکر مرا به بلاء مبتلا می کند!

۴- حرام وَعِرْفَانَ الْحُرْمَةِ

(فدایا شناخت ممرّات را (وزی ما گردان)

درس زندگی

*بزرگواری در پرهیز از حرام است

قالَ علی عليه السلام: الْكَرِيمُ مَنْ تَجَنَّبَ الْمَحَارِمَ وَ تَنَزَّهَ عَنِ الْغُيُوبِ
کریم واقعی کسی است که از حرام دوری کرده و از عیبها برکنار
باشد .

قالَ علی عليه السلام: مَنْ أَحَبَّ الْمَكَارِمَ اجْتَنَّبَ الْمَحَارِمَ^۱

کسی که خوبیها را دوست دارد از حرام ها دوری می کند.
شرف مرد به جود است و کرامت به سجد

هر که این دو ندارد عدمش به زوجود

*پارسایی در گرو پرهیز از گناه است

قالَ الباقر عليه السلام: قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ ابْنُ آدَمَ اجْتَنِبْ مَا حَرَّمَتُ عَلَيْكَ
تَكُنْ مِنَ أَوْرَعِ النَّاسِ^۱

^۱.کنز الفوائد ج ۱ ص ۲۷۹

ای فرزند آدم! دوری کن از آنچه بر تو حرام کردم تا از پارساترین
ها باشی.

* ابن سیرین با علم و عبادت فراوان به آن مقام نرسید بلکه با
اجتناب از گناهی که برایش پیش آمد و زنا نکرد به آن جایگاه رفیع
پارسایان رسید.

* چشمی که به خاطر پرهیز از حرام گریان نیست

قَالَ الصَّادِقُ (عَلَيْهِ السَّلَامُ): كُلُّ عَيْنٍ بَأَكِيَّةٍ يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِلَّا ثَلَاثَةً أَعْيُنٍ عَيْنُ
غَضَّتْ عَنْ مَحَارِمِ اللَّهِ... ۲۰۰

همه چشم ها در روز قیامت گریانند جزء سه چشم .. چشمی که از
حرامهای الهی چشم بپوشد

* جوانمردی در ترک حرام است

قَالَ عَلِيُّ (عَلَيْهِ السَّلَامُ): مِنْ شَرَايِطِ الْمُرُوَّةِ التَّنَزُّهُ عَنِ الْحَرَامِ

از جمله شرایط جوانمردی، دوری کردن از حرام است.

* شکر گذاری در ترک حرام است

قَالَ الصَّادِقُ (عَلَيْهِ السَّلَامُ): الشُّكْرُ لِلنِّعَمِ اجْتِنَابُ الْمَحَارِمِ

شکر نعمت در دوری کردن از حرامهاست .

* سفارش امام صادق (عَلَيْهِ السَّلَامُ) به شیعیان

۱. الکافی ؛ ج ۲ ؛ ص ۷۷

۲. الزهد ؛ النص ؛ ص ۷۷

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَيُّ مُفْضَلٍ! قُلْ لِشِيعَتِنَا كُونُوا دُعَاةَ
إِنْتَابِ الْكَفِّ عَنْ مَحَارِمِ اللَّهِ وَاجْتِنَابِ مَعَاصِيهِ^۱

ای مفضل! به شیعیان ما بگو دعوت کننده به سوی ما باشید با
دوری و خود داری از کارهای حرام و...

✽ عقوبت دنیایی کسب حرام

قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: كَسْبُ الْحَرَامِ يُبِينُ فِي الذَّرِيَّةِ^۲

اثر کسب حرام در ذریه و نسل انسان ظاهر می شود.

✽ عبادت با مال حرام

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: الْعِبَادَةُ مَعَ أَكْلِ الْحَرَامِ كَالْبِنَاءِ عَلَى الرَّمْلِ^۳

عبادت کردن با در آمد حرام مانند ساختن ساختمان بر روی شن
های روان است!

داستان

پرسیدن از اهل، سفارش قرآن است

مردی با نگرانی محضر امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ عرض کرد: گرفتار دنیا

طلبی شده ام دوست دارم ثروتمند شوم این چگونه حالتی است؟

۱. دعائم الإسلام ج ۱؛ ص ۵۸

۲. روضة المتقين ج ۶ ص ۵۶۹

۳. آیین بندگی و نیایش ص ۲۵۸

حضرت از او پرسید: می خواهی با این مالی که به دست بیاوری چه کنی؟ عرض کرد: می خواهم:

۱. با قسمتی از مالم را در زندگی خودم تغییر و تحوّل ایجاد کنم.

۲. قسمتی را به بستگان و رَحِم کمک کنم.

۳. قسمتی را به فقرا و مستمندان بدهم.

۴. قسمتی را به حج و عمره بروم.

حضرت فرمود: نگران نباش این دنیا نیست این عین آخرت طلبی است.^۱

داستان ۲

موعظه پذیری در موقعیت حساس

شبی مرد عربی در خارج شهر، زن زیبایی را دید و از او طلب عمل منافی عفت کرد! زن گفت: اگر در وجودت واعظ نیست عقلت تو را از کار زشت باز نمی دارد؟

جواب داد: در اینجا غیر از ستارگان آسمان کسی نیست.

زن گفت: پس ستاره آفرین کجاست؟ مرد از پیشنهاد خودش

شرمنده شد.^۲

^۱ داستانها و حکایت ها ص ۲۴۵

^۲ داستانها و حکایت ها ص ۱۵۱

۵- هدایت

وَ أَكْرِمْنَا بِالْهُدَى وَالِاسْتِقَامَةَ

(و ما را به هدایت و پایداری گرامی دار)

درس زندگی

*هدایت در سایه علم است

قَالَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَنْ عَلِمَ اهْتَدَى

کسی که علم پیدا کرد هدایت یافته است

*در مسیر هدایت از تنهایی نترسید

قَالَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لَا تَسْتَوْحِشُوا فِي طَرِيقِ الْهُدَى لِقَلَّةِ أَهْلِهِ^۱

در مسیر هدایت الهی از کم بودن تعداد افراد نهراسید.

*هدایت و هواپرستی نمی سازد

قَالَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: كَيْفَ يَسْتَطِيعُ الْهُدَى مَنْ يَغْلِبُهُ الْهَوَى؟!^۲

چگونه هدایت یافته است کسی که هوای نفس بر او غلبه کرده

است ؟

^۱. نهج البلاغة

^۲. عیون الحکم و المواعظ ص ۳۸۳

*هدایت غیر خدائی هدایت نیست

قَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَنْ اهْتَدَى بِغَيْرِ هُدَى اللَّهِ ضَلَّ^۱

کسی که به غیر هدایت الهی هدایت شده گمراه است .

*گمراه نمی تواند هدایت کند

قَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: كَيْفَ يَهْدِي غَيْرَهُ مَنْ يُضِلُّ نَفْسَهُ؟!^۲

چگونه غیر خودش را هدایت کند کسی که نفس خود را گمراه می گرداند؟!

*بهترین دوست هدایتگر است

قَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: خَيْرُ إِخْوَانِكَ مَنْ دَلَّكَ عَلَى هُدًى^۳

بهترین برادران تو کسی است که تو را به راه راست هدایت کند.

*هدایت با خوف همراهند

قَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: هُدًى مَنْ أَطَاعَ رَبَّهُ وَخَافَ ذَنْبَهُ^۴

کسی که خدا را اطاعت و از گناهش بترسد هدایت یافته است.

*هدایت و صبر

قَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: هُدًى مَنْ إِدْرَعَ لِيَأْسَ الصَّبْرِ وَالْيَقِينِ^۱

^۱. عیون الحکم و المواعظ ص ۴۴۴

^۲. شرح آقا جمال خوانساری بر غرر الحکم و درر الکلم ج ۴ ص ۵۶۵

^۳. عیون الحکم و المواعظ ص ۲۳۸

^۴. الفهرست ج ۷؛ ص ۲۲۰

هدایت شده واقعی کسی است که لباس صبر و یقین را پوشیده است.

*برای هدایت عجله کن

قَالَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: طُوبَى لِمَنْ بَادَرَ الْهُدَى قَبْلَ أَنْ تُغْلَقَ أَبْوَابُهُ^۱

خوشا به حال کسی که در راه هدایت قدم بردارد قبل از این که درها به روی او بسته شود.

داستان ۱

هدایت از طریق شرمندگی

شخصی نزد عمر بن عبدالعزیز از مردی نام برد و از او به بدی یاد کرد و عیبی از عیبهایش را به زبان آورد.

عمر بن عبدالعزیز گفت: در مورد سخت تحقیق می کنم، اگر گفته ات دروغ بود تو فاسقی و خبری که داده ای مشمول این آیه هستی که **إِنْ جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَأٍ فَتَبَيَّنُوا**^۲ اگر فاسقی خبری برایتان آورد درباره آن تحقیق کنید. و اگر راست گفته باشی عیبجو هستی

۱. شرح آقا جمال خوانساری بر غرر الحکم و درر الکلم ج ۶ ص ۱۹۲

۲. عیون الحکم و المواعظ

۳. حجرات ۶

و مشمول این آیه که فرمود: **هَمَّا زِ مَشَاءٍ بِنَمِيمٍ** کسب بسیار عیبجوست و برای خبرچینی گام برمی‌دارد.

اگر میل داری تو را می‌بخشم و عفو کنم؟ مرد که از گفته خود پشیمان شده بود با خجالت درخواست عفو نمود و متعهد شد که دیگر عیبجوئی نکند.^۲

داستان ۲

هدایت از طریق صداقت

شخصی محضر رسول خدا ﷺ رسید و گفت: به بهترین کار راهنماییم کن.

حضرت فرمودند: از دروغ بپرهیز و هر گناهی را خواستی انجام بدهی انجام ده.

مرد از محضر حضرت بیرون آمد و با خود گفت می‌روم و زنا می‌کنم، تا به سمت حرام حرکت کرد با خود گفت: اگر این کار را انجام بدهم و کسی از من پرسید از کجا و به کجا می‌روی اگر راستش را بگویم آبرویم رفته و اگر دروغ بگویم بر خلاف قولی که

^۱ قلم ۱۱

^۲ مجموعه ورام ج ۱ ص ۱۲۲

به پیامبر داده ام عمل کرده ام و لذا به این طریق از گناه منصرف شد و سپس به همین هدایت پیامبر از تمامی گناهان اجتناب کرد.^۱

^۱. انوار نعمانیه ص ۲۷۴

۶- استقامت

وَ أَكْرَمُنَا بِالْهُدَى وَالْإِسْتِقَامَةِ

(و ما را به هدایت و پایداری گرامی دار)

درس زندگی

* استقامت و خلق نیکو

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: اسْتَقَمَّ وَ لِيَحْسُنَ خُلُقَكَ لِلنَّاسِ^۱

استوار باش و رفتار خویش را با مردم نیکو کن.

* چه زیباست استقامت

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: اسْتَقِيمُوا وَ نَعْمَا إِنْ اسْتَقَمْتُمْ.^۲

استوار باشید و چه نیکوست که استوار و با استقامت باشید.

* استقامت ثمره ایمان قلبی و حفظ زبان

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: لَا يَسْتَقِيمُ إِيْمَانُ عَبْدٍ حَتَّى يَسْتَقِيمَ قَلْبُهُ وَ لَا

يَسْتَقِيمُ قَلْبُهُ حَتَّى يَسْتَقِيمَ لِسَانُهُ^۳

^۱. نهج الفصاحة ص ۲۱۰

^۲. نهج الفصاحة ص ۲۱۰

^۳. نهج البلاغه ص ۲۵۳

ایمان بنده درست نیست تا این که قلب خود را صاف کند و دلش صاف نخواهد شد، مگر آنکه زبانش را حفظ کند.

***استقامت عقل، عامل استقامت دین است**

قَالَ النَّبِيُّ ﷺ: لَا إِسْتِقَامَ دِينَهُ حَتَّى يَسْتَقِيمَ عَقْلُهُ^۱

دین شخص استقامت نیابد، تا این که عقل وی استقامت یابد.

داستان ۱

استقامت در برابر سختی

شخصی سر گوسفندی را در زمانی که کمبود غذایی بود به یکی از اصحاب هدیه داد ولی او با خود فکر کرد که فلانی از من محتاج تر است هدیه را به او داد و او هم چنین فکری کرد و آنرا به دیگری تا هفت دست گشت و سپس به دست خود هدیه دهنده^۲ اولی رسید.

داستان ۲

استقامت حاتم طائی در سال قحطی

همسر حاتم طائی می گوید: در سالهای قحطی شبی چیزی برای خوردن نداشتیم بچه هایم (عُدی و سَفَّانه) را با سرگرمی هائی مشغول کردیم تا خوابشان برد و با گفتن داستان مرا نیز مشغول

^۱. نهج البلاغه ص ۲۵۳

^۲. محجه

کرد تا چشمانم روی هم رفت و حاتم فکر کرد که خوابم برد در حالی که خود را به خواب زده بودم و با چند بار صدا زدن بیدار نشدم! در این حال از سوراخ خیمه بیرون را نظاره می کرد که کسی فریاد می زند حاتم حاتم بچه هایم از گرسنگی مانند گرگ زوزه می کشند چه کنم؟!

حاتم بلند شد و گفت به خدا این بچه ها را سیر می کنم، زنش گفت با چه چیزی؟ گفت اسبم را ذبح می کنم! اسبی که لوازم را با آن جابجا می کرد ذبح کرد و گوشتش را کباب کرد و بچه را بیدار کرد و همه از گوشت اسب خوردند ولی خودش نخورد و از تماشای خوردن آنها لذت می بُرد.^۱

^۱. سفینه ج ۱ ص ۲۰۸

۷- حکمت

وَسَدِّدُ ألسِنَتَنَا بِالصَّوَابِ وَالْحِكْمَةِ

و زبانهایمان را به راست گویی و دانش استوار گردان

حکمت در لغت به معنی خرد، فراست، هوش، دانائی، فلسفه،
پند عقل و منطق است.

درس زندگی

* حکمت را هر جا یافتی بگیر

قَالَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: خُذِ الْحِكْمَةَ أَنَّى كَانَتْ^۱

حکمت را هر کجا که باشد به دست آور.

* حکمت گمشده مؤمن است

قَالَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: الْحِكْمَةُ ضَالَّةُ الْمُؤْمِنِ فَخُذِ الْحِكْمَةَ وَ تَوَمِّنْ أَهْلَ

النِّفَاقِ^۲

حکمت گمشده مؤمن است پس آن را به دست آور هر چند از

اهل نفاق باشد.

* حکمت و نورانیت دل

^۱ شرح غرر الحکم و درر الکلم ج ۳ ص ۴۴۰

^۲ نهج البلاغة

قَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَحْيِ قَلْبَكَ بِالْمَوْعِظَةِ... وَنُورَهُ بِالْحِكْمَةِ^۱

قلبت را با موعظه زنده کن و.. آنرا با زهد و بی میلی به دنیا بمیران .

*حکمت، غذای عقل است

قَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: قُوْتُ الْاِجْسَامِ الْعِذَاءُ وَقُوْتُ الْعُقُولِ الْحِكْمَةُ

خوراک بدنها، غذاست و خوراک عقلها، حکمت است.

*حکمت نگهدارنده است

قَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: الْحِكْمَةُ عِصْمَةٌ^۲

حکمت نگهدارندهٔ انسان از گناهان است.

*حکمت مایهٔ رشد است

قَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: الْحِكْمَةُ تُرْشِدُ

حکمت، آدمی را راهنمایی و ارشاد می کند.

*حکمتِ بازدارنده

قَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَوَّلُ الْحِكْمَةِ تَرْكُ اللَّذَاتِ وَآخِرُهَا مَقْتُ الْفَانِيَاتِ^۳

سر آغاز حکمت، ترک لذات (غیر مشروع) و آخر آن دشمن داشتن

امور نا پایدار است.

۱. مستدرک الوسائل ج ۲؛ ص ۱۰۲

۲. عیون الحکم و المواعظ ص ۳۶

۳. شرح آقا جمال خوانساری بر غرر الحکم و درر الکلم؛ ج ۲؛ ص ۴۰۸

* حکمت و اعراض از دنیا

قَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: حَدُّ الْحِكْمَةِ الْإِعْرَاضُ عَنِ دَارِ الْفَنَاءِ وَ التَّوَلُّهُ بِدَارِ الْبَقَاءِ^۱

حدّ حکمت روی گرداندن از دنیای فانی و شیفته بودن به سرای باقی است.

* حکیم به غیر جوانمرد رجوع نمی کند

قَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لَيْسَ بِحَكِيمٍ مَنْ قَصَدَ بِحَاجَتِهِ غَيْرَ كَرِيمٍ^۲

هر کس دست نیاز به سوی نا جوانمرد دراز کند، حکیم نیست.

داستان ۱

سخنی حکیمانه

مردی زمینی داد و اسبی خریداری کرد، یکی از حکیمان گفت: چه خرید و فروش بدی کردی. پرسید چطور؟ گفت: چیزی را با سرگین دادن به تو جو می داد فروختی و چیزی که را که با جو دادن به تو سرگین می دهد خریدی!!^۳

۱. عیون الحکم و المواعظ ص ۲۳۱

۲. عیون الحکم و المواعظ ص ۴۱۱

۳. داستانهای روانی ص ۲۶۱

داستان ۲

درخواستی حکیمانه

رسول خدا ﷺ به ربیعۀ بن کعب فرمود: هفت سال است که به من خدمت می کنی ولی چیزی از من نمی خواهی ربیعۀ مهلت خواست تا فکر کند، حضرت روز بعد از ربیعۀ خواست حاجت خود را بگوید،

گفت: از خدا بخواه مرا با تو داخل بهشت قرار دهد!

پیامبر ﷺ فرمود: چه کسی این سؤال را به تو یاد داد؟

گفت: فکر کردم اگر تقاضای مال بسیار کنم عاقبت تمام می شود و اگر اولاد زیاد که عاقبت مرگ است.

حضرت فرمود: برای تو از خدا این مطلب را می خواهیم فقط سعی کن با سجده های زیاد مرا یاری کنی.^۱

^۱. داستانهای روانی ص ۲۶۵

داستان ۳

کاری حکیمانه

وقتی هیزم‌ها را جمع کردند تا ابراهیم خلیل را بسوزانند زنبوری دهانش را پر آب کرد و به آتش پاشید جبرئیل پرسید: این مقدار آب چه سودی دارد؟

او گفت: خداوند هر کسی را به اندازه قدرتش تکلیف می‌کند. خداوند عمل زنبور را قبول کرد و او را یعسوب (امیر) زنبورها قرار داد.

یعسوب دو ویژگی دارد: ۱. جثه بزرگ ۲. نیش ندارد^۱

۱. داستانهای روانی ص ۲۷۴

۸ - علم

وَأَمَلًا قُلُوبَنَا بِالْعِلْمِ وَالْمَعْرِفَةِ

(دل های ما را از نور دانش و معرفت پر کن)

در قرآن ۴۹ بار واژه علم بکار رفته است.

درس زندگی

* علم واقعی در ایران است

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: لَوْ كَانَ الْعِلْمُ مَنُوطًا بِالْثُرَيَّا لَتَنَاوَلَهُ رِجَالٌ مِنْ فَارِسٍ.

اگر علم در ثریا باشد مردمانی از فارس بدان دست خواهند یافت.

* علم ارث انبیاء است

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: الْعِلْمُ مِيرَاثِي وَ مِيرَاثُ الْأَنْبِيَاءِ مِنْ قَبْلِي.^۱

علم میراث من و میراث پیغمبران پیش از من است.

* بزرگان علم محترمند

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: الْبِرْكَةُ مَعَ أَكَابِرِكُمْ أَهْلَ الْعِلْمِ.^۱

^۱. نهج الفصاحة ص ۵۸۲

برکت همراه با بزرگان اهل علم است.

❖ علم مسیر بهشت است

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «لِكُلِّ شَيْءٍ طَرِيقٌ وَ طَرِيقُ الْجَنَّةِ الْعِلْمُ».^۲

هر چیزی راهی دارد و راه بهشت دانش است.

❖ صدقه علم لازم است

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «زَكَاهُ الْعِلْمِ نَشْرُهُ»

زکات و صدقه علم، نشر و گسترش دادن آن است.

❖ علم مال و ملک را بدنبال دارد

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «خَيْرٌ سَلِيمَانَ بَيْنَ الْمَالِ وَ الْمُلْكِ وَ الْعِلْمِ

فَاخْتَارَ الْعِلْمَ فَأَعْطِيَ الْمُلْكَ وَ الْمَالَ لِاخْتِيَارِهِ الْعِلْمَ».^۳

سلیمان پیغمبر را میان ملک و دانش مخیر کردند دانش را برگزید

ملک را نیز به او دادند برای آنکه دانش را برگزیده بود.

❖ همه خیرها در سایه علم است

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «الْعِلْمُ رَأْسُ الْخَيْرِ كُلِّهِ وَ الْجَهْلُ رَأْسُ الشَّرِّ

كُلِّهِ».^۴

^۱. بحار الأنوار ج ۷۲ ص ۱۳۷

^۲. نهج الفصاحه ص ۶۳۲

^۳. بحار الأنوار ج ۱ ص ۱۹۵

^۴. بحار الأنوار ج ۷۴ ص ۱۷۵

علم و دانش سرمنشاء همه خیر و خوبی است و جهل و نادانی ریشه همه شر و بدبختی است.

***بهترین علم را انتخاب کنید**

قَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: الْعِلْمُ أَكْثَرُ مِنْ أَنْ يُحَاطَ بِهِ فَخُذُوا مِنْ كُلِّ عِلْمٍ أَحْسَنَهُ^۱

دانش محدود اش بیشتر از آن است که شما بر همه جوانب آن احاطه یابید پس از هر علمی بهترین آن را انتخاب کنید.

***علم زکاتی دارد**

قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لِكُلِّ شَيْءٍ زَكَاةٌ وَ زَكَاةُ الْعِلْمِ أَنْ يُعَلِّمَهُ أَهْلَهُ^۲

هر چیزی زکاتی دارد و زکات علم آموختن آن به اهلس می باشد.

***راسخون در علم اختلاف ندارند**

عَنِ الْبَاقِرِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَنْ الرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ؟ فَقَالَ: مَنْ لَا يُخْتَلَفُ فِي عِلْمِهِ

از امام محمد باقر عليه السلام سوال شد که راسخ در علم کیست؟ امام فرمود: کسی که در دانش او اختلافی نیست.

^۱ تصنیف غرر الحکم و درر الکلم ص ۴۶

^۲ عده الداعی و نجاح الساعی ص ۷۲

داستان

علم و معرفت شیعه واقعی

به امام صادق علیه السلام عرض شد: که یک نفر امروز به نام عمّار ذهنی از شیعیان نزد ابولیلی قاضی کوفه به موردی گواهی داد ولی قاضی به او گفت: گواهی تو قبول نیست ما تو را می شناسیم رافضی هستی عمّار سخت ناراحت شد و به گریه افتاد به طوری شانه هایش تکان می خورد. ابولیلی گفت تو از علماء و حدیث شناسانی، اگر از این نسبت ناراحت شدی از این مرام برگرد.

عمّار ذهنی گفت: به خدا قسم گریه ام برای خودم و تو هست، برای خودم گریه می کنم که مرا به صفتی نسبت دادی که لایقش نیستم تو گمان کردی که من رافضی ام وای بر تو! امام صادق علیه السلام به من خبر داد نخستین کسانی که رافضی معروف شدند ساحران زمان حضرت موسی بودند که پس از دیدن معجزه حضرت موسی علیه السلام فرعون را ترک (رَفَض) کردند و به موسی علیه السلام ایمان آوردند پس رافضی واقعی کسی است که آنچه را خدا نمی پسندد ترک کند و هر چه را امر کند انجام دهد.^۱

۱. تنبیه الاخوان ج ۲ ص ۱۰۴

۹- معرفت

وَأَمَلًا قُلُوبِنَا بِالْعِلْمِ وَالْمَعْرِفَةِ

(دل های ما را از نور دانش و معرفت پر کن)

درس زندگی

*ایمان برتر در سایه معرفت است

قَالَ النَّبِيُّ ﷺ: أَفْضَلُكُمْ إِيمَانًا أَفْضَلُكُمْ مَعْرِفَةً^۱

برترین شما در ایمان به خدا کسی است که در معرفت و شناخت به خدا برتر باشد

*انسان با معرفت به دنیا آمده است

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: كُلُّ مَوْلُودٍ يُوَلَّدُ عَلَى الْفِطْرَةِ يَعْنِي الْمَعْرِفَةَ^۲

هر فرزندی که به دنیا می آید بر فطرت الهی است (براساس شناخت الهی خلق شده است)

*معرفت مردم شناسی به دنبال دارد

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: إِنَّ لِلَّهِ عِبَادًا يَعْرِفُونَ النَّاسَ بِالتَّوَسُّمِ^۳

۱. بحار الأنوار ج ۳ ص ۱۴

۲. الکافی ج ۲ ص ۱۳

۳. بحار الأنوار ج ۲۴ ص ۱۲۳

همانا خداوند بندگان را به دقت می شناسند.

❖ ایمان ده بخش است که یکی معرفت است

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: الْإِيمَانُ فِي عَشْرَةِ الْمَعْرِفَةِ وَالطَّاعَةِ وَالْعِلْمِ وَالْعَمَلِ وَالْوَرَعِ وَالْإِجْتِهَادِ وَالصَّبْرِ وَالْيَقِينِ وَالرِّضَا وَالْتَسْلِيمِ فَأَيُّهَا فَقَدْ صَاحِبُهُ بَطَلَ نِظَامُهُ.^۱

ایمان در ۱۰ مورد است: دانش و اطاعت، علم و کار، فداکاری و سعی و کوشش، صبر و یقین و رضایت و تسلیم است که اگر یکی از این ها مفقود شد نظام دین داری انسان به هم می ریزد.

❖ اگر معرفت آمد دنیا خواهی می رود

قَالَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَنْ صَحَّتْ مَعْرِفَتُهُ انصَرَفَتْ عَنِ الْعَالَمِ الْفَانِي نَفْسُهُ وَهَمَّتُهُ^۲

کسی که شناختش صحیح باشد خود و همتش از دنیای فانی روگردان می شود

❖ دعای بی معرفت مستجاب نمی شود

قَالِقَوْمٌ لِلصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: نَدْعُوهُ فَلَا يَسْتَجَابُ لَنَا؟ قَالَ: لِأَنَّكُمْ تَدْعُونَ مَنْ لَا تَعْرِفُونَهُ.^۳

^۱ . بحار الأنوار ج ۷۴ ص ۱۷۰

^۲ . تصنیف غرر الحکم و درر الکلم ص ۱۳۶

^۳ . تفسیر نور الثقلین ج ۴ ص ۵۳۳

از امام عَلَيْهِ السَّلَامُ سوال شد: چگونه است که خدا دعای ما را مستجاب نمی کند؟ فرمود: بخاطر اینکه دعای شما از روی معرفت و شناخت حقیقی به خدا نیست.

*در همه حالات معرفت لازم است

عَنْ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : يَا كُمْيْلُ! مَا مِنْ حَرَكَةٍ إِلَّا وَ أَنْتَ مُحْتَاجٌ فِيهَا إِلَى مَعْرِفَةٍ^۱

ای کمیل؛ هیچ حرکتی نیست مگر آنکه تو نیاز به دانستن و معرفت داری.

*بزرگترین معرفت خود شناسی است

عَنْ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : أَفْضَلُ الْحِكْمَةِ مَعْرِفَةُ الْإِنْسَانِ نَفْسَهُ وَ وَقُوفُهُ عِنْدَ قَدْرِهِ^۲

بهترین حکمت خودشناسی و توقّف انسان درباره قدر و مقام او است.

*وسیله بدست آوردن معرفت

قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ : أَنَّ رَجُلًا قَامَ إِلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ لَهُ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ بِمَا عَرَفْتُ رَبِّكَ قَالَ يَفْسُخِ الْعَزْمَ وَ نَقْضِ الْهَمَمَ^۳

^۱ . تحف العقول ص ۱۷۱

^۲ . تصنیف غرر الحکم و درر الکلم ص ۲۳۲

^۳ . بحار الأنوار ج ۳ ص ۴۲

امام صادق علیه السلام فرمود: روزی شخصی به امام علی علیه السلام گفت: یا امیرالمومنین چگونه خدای خود را شناختی؟
فرمود: به گسستن اراده‌ام و شکستن قصدهایم.
بی قضای او نیاید هیچ مرگ

بی رضای او نریزد هیچ برگ

داستان ۱

نویسنده مفاتیح الجنان مرحوم شیخ عباس قمی رضوان الله علیه در احوالات امام صادق علیه السلام می نویسد:... آن جناب کثیرالحدیث و خوش مجالست و کثیر الفوائد بود و هر گاه می خواست بگوید قال رسول الله صلی الله علیه و آله رنگش تغییر می کرد سپس می گوید خوب تأمل کن در حال حضرت صادق علیه السلام در تعظیم و توقیر او از رسول خدا صلی الله علیه و آله که در وقت نقل حدیث از آن حضرت چگونه حالش تغییر میکند پس با تعظیم نام مبارک حضرت را بگو و در نوشتن با پسوند صلی الله علیه و آله وسلم آن را بنویس بلکه بدون طهارت نام او را بر زبان مران و در نهایت هم بگو:

هزار مرتبه شویم دهان به مُشک و گلاب

هنوز نام تو بردن کمال بی ادبی است^۱

۱. منتهی الآمال ج ۴ باب ۸

داستان ۲

سید جمال الدین اسد آبادی همواره از مقام پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله احترام بسیار می کرد و هر گاه نام پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به میان می آمد با تمام قامت می ایستاد و از دیگر آثار دین با احترام یاد می کرد.^۱

داستان ۳

مرحوم در بندی از شاگردان شریف العلماء و خود از عالمان فرهیخته بود به کتاب های علمی ، زیاد احترام می کرد به طوری که کتاب تهذیب شیخ طوسی و مانند آنرا هر گاه بر می داشت مانند قرآن می بوسید و بالای سر می گذاشت و کتب احادیث را همچون قرآن محترم می دانست.^۲

^۱. سیمای فرزندگان ص ۲۷۴

^۲. قصص العلماء ص ۱۰۹

۱۰- حرام

وَطَهَّرْ بُطُونَنَا مِنَ الْحُرَامِ وَالشُّبْهَةِ

درون ما را از غذای حرام و شبهه ناک پاک گردان

در بیش از ده مورد کلمه حرام در قرآن آمده است

درس زندگی

* اصل حرام

قَالَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: الْحُرَامُ سُخْتُ^۱

حرام پلیدی است.

* برگرداندن حرام به صاحبش

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: لَرُدُّ دَانِيٍّ مِنْ حَرَامٍ يُعْدِلُ عِنْدَ اللَّهِ سَبْعِينَ أَلْفَ

حِجَّةٍ مَبْرُورَةٍ^۲

برگردندن مقدار اندکی از مال حرام به صاحبش، در نزد خدا با

هفتصد حج مقبول برابری می کند.

* خوردن حرام

قَالَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يُمْسَ الطَّعَامُ الْحَرَامُ^۱

^۱. تصنیف غرر الحکم و درر الکلم ص ۳۵۵

^۲. بحار الأنوار ج ۱۰۱ ص ۲۹۶

خوردن حرام، بد خوراکی است.

* حرام بی برکت است

قَالَ الْكَاطِمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ : يَا دَاوُدُ إِنَّ الْحَرَامَ لَا يَنْمِي وَ إِنْ نَمَى لَا يُبَارِكُ لَهُ فِيهِ وَ مَا أَنْفَقَهُ لَمْ يُؤْجَرْ عَلَيْهِ وَ مَا خَلَّفَهُ كَانَ زَادَهُ إِلَى النَّارِ.^۱

همانا حرام رشد وزیادی ندارد و اگر زیاد شود در آن برکتی نیست و هر مقدار که از مال حرام انفاق کند اجری به آن داده نمی شود و هر مقدار که از آن برای بعد از خودش باقی بماند باعث عذاب برای او خواهد شد.

* پرهیز از حرام پلکان ترقی است

قَالَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : إِذَا رَغِبْتَ فِي الْمَكَارِمِ فَاجْتَنِبِ الْمَحَارِمِ.^۲

اگر به خوبی ها میل و رغبت داری، پس از محرمات الهی پرهیز کن.

* باد آورده را باد می برد

قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ : مَنْ جَمَعَ مَالًا مِنْ مَهَاوِسٍ أَذْهَبَهُ اللَّهُ فِي نَهَابِرٍ

^۱. تحف العقول ص ۷۹

^۲. الکافی ج ۵ ص ۱۲۵

^۳. تصنیف غرر الحکم و درر الکلم ص ۳۱۷

^۴. بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد ج ۱ ص ۳۳۶

هر کس مالی را از راه حرام ذره ذره جمع کند همه آن را به ناگهان از دست خواهد داد.

*** ورود حرام خوار به بهشت ممنوع**

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: **الْجَنَّةُ مُحَرَّمَةٌ عَلَى جَسَدٍ غُدِّي بِالْحَرَامِ**^۱

بهشت بر بدن حرامخوار حرام است.

*** پنج طریق بدست آوردن مال**

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: **لَا يُجْمَعُ الْمَالُ إِلَّا بِخَمْسِ خِصَالٍ يُبْخَلُ شَدِيدًا وَ أَمَلٍ طَوِيلٍ وَ حِرْصٍ غَالِبٍ وَ قَطِيعَةِ الرَّجْمِ وَ إِتْيَانِ الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ**^۲.

مال جز به پنج خصلت جمع نمی‌شود: بخل زیاد داشتن، آرزوی طولانی، حرص زیاد، بریدن از خویشان و برگزیدن دنیا بر آخرت.

*** ۱۲ پیام امیرالمومنین علیه السلام به بازار مسلمین:**

- ۱- با نیت طلب خیر به بازار بروید
- ۲- از آسان گرفتن بمردم برکت بگیرید.
- ۳- دلها در خرید و فروش به هم نزدیک باشد.
- ۴- با حلم زینت کنید.
- ۵- از قسم خوردن دوری کنید.

^۱. إرشاد القلوب ج ۱ ص ۶۹

^۲. وسائل الشیعة ج ۲۱ ص ۵۶۱

- ۶- از دروغ اجتناب کنید.
- ۷- از ظلم بترسید.
- ۸- با مظلوم با رحم و انصاف برخورد کنید.
- ۹- اطراف ربا نروید.
- ۱۰- کیل و پیمانہ را کامل کنید.
- ۱۱- روی جنس دیگران عیب نگذارید.
- ۱۲- در زمین فساد نکنید.^۱

داستان ۱

رشوه به نام هدیه

رسول خدا ﷺ شخصی را برای گرفتن زکات از قبیله اَزْد فرستاد رفت و پس از مدتی بازگشت و برخی از آنچه آورده بود را نزد خود نگه داشت و گفت: این از شما و این هم از هدایایی که به من داده اند پیامبر فرمود:

اگر راست می گویی بنشین در خانه پدر و مادرت تا برایت هدیه بیاورند!!

سپس فرمود: چرا هرگاه شما را برای کاری می فرستم این گونه می کنید!

^۱. بحار الانوار ج ۷۸ ص ۵۴

سپس فرمود: قسم به جانم هیچکس چیزی به ناحق نمی گیرد مگر این که در قیامت آنرا بر دوش دارد، مبادا کسی از شما فردای قیامت گاو و شتر بردوش وارد قیامت شود، خدایا گواه باش من گفتم.^۱

داستان ۲

رزق روزی کرم های دل سنگ

حضرت موسی عَلَيْهِ السَّلَام مأمور شد که فرعون را هدایت کند عرض کرد خدایا چه کسی خانواده ام را سرپرستی کند؟
خدا فرمود: عصایت را به سنگ بزن سنگ شکست و درونش سنگ دیگری پدیدار شد و بالاخره در درونش کرمی چیزی به دهان گرفته می خورد و همان کرم گفت: سُبْحَانَ مَنْ يَرَانِي وَ يَسْمَعُ كَلَامِي وَ يَعْرِفُ لِسَانِي وَ يَذْكُرُنِي وَ لَا يَنْسَانِي.^۲ پاک و منزّه است خدائی که مرا می بیند و کلام مرا می شناسد و بیاد من هست و فراموش نمی کند!

^۱.جامع السعادت.ج ۲

^۲.تفسیر روح البیان.ج ۴ص ۹۶

۱۱- شبهه

وَطَهَّرْ بَطُونَنَا مِنَ الْحَرَامِ وَالشُّبْهَةِ

درون ما را از غذای حرام و شبهه ناک پاک گردان

در هفت مورد قرآن لغت شبهه ذکر شده است.

درس زندگی

*توقف در شبهه

قَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: الْوَرَعُ الْوُقُوفُ عِنْدَ الشُّبْهَةِ^۱

پارسیایی در پرهیز و توقف کردن در شبهه است.

*ریشه اراده

قَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَصْلُ الْحَزْمِ الْوُقُوفُ عِنْدَ الشُّبْهَةِ^۲

ریشه تدبیر و اراده، وقوف در شبهه است.

*چرا شبهه را شبهه می گویند

قَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّهَا سُمِّيَتْ الشُّبْهَةَ شُبْهَةً لِأَنَّهَا تُشْبِهُ الْحَقَّ^۳

شبهه را شبهه نامیدند چون شبیه به حق می شود.

۱. تصنیف غرر الحکم و درر الکلم ص ۲۶۸

۲. تحف العقول ص ۲۱۴

۳. بحار الأنوار ج ۶۷ ص ۱۸۱

* حفظ دین با پرهیز از شبهه

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: مَنْ اتَّقَى الشُّبُهَاتِ فَقَدْ اسْتَبْرَأَ لِدِينِهِ^۱

هر کس از شبهات دوری کند، برآستی که دین خود را محافظت کرده است.

* شبهه مرز حرام است

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: حَلَالٌ بَيْنَ وَ حَرَامٌ بَيْنَ وَ شُبُهَاتٌ بَيْنَ ذَلِكَ
فَمَنْ تَرَكَ الشُّبُهَاتِ نَجَا مِنَ الْمُحَرَّمَاتِ وَ مَنْ أَخَذَ بِالشُّبُهَاتِ ارْتَكَبَ
الْمُحَرَّمَاتِ وَ هَلَكَ مِنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُ^۲

حلال و حرام خداوند آشکار و بیان شده است و شبهات مابین حلال و حرام است، هر کس شبهات را رها کند از حرام نجات پیدا کرده است و هر کس شبهات را انجام دهد به محرمات گرفتار خواهد شد از آنجائی که خودش هم نمی داند هلاک خواهد شد.

* خوشا به حال آگاهان به شبهه ها

قَالَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: طُوبَى لِمَنْ لَمْ تَعَمْ عَلَيْهِ مُشْتَبِهَاتُ الْأُمُورِ^۳

خوشا به حال کسانی که امور متشابهه او را احاطه نکند.

* دقت نظر محبوب خداست

^۱. بحار الأنوار ج ۲ ص ۲۵۹

^۲. الکافی ج ۱ ص ۶۸

^۳. بحار الأنوار ج ۷۴ ص ۴۲۶

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يُحِبُّ النَّظَرَ النَّافِدَ عِنْدَ مَجِيءِ الشُّبُهَاتِ^۱

خداوند دقت نظر در هنگام برخورد با شبهات را دوست دارد.

* آنچه منسوخ شده همان شبهه است

قَالَ الْبَاقِرُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: فَالْمَنْسُوخَاتُ مِنَ الْمُتَشَابِهَاتِ^۲

هر آنچه از آیات الهی که منسوخ شده، همان شبهات است.

داستان

وقتی از حلال مقدر است چرا؟

انس بن مالک میگوید: همراه پیامبر ﷺ به بیابان رفتیم پرنده ای را دیدم که آواز مخصوصی داشت پیامبر ﷺ پرسید: می دانی چه می گوید؟

عرض کردم: خدا ورسولش می دانند.

فرمود: می گوید: إلهی أذهبَتْ بَصْرِي وَخَلَقْتَنِي أَعْمَى فَارْزُقْنِي

فَأَنِّي جَائِعٌ

^۱. أعلام الدين في صفات المؤمنين ص ۲۹۳

^۲. الكافي ج ۲ ص ۲۸

خدایا چشمم را گرفتی ومرا کور آفریدی، روزی مرا برسان
گرسنه ام .

ناگهان مَلْخَى آمد در دهانش قرار گرفت و پرنده کور او را بلعید
در این لحظه لحن آواز پرنده عوض شد وگفت: **الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ**
يَنْسَ مَنْ ذَكَرَهُ: سپاس خدائی را که یادآورنده اش را فراموش نمی
کند.^۱

^۱داستان های روایی.ص ۴۳۰

۱۲- ظلم

وَكَفُّ أَيْدِيَنَا عَنِ الظُّلْمِ وَالسَّرِقَةِ

ودست هایمان را از ستم و دزدی باز دار

آیات مربوط به ظلم با تعبیر به ظلم ۳۹ مورد است

درس زندگی

* بدترین مردم ظالمانند

قالَ علي عليه السلام: شَرُّ النَّاسِ مَنْ يَظْلِمُ النَّاسَ^۱

بدترین مردم کسی است که به مردم ظلم کند

* ظلم و ستم مادر فرومایگی هاست

قالَ علي عليه السلام: الظُّلْمُ أُمُّ الرِّذَالِ^۲

ظلم و ستم کردن (در حق دیگران) مادر فرومایگی ها و پستی هاست.

* ستمگر پشیمان می شود

قالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: الظُّلْمُ نَدَامَةٌ^۳

عاقبت ستم کردن پشیمانی است.

^۱ . عیون الحكم و المواعظ ۲۹۴

^۲ . تصنیف غرر الحكم و درر الكلم ص ۴۵۵

^۳ . بحار الأنوار ج ۷۲ ص ۳۲۲

*ظلم امروز تاریکی فردا

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: الظُّلْمُ ظُلُمَاتٌ يَوْمَ الْقِيَامَةِ.^۱

ظلم وستم امروز ظالم باعث تاریکی های فردای قیامت برای او خواهد شد.

*هر که به خود ظلم کند به دیگران حتما

قَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَنْ ظَلَمَ نَفْسَهُ كَانَ لِغَيْرِهِ أَظْلَمَ.^۲

هر که به خود ظلم وستم کند به دیگران بیشتر ظلم خواهد کرد.

*هر که زیاد ظلم کرد زیاد پشیمان شود

قَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَنْ كَثُرَ ظُلْمُهُ كَثُرَتْ نَدَامَتُهُ.^۳

هر کس که ظلمش زیاد باشد پشیمانی اش هم زیاد شود.

*ظلم ها نعمت ها رامحو می کند

قَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: كَمْ مِنْ نِعْمَةٍ سَلَبَهَا ظُلْمٌ؛

چه بسیار نعمتها که ظلم، باعث از بین رفتن آنها شده است.

*از همه بدی ها به عقوبت نزدیک تر

قَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ أَسْرَعَ الشَّرِّ عِقَابًا الظُّلْمُ.^۴

^۱. بحار الأنوار ج ۷ ص ۲۲۹

^۲. عيون الحكم و المواعظ ص ۴۶۰

^۳. تصنیف غرر الحكم و درر الكلم ص ۴۵۸

^۴. تصنیف غرر الحكم و درر الكلم ص ۴۵۶

^۵. تصنیف غرر الحكم و درر الكلم ص ۴۵۷

ظلم و ستم از همه بدی ها به عقوبت نزدیک تر و سریعتر است.
 دیده ای که خون ناحق پروانه شمع را
 چندان امان نداد که شب را سحر کند

*از ظلم خودتان بترسید

قَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لَا تَخَافُوا ظُلْمَ رَبِّكُمْ وَ لَكِنْ خَافُوا ظُلْمَ أَنْفُسِكُمْ.^۱
 از ظلم خداوند در حق خودتان نترسید بلکه از ظلم خودتان در حق
 خود بترسید.

*ظلم دیار را نابود می کند

قَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: الظُّلْمُ يُدْمِرُ الدِّيَارَ^۲
 ستم کردن باعث نابودی دیار و سرزمین ها می شود.

داستان ۱

ظلم به امام حسن عليه السلام به طمع دنیا

معاویه به جُعه دختر اشعث بن غیث گفت: امام حسن عليه السلام را
 زهر بده صد هزار درهم به تو می دهم و تو را برای یزید می گیرم .
 او این ظلم را انجام داد معاویه هم گفت: تو با امام خود این کار
 را کردی با یزید چه خواهی کرد؟! به عهدش وفا نکرد.

^۱. عیون الحکم و المواعظ ص ۵۲۱

^۲. تصنیف غرر الحکم و درر الکلم ص ۴۵۶

۱۳- دزدی

وَكَفُّ أَيْدِيَنَا عَنِ الظُّلْمِ وَالسَّرِقَةِ

ودست هایمان را ازستم و دزدی باز دار

درشش مورد از آیات قرآن لغت سرقت آمده است.

درس زندگی

* سرقت از گناهان بزرگ است

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: أَرْبَعٌ لَا يَدْخُلُ بَيْتًا وَاحِدَةً مِنْهُنَّ إِلَّا خَرِبَ وَ لَمْ يُعْمَرْ بِالْبِرِّكََةِ الْخِيَانَةُ وَالسَّرِقَةُ وَ شُرْبُ الْخَمْرِ وَ الزَّوْءَاءُ.^۱

چهارچیز است که اگر یکی از آنها داخل خانه ای شود آن را نابود کرده و آباد نمی شود: خیانت ، دزدی، شرابخواری، زنا.

* جنس دزدی را نخرید

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: مَنْ اشْتَرَى سَرِقَةً وَ هُوَ يَعْلَمُ فَقَدْ شَرِكَ فِي عَارِهَا وَ إِثْمِهَا.^۲

هرکس جنس دزدی را بخرد و بداند که دزدی بوده در ننگ و گناه آن شریک خواهد بود.

^۱. الأماالی (للصديق) ص ۳۹۸

^۲. الکافی ج ۵ ص ۲۲۹

*میوه آویزان دزدیدن قطع دست ندارد

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: لَا قَطْعَ فِي ثَمَرٍ مُعَلَّقٍ.^۱

هر کس از درخت ثمردار دزدی بکند دست او قطع نمی شود.

* دست دزد با شرائط قطع می شود

قَالَ الصَّادِقُ ع: أَنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ ع أَتَى بِرَجُلٍ اخْتَلَسَ دُرَّةً مِنْ أُذُنِ جَارِيَةٍ قَالَ هَذِهِ الدَّغَارَةُ الْمُعْلَنَةُ فَضْرَبَهُ وَحَبَسَهُ^۲

مردی را به محضر امیر المومنین ع آوردند که گوشواره از گوش کنیزکی دزدیده بود حضرت فرمود: این مورد از دزدی آشکار بوده، تازیانه اش زدند و زندانی اش کردند.

* سارقان بر سه قسمند

قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع: السُّرَّاقُ ثَلَاثَةٌ مَانِعُ الزَّكَاةِ وَ مُسْتَحِلُّ مَهْرٍ النِّسَاءِ وَ كَذَلِكَ مِنْ اسْتَدَانَ دَيْنًا وَ لَمْ يَنْوَ قَضَاءَهُ.^۳

سارقان بر سه قسمند: کسی که زکات نمی پردازد، کسی که مهریه زنان را حلال دانسته و قصد پرداخت ندارد و همچنین کسی که بدهکار بوده و نمی خواهد آنرا به طلبکار بپردازد.

^۱. مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل ج ۱۸ ص ۱۴۰

^۲. الکافی ج ۷ ص ۲۲۶

^۳. الخصال ج ۱ ص ۱۵۳

داستان

رزق حلال را بَدَل به حرام کرد

حضرت علی عَلَيْهِ السَّلَام از اسب پیاده شدند و به خاطر کاری که داشتند افسار اسب را به شخصی که در آنجا ایستاده بود دادند تا بروند به خانه ای و برگردند وقتی برگشتند دیدند افسار را دزدیده و رفته است امام بعداً آن افسار را در دست کسی دید و معلوم شد که آن را به دو درهم خریده است. فرمود: من می خواستم مزد او که افسار اسب را نگاه داشته بود دو درهم به او بدهم ولی او رزق حلال خود را تبدیل به حرام کرد.^۱

۱. داستان های روایی. ص ۴۳۹

۱۴- تبهکاری وَاعْضُضْ أَبْصَارَنَا عَنِ الْفُجُورِ وَالْمُحْيَانَةِ

همیشه هایمان را از گناه و فیانت بپوشان

درس زندگی

* اهل فجور رسوا کار می کنند

قَالَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: الْفَاجِرُ مُجَاهِرٌ^۱

شخص فاجر گناهش علنی است.

* فاجر شما را ارزان می فروشد

قَالَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِذَا كُنتُمْ مُمْصَدَقَةَ الْفَاجِرِ فَإِنَّهُ يَبِيعُ مُمْصَدَقَهُ بِالتَّافِهِ الْمُحْتَقِرِ^۲

از رفاقت با فاجر بهره‌یزید زیرا تو را به پیشیزی کم ارزش می فروشد.

* از فاجر فرار کنید

قَالَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: فَرُّوا كُلَّ الْفِرَارِ مِنَ الْفَاجِرِ الْفَاسِقِ^۳

۱. تصنیف غرر الحکم و درر الکلم ص ۴۶۲

۲. تصنیف غرر الحکم و درر الکلم ص ۴۳۳

۳. تصنیف غرر الحکم و درر الکلم ص ۴۶۲

تا می توانید از بدکار فاسق فاجر بگریزید.

***فجور ذلت آور است**

قَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: التَّقْوَى تُعِزُّ الْفُجُورُ يُذِلُّ^۱

تقوی و پرهیز گاری عزت می آفریند و فسق فجور ذلت می آورد.

***فاجر بی توان می شود**

قَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لَيْسَ مَعَ الْفُجُورِ غَنَاءٌ^۲

با گناهکاری و فجور بهره و رشدی نیست.

***فجور از بدترین گناهان**

قَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِيَّاكَ وَ الْمُجَاهِرَةَ بِالْفُجُورِ فَإِنَّهَا مِنْ أَشَدِّ الْمَآئِمِ^۳

مبادا گناه را آشکارا کنی که همانا از سخت ترین گناهان است.

***رفاقت با فاجر ممنوع**

قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لَا يَنْبَغِي لِلْمُسْلِمِ أَنْ يُوَاجِهِيَ الْفَاجِرَ وَ لَا

الْأَحْمَقَ وَ لَا الْكُذَّابَ.^۴

سزاوار نیست که مسلمان با فاجر و احمق و دروغگو برادری کند.

***از فاجر باید جدا شد**

^۱. تصنیف غرر الحکم و درر الکلم ص ۴۶۲

^۲. تصنیف غرر الحکم و درر الکلم ص ۴۶۲

^۳. تصنیف غرر الحکم و درر الکلم ص: ۴۶۲

^۴. الکافی ج ۲ ص ۳۷۴

قَالَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: قَطِيعَةُ الْفَاجِرِ غُنْمٌ^۱

قطع رابطه با شخص فاجر غنیمت است.

داستان ۱

گناه به قیمت کشتن پیامبر خدا

هیردوس پادشاه روم که علاقه زیادی به حضرت یحیای پیامبر
 ﷺ داشت با زنی زنا می کرد وقتی آن زن پیر شد دخترش را
 آرایش کرد و نزد پادشاه فرستاد و چنان نشان داد که عاشق شاه
 است و خواست که با او ازدواج کند

شاه از حضرت یحیی ﷺ مسئله آن را پرسید و آن حضرت بر
 اساس دین مسیح فرمود: این ازدواج جایز نیست. کینه حضرت
 یحیی ﷺ به دل آن زن افتاد خواست انتقام بگیرد! روزی که پادشاه
 را مست شراب دید دختر آرایش کرده اش را بنزد پادشاه فرستاد و
 چونکه شاه خواست از او کام بگیرد گفت: یک شرط دارد و آن هم
 این که سر یحیی را از بدنش جدا کنی!!

قبول کرد و دستور داد سر یحیی ﷺ را از بدنش جدا کردند.

ونقل دیگری مشابه این هم گفته شده:

امام باقر ﷺ فرمود: قاتل یحیی فرزند زنا بود همان گونه که
 قاتل علی ﷺ و قاتل حسین ﷺ چنین بودند . وقتی یحیی ﷺ به

^۱ تصنیف غرر الحکم و درر الکلم ص: ۴۳۱

قتل رسید خداوند بخت النصر (از پادشاهان بابل) را بر بیت المقدس
مسلط کرد و او هفتاد هزار از آنان را کشت تا خون حضرت یحیی
علیه السلام از جوشش ایستاد.^۱

زدست دیده و دل هردو فریاد
که هر چه دیده بیند دل کند یاد
بسازم خنجری نیشش ز فولاد
زنم بر دیده که تا دل گردد آزاد

^۱. تاریخ انبیا. داستانهای روانی ص ۴۴۳

۱۵- بی وفائی

وَاعْضُضْ أَبْصَارَنَا عَنِ الْفُجُورِ وَالْمُحِيَانَةِ

وهمیشه هایمان را از گناه و خیانت بپوشان

درس زندگی

* بدترین خیانت ها، خیانت در امانت

قالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: مِنْ أَفْحَشِ الْخِيَانَةِ خِيَانَةُ الْوَدَائِعِ^۱

از رسواترین خیانت ها، خیانت در امانت و سپرده هاست.

* خائن مسلمان نیست

قالَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لَيْسَ مِنَّا مَنْ خَانَ بِالْأَمَانَةِ.^۲

از ما نیست کسی که در امانت خیانت کند

* فاش کردن راز، خیانت است

قالَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: كُنْ بِأَسْرَارِكَ بَخِيلًا وَ لَا تُدْعُ سِرًّا أَوْدِعْتَهُ فَإِنَّ

الْإِدَاعَةَ خِيَانَةٌ^۳

۱. تصنیف غرر الحکم و درر ص ۲۵۳

۲. بحار الأنوار ج ۷۲ ص ۱۷۰

۳. تصنیف غرر الحکم و درر الکلم ص ۳۲۰

نسبت به اسرار و رازهایت بخیل باش (نزد هر کس افشاء مکن) و از فاش کردن رازها و اسرار مردم دوری کن، که افشاء کردن راز، خیانت است.

❖ خیانت، بدترین گناه

قَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِيَّاكَ وَ الْخِيَانَةَ فَإِنَّهَا شَرُّ مَعْصِيَةٍ وَ إِنَّ الْخَائِنَ لَمُعَذَّبٌ بِالنَّارِ عَلَى خِيَانَتِهِ^۱.

بپرهیز از خیانت که بدترین معصیت محسوب می شود وهمانا خائن به خاطر خیانتش در آتش عذاب می شود.

❖ خیانت دلیل بی دینی است

قَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: الْخِيَانَةُ دَلِيلٌ عَلَى قِلَّةِ الْوَرَعِ وَ عَدَمِ الدِّيَانَةِ^۲.

خیانت کردن دلیل بر کم بودن پرهیزکاری و بی دینی است.

❖ از سه گروه بپرهیز

قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِحْذَرِ مِنَ النَّاسِ ثَلَاثَةَ الْخَائِنِ وَ الظُّلْمَ وَ النَّمَامَ لِإِنَّ مَنْ خَانَ لَكَ خَانَكَ وَ مَنْ ظَلَمَ لَكَ سَيَظْلِمُكَ وَ مَنْ نَمَّ إِلَيْكَ سَيَنْتُمُّ عَلَيْكَ^۳

۱. عیون الحکم و المواعظ ص ۹۵

۲. تصنیف غرر الحکم و درر الکلم ص ۴۶۰

۳. تحف العقول ص ۳۱۶

از سه گروه از مردم اجتناب و دوری کن، خائن، ظالم، سخن چین:

زیرا کسی که به خاطر تو به دیگران خیانت کند به تو نیز خیانت خواهد کرد

و کسی که به خاطر تو (به دیگران) ظلم کند به زودی به تو نیز ظلم خواهد کرد

و کسی که سخن دیگران را به تو منتقل کرده و تمامی کند عنقریب علیه تو سخن چینی خواهد کرد.

هر که عیب دیگران نزد تو آورد و شمرد

بی گمان عیب تو نزد دیگران خواهد بُرد

خیانت بر امت

قَالَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ مِنْ أَعْظَمِ الْخِيَانَةِ، خِيَانَةَ الْأُمَّةِ^۱

بزرگترین خیانت، خیانت به امت و ملت است.

اعتماد به خائن خواری است

قَالَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مِنْ عَلَامَاتِ الْخِذْلَانِ اِيْتِمَانُ الْخَوَّانِ^۲

از نشانه های خواری و ذلت، اعتماد و اطمینان کردن به خیانت کار است.

^۱. مکاتیب الأئمة ج ۲ ص ۴۰

^۲. تصنیف غرر الحکم و درر الکلم ص ۴۶۰

* چهار عامل خانه برانداز

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ : أَرْبَعَةٌ لَا تَدْخُلُ بَيْتًا وَاحِدَةً مِنْهُمْ إِلَّا خَرِبَ وَ لَمْ يُعْمَرْ بِالْبِرِّكََةِ الْخِيَانَةُ وَ شُرْبُ الْخَمْرِ وَ السَّرِقَةُ وَ الزَّانَاءُ.^۱

چهار چیز است که داخل خانه نمی شود یکی از آنها مگر آنکه خراب می کند و با برکت و کارهای خوب هم جبران نمی شود: ۱- خیانت ۲- سرقت ۳- شرابخواری ۴- زنا .

درس زندگی

* چشم چران

شخصی به رسول خدا ﷺ عرض کرد: فلانی به ناموس همسایه نگاه می کند و اگر بتواند از زنان باکی ندارد، دیگری گفت: البته او از شیعیان و پیروان شماسست و با دشمنان شما دشمن است. حضرت فرمود: چنین نگو ، زیرا شیعه ما کسی است که او را ما پیروی کند و در خط ما گام بر می دارد ، او با چنین روشی (چشم چرانی) از روش ما منحرف شده است.^۲

داستان ۲

امام ، شیعه خود را می بیند

^۱ . ثواب الأعمال و عقاب الأعمال ص ۲۴۲

^۲ . نمونه معارف ج ۳ ص ۲۹

مردی به نام مَرزَم گفت: ساکن مدینه شدم کنیزی را دیدم و شیفته اش شدم خواستم از او کام بگیرم راضی نشد، پاسی از شب گذشت به در خانه اش رفتم در زدم همان کنیزک در را باز کرد دستم را به سوی سینه اش دراز کردم وارد خانه شد در را بست صبح وقتی محضر امام رضا علیه السلام رسیدم فرمود: ای مَرزَم کسی که در جای خلوت دلش پارسا نباشد شیعه ما نیست.^۱

داستان ۳

عاقبت دنیوی خیانت

برمکیان در دولت عباسیان عیش و نوشی داشتند محمد بن غسان گوید: روزی به دیدار مادرم رفتم زنی پیر و مفلوک نزدش نشسته بود از مادرم پرسیدم: این کیست؟ گفت این عتابه مادر یحییای برمکی است به او سلام واحوالپرسی کردم، آهی کشید و جواب داد گفتم چرا به این وضع افتاده ای؟ گفت: لابد در ما عیبی بوده که به این روزگار افتاده ایم سپس اضافه کرد چندین سال پیش من چهار صد غلام و کنیز داشتم و در عین حال با خود می گفتم: پسر یحیی به من ظلم می کند اما الان کارم به جائی رسیده که برای پوست گوسفند قربانی که زیر اندازم

^۱. نمونه معارف ج ۳ ص ۲۹

کنم به گدائی آمده ام، دلم سوخت گریه کردم و مقداری صدقه به او دادم.^۱

داستان ۴

نتیجه سریع ظلم و گناه

داوود بن علی حاکم مدینه شد مُعلی بن خُنَیس را دستگیر کرد و از او خواست نام یاران امام صادق علیه السلام را بگوید گفت: به خدا قسم اگر زیر پایم بود پایم را بر نمی داشتم تا نامشان افشاء شود مرا به کشتن تهدید می کنی؟!

دستور داد او را کشتند خبر به امام صادق علیه السلام رسید حضرت در حال سجده فرمود:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِقُوَّتِكَ الْقَوِيَّةِ وَ بِجَلَالِكَ الشَّدِيدِ الَّذِي كُلُّ
خَلْقِكَ لَهُ ذَلِيلٌ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ وَ أَنْ تَأْخُذَهُ السَّاعَةَ
السَّاعَةَ^۲

خدایا از تو می خواهم به قدرت قوی خودت و به جلالت و بزرگی ات که تمام خلایق در مقابلش ذلیل اند درود بفرستی بر محمد و اهل بیتش و جان آن ظالم را در همین ساعت بگیر.

^۱ داستان های روایی ص ۵۹۰

^۲ الکافی ج ۲ ص ۵۱۳

هنوز حضرت سر از سجده بر نداشته بود که صدای ضجه بلند شد و او مُرد.

داستان ۵

محمد بن سنان می گوید: روزی به محضر امام هادی علیه السلام رسیدم حضرت فرمود: آیا خبر تازه ای از این حاکم ظالم (آل فرح حاکم مدینه) داری؟

گفتم: عمر بن فرح که قبلاً حاکم مدینه بود مُرد.

حضرت ۲۴ بار الحمد لله گفت.

گفتم اگر می دانستم که اینقدر خوشحال می شوید پا برهنه می دویدم فرمود: ای محمد آیا می دانی او به پدرم محمد بن علی علیه السلام چه گفت؟ گفتم: نمی دانم.

فرمود: پدرم درباره موضوعی با او سخن می گفت و او در پاسخ گفت گمان می کنم تو مستی! پدرم گفت: ای خدائی که می دانی امروز تا شب برایت روزه دار بوده ام، به او مزه غارت مال و اسارت خاندان را بچشان .

به خدا قسم چند روزی نگذشت که اموالش را غارت و او را به اسارت گرفتند و اکنون مرده است. خدایش نیامرزد خدا انتقام گرفت.^۱

^۱ کافى ج ۲ ص ۵۴۹

۱۶- لغو

وَاسْأَلْهُمُ الْغُفْرَانَ
وَاسْأَلْهُمُ الْغُفْرَانَ

وگوشه‌ایمان را از شنیدن سفنان بیهوده و غیبت‌بند

درس زندگی

* سخن غیر خدائی لغو است

قَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: كُلُّ قَوْلٍ لَيْسَ فِيهِ ذِكْرٌ فَلَعْوٌ

هر سخنی که در آن یاد خدا نباشد لغو و بیهوده است.^۱

* بیهوده خود را گرفتار لغو دیگران مکن

قَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لَا تَعْرُضْ لِمَا لَا يَعْنِيكَ بِتَرْكِ مَا يَعْنِيكَ.^۲

با فرو گذاشتن آنچه سود مند است خود را در معرض آنچه بیهوده است قرار مده.

* راحتی در چیست؟

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: رَاحَةُ النَّفْسِ تَرَكَ مَا لَا يَعْنِيكَ^۳

راحتی انسان در ترک کردن کارهای بی معنا می باشد.

^۱ بحار الانوار ج ۷۸ ص ۹۲

^۲ بحار الانوار ج ۷۸

^۳ بحار الانوار ج ۷۸ ص ۱۶۷

*اسلام خوب کجاست؟

قَالَ النَّبِيُّ ﷺ: مِنْ حُسْنِ اسْلَامِ الْمَرْءِ تَرْكُهُ مَا لَا يَعْينُهُ.^۱

اسلام واقعی انسان، در ترک سخنان بی معناست.

*خطر لغو

قَالَ عَلِيٌّ ع: رَبُّ لَغْوٍ يَجْلِبُ شَرًّا^۲

چه بسا کلام بیهوده ای که موجب جلب شر می شود.

*رضایت خدا در دوری از لغو

قَالَ السَّجَّادُ ع: اللَّهُمَّ... اسْتَعْمَلَهَا فِيهِ بِمَا يُرْضِيكَ حَتَّى لَا

نُضْغِي بِأَسْمَاعِنَا إِلَى لَغْوٍ^۳

خدایا اعضایم را در آنچه موجب رضای خودت هست قرار بده تا این

که گوش به لغو و بیهوده ندهم.

*پرده دری و لغو

قَالَ السَّجَّادُ ع: الذَّنُوبُ الَّتِي تَهْتِكُ الْعِصَمَ: شُرْبُ الْخَمْرِ وَ

اللَّغْوُ وَ الْمِرْزَاحُ وَ ذِكْرُ عِيُوبِ النَّاسِ^۴

^۱ بخار الانوار ج ۷۱ ص ۲۷۷

^۲ تصنیف غرر الحکم و درر الکلم ص ۴۶۱

^۳ الصحیفة السجادیة ص ۱۸۸

^۴ آیین بندگی و نیایش ص ۳۵۱

گناهانی که پرده عصمت را می‌درند عبارتند از: شرابخواری، انجام دادن کاری که مردم را بیهوده بخنداند، شوخی بی جا، ذکر عیوب مردم.

*زیادی لغو

قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَنْ كَثُرَ لَعْوُهُ كَثُرَ كَذِبُهُ وَ مَنْ كَثُرَ كَذِبُهُ كَثُرَتْ ذُنُوبُهُ^۱

کسی که لغویات او زیاد شود دروغ هایش زیاد می شود و کسی که دروغ هایش زیاد شود گناهانش زیاد می شود.

*لغو را کم کنید

قَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: اكْظِمْ غَيْظَكَ وَ اَوَّلُ لَعْوِكَ^۲

خشمت را فرو بنشان و کارهای لغو و بیهوده ات را کم کن.

داستان ۱

در باره مقدس اردبیلی گفته اند: وَلَمْ يَصْدُرْ عَنْهُ فِيهَا فِعْلٌ مُبَاحٌ فَضْلاً عَنِ الْحَرَامِ وَالْمَكْرُوهِ: در طول ۴۰ سال از عمر او کار مباحی (کاری که انجام یا ترکش مساوی باشد) انجام نداد (یعنی یا واجب بود و یا با نیتی که می نمود رنگ مستحب به کار خود می داد)

داستان ۲

^۱ . إرشاد القلوب إلى الصواب ج ۱ ص ۱۰۴

^۲ . وسائل الشیعة ج ۱۲ ص ۱۰

یکی از عرفای اهل دل و مخلص گفت: در جلسه ای بودیم که یکی از علماء در صدر مجلس بوده یک نفر از آن میان شروع کرد به تعریف شخصی که در مجلس نبود و آن عالم در خواست کرد که سخنش را در باره تعریف شخصی که حاضر نیست ادامه ندهد من گفتم: ایشان تعریف میکند آن عالم فرمود: می دانم تعریف می کند لکن معمولاً پس از این تعریف یا خود او و یا دیگری می گوید: ولی ! و این آغاز حرف های لغو و بیهوده در باره او می شود!

۱۷- غیبت

وَاسْأَدْ أَسْمَاعَانَ عَنِ اللَّغْوِ وَالْغَيْبَةِ

وگوشهایمان را از شنیدن سفنان بیهوده و غیبتبند

آیه ۱۲ سوره حجرات صریحاً از غیبت نهی می فرماید.

درس زندگی

* بهار افراد پست

قَالَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: الْغَيْبَةُ رَيْعُ اللَّئَامِ.^۱

غیبت کردن، بهار افراد پست است.

* غیبت کننده و شنونده شریکند

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: فَإِنَّ الْقَائِلَ وَالْمُسْتَمِعَ لَهَا شَرِيكَا فِي

الْإِثْمِ.^۲

گوینده غیبت و شنونده آن، در گناه غیبت شریک اند.

* غیبت از خوره اثرش بیشتر است

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: الْغَيْبَةُ أَسْرَعُ فِي جَسَدِ الْمُؤْمِنِ مِنَ الْأَكْلَةِ فِي

لَحْمِهِ^۱

^۱. شرح نهج البلاغه لابن ابی الحدید ج ۲۰ ص ۳۰۵

^۲. بحار الأنوار ج ۷۲ ص ۲۵۹

غیبت سریع تر از مرض خوره، در بدن مؤمن اثر می گذارد.

* سکوت کننده حکم غیبت کننده را دارد

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: السَّاكِتُ شَرِيكُ الْمُعْتَابِ^۱

سکوت کننده (در جلسه غیبت)، شریک غیبت کننده در گناه بزرگ غیبت است.

* عاقل غیبت نمی کند

قَالَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: الْعَاقِلُ مَنْ صَانَ لِسَانَهُ عَنِ الْغَيْبَةِ^۲

عاقل کسی است که زبانش را از غیبت کردن نگه دارد.

* سه عامل عذاب قبر

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: عَذَابُ الْقَبْرِ مِنَ النَّمِيمَةِ وَالْغَيْبَةِ وَالْكَذِبِ^۳

عامل عذاب قبر سه چیز است: سخن چینی، غیبت کردن، دروغ گفتن.

* تلاش افراد ناتوان

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: الْغَيْبَةُ جُهْدُ الْعَاجِزِ^۴

^۱. الإختصاص ص ۲۲۸

^۲. مجموعه ورام ج ۱ ص ۱۱۹

^۳. تصنیف غرر الحکم و درر الکلم ص ۵۴

^۴. بحار الأنوار ج ۷۲ ص ۲۵۹

^۵. تصنیف غرر الحکم و درر الکلم ص ۲۲۱

غیبت کردن، تلاش افراد ناتوان است.

❖ غیبت با روزه نمی سازد

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: مَا صَامَ مَنْ ظَلَّ يَأْكُلُ لُحُومَ النَّاسِ^۱

کسی که گوشت مردم را با غیبت کردن می خورد، روزه دار نیست.

❖ اصل تعریف غیبت

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: إِذَا ذَكَرْتَ الرَّجُلَ بِمَا فِيهِ مِمَّا يَكْرَهُهُ فَقَدْ

إِغْتَبْتَهُ^۲

هر گاه شخصی را با خصلتی که از آن بدش می آید یاد کنی غیبت او محسوب می شود.

❖ غیبت ظاهرالفسق جایز است

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: مَنْ أَلْقَى جِلْبَابَ الْحَيَاءِ لَا غِيْبَةَ لَهُ^۳

هر کس که پرده حیا را بیفکند (بی پروا گناه کند) غیبت کردنش اشکالی ندارد.

داستان ۱

عذاب زبان از عذاب همه اعضا سخت تر

۱. مستدرک الوسائل ج ۷ ص ۳۷۰

۲. تفسیر کنز الدقائق ج ۱۲ ص ۳۴۷

۳. تحف العقول ص ۴۵

رسول خدا ﷺ فرمود: خدا در قیامت زبان را به عذابی مبتلا می کند که هیچ یک از اعضا را چنان عذاب نمی کند، زبان عرض کرد: چرا؟

خداوند فرمود: از ناحیه تو سخنی گفته شد که به شرق و غرب رسید و باعث هتک حرمت ناموسی و خون ریزی و غارت شد.
*لقمان به پسرش گفت: اگر گمان می بری سخن گفتن نقره است بدان که خاموشی طلاست.^۱

داستان ۲

شخصی از پیامبر ﷺ خواست که او را راهنمایی فرماید حضرت فرمود: **إِحْفَظْ لِسَانَكَ**: زبانت را حفظ کن دو سه بار این سوال را تکرار کرد و او هر سه بار همین جواب را داد و سپس فرمود: عزیزم آیا به جزء آثار زبان انسان را به رو در شعله عذاب می کند!!^۲

داستان ۳

صَعَصَعَه بن ناجیه جدّ فرزدق به محضر پیامبر ﷺ رسید و موعظه خواست حضرت فرمود: موعظه ات می کنم که با پدر و مادر و نزدیکانت به خوبی رفتار کنی.

^۱ اصول کافی ج ۲، ص ۱۱۵

^۲ تحف العقول ص ۴۵

صعصعه باز هم موعظه خواست حضرت فرمود:
سفارش می‌کنم بین دو طرف ریش‌ت که زبان و دهان است را حفظ
کن و هم چنین بین دو پایت خود را از خطا حفظ نمائی.^۱

^۱مجمع البیان ج ۱ ص ۵۲۷

۱۸- زهد

وَتَفَضَّلْ عَلَىٰ عُلَمَائِنَا بِالزُّهْدِ وَالنَّصِيحَةِ

و بر علماء ما پرهیزگاری و فیر فواهی را تفضل فرما

درباره زهد در قرآن چند بار مطرح شده است که سوره یوسف آیه ۲۰ و حدید ۲۳ و طه ۱۳۱ و سوره نور ۳۷ و سوره حشر آیه ۹ از جمله آنها است.

درس زندگی

* بهترین پرستش، پرستش زاهدانه است

قَالَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَا عُبِدَ اللَّهُ بِشَيْءٍ أَفْضَلَ مِنَ الزُّهْدِ فِي الدُّنْيَا^۱

خداوند به چیزی برتر از زهد و کناره گیری از دنیا عبادت و پرستش نشده است.

* زهد، امیدواری بخداست

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: الزُّهْدُ لَيْسَ بِتَحْرِيمِ الْحَلَالِ وَ لَكِنْ أَنْ يَكُونَ

بِمَا فِي يَدَيْ اللَّهِ أَوْثَقَ مِنْهُ بِمَا فِي يَدَيْهِ^۲

^۱. مستدرک الوسائل ج ۱۲ ص ۴۲

^۲. أعلام الدين ص ۲۷۲

زهد ورزیدن به حرام کردن حلال برخورد نیست ، بلکه به این است که به آنچه در نزد خداست انسان امیدوارتر باشد از آنچه در دست خودش است.

*زاهد، در دنیا هست ولی گویا نیست

قَالَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: كَانُوا قَوْمًا مِنْ أَهْلِ الدُّنْيَا وَ لَيْسُوا مِنْ أَهْلِهَا^۱

زاهدان از اهل دنیایند، ولی در حقیقت دل بسته به دنیا نیستند.

*دو عامل زهد

الف) یاد مرگ:

أَكْبُرُ ذِكْرَ الْمَوْتِ فَمَا أَكْثَرَ ذِكْرَ الْمَوْتِ إِنْسَانٌ إِلَّا زَهَدًا فِي الدُّنْيَا. ۲

زیاد یاد مرگ باش ، هیچ انسانی زیاد به یاد مرگ نبود الا این که از دنیا زدگی کناره گرفت
ب) شناخت نقص دنیا:

مَنْ زَهَدَ فِي الدُّنْيَا بَصَّرَهُ عُيُوبَ الدُّنْيَا ۳

۱. نهج البلاغه ص ۳۵۲

۲. الزهد ۷۸

۳. الوسائل ج ۱۱ ص ۳۱۰

هر کس در دنیا زاهدانه زندگی کند... خداوند او را به عیوب دنیا بصیر و آگاه میکند.

* آثار زهد

الف. خوشنودی خداوند

قَالَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَنْ زَهَدَ فِي الدُّنْيَا أَعْتَقَ نَفْسَهُ وَ أَرْضَى رَبَّهُ.^۱

هر کس به دنیا زهد بورزد خود را آزاد کرده و خدایش را از خود راضی کرده است.

ب. آسان شدن مصائب

قَالَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَنْ زَهَدَ فِي الدُّنْيَا هَانَتْ عَلَيْهِ الْمُصِيبَاتُ^۲

هر کس به دنیا بی اعتناء باشد مصیبت های دنیا بر او آسان خواهد شد.

ج. عیب شناسی از دنیا

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ : أَعْرَفُ النَّاسِ بِالزُّهَادَةِ مَنْ عَرَفَ نَقْصَ

الدُّنْيَا.^۳

آگاه ترین مردم به زهد کسی است که به نقصان دنیا علم پیدا کند(و از آن دوری کند)

۱. عیون الحكم و المواعظ ۴۲۳

۲. کتاب سلیم بن قیس ج ۲ ص ۶۱۴

۳. عیون الحكم ص ۱۱۱

د) محبوبیت مردمی

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ : اَزْهَدْ فِيمَا عِنْدَ النَّاسِ يُحِبُّكَ النَّاسُ^۱

هر کس از آنچه در دست مردم است دوری کند در نزد مردم محبوبیت پیدا می کند.

داستان ۱

علی عَلِيٌّ و فروش شمشیر برای تهیه پیراهن

علی بن ارقم از پدرش نقل می کند: که دیدم علی عَلِيٌّ در میدان کوفه شمشیرش را به اصطلاح حراج کرده و می فرمود: کیست این شمشیر را از من بخرد بخدا قسم با این شمشیر بارها از حریم رسول خدا دفاع کردم رفتم و عرض کردم شما مرد جنگید و شمشیر وسیله کار شماست چرا می فروشید؟ فرمود: به خدا قسم اگر من به اندازه قیمت یک پیراهن داشتم آنرا نمی فروختم.^۲

داستان ۲

علی عَلِيٌّ: بخدا این هم از بیت المال نیست!

عنتره گفت: دیدم علی عَلِيٌّ قطیفه ای در فصل زمستان در محله خورنق برسر انداخته، عرض کردم: ای علی! خدا برای تو و خانواده ات سهمی از بیت المال قرار داده است چرا استفاده نمی کنی؟

^۱. بحار الأنوار ج ۷۲ ص ۱۰۸

^۲. خلفا الرسول ص ۹۵

فرمود: **وَاللَّهُ مَا أَرَاكُمْ شَيْئاً وَ مَا هِيَ إِلَّا قَطِيفَتِي الَّتِي أَخْرَجْتُهَا مِنَ الْمَدِينَةِ**: به همین لباسی که از مدینه آورده ام قانع می باشم.^۱

داستان ۳

خاصیت دنیوی زهد در کم خوردن غذا

حضرت عیسیٰ عَلَيْهِ السَّلَام به شهری رسید دید زن و شوهری با هم فریاد می زنند نزدیک رفت و گفت چرا دعوا می کنید، مرد گفت: این همسر من از همه نظر خوب است اما هنوز به سن پیری نرسیده صورتش چروک و زیبائی اش کم شده.

حضرت عیسیٰ عَلَيْهِ السَّلَام فرمود: می خواهی زیبائیش برگردد! سپس دستور داد هنگام غذا خوردن تا سیر نشده ای دست از غذا خوردن بردار زیرا اگر غذا در شکم بماند موجب از بین رفتن زیبائی صورت می شود، آن زن به دستور حضرت عمل کرد و زیبائیش برگشت.^۲

^۱. کامل بن اثیر ج ۲ ص ۲۰۰

^۲. علل ص ۱۶۵

۱۹- نصیحت

وَتَفَضَّلْ عَلَىٰ عُلَمَائِنَا بِالزُّهُدِ وَالنَّصِيحَةِ

و بر علماء ما پرهیزگاری و غیر فواهی را تفضل فرما

در ۱۱ مورد از آیات قرآنی واژه نصیحت بکار رفته است.

درس زندگی

* اصل دین نصیحت است

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: الدِّينُ نَصِيحَةٌ^۱

اصل دین و دینداری، نصیحت و خیر خواهی دیگران است.

* نصیحت برادرانه واجب است

قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَجِبُ لِلْمُؤْمِنِ عَلَى الْمُؤْمِنِ أَنْ يُنَاصِحَهُ^۲

بر برادر مومن واجب است که برادر ایمانی اش را خیر خواهانه

نصیحت کند

* حسود نصیحت نمی کند

قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: النَّصِيحَةُ مِنَ الْحَاسِدِ مَحَالٌ^۳

۱. الأمالی (طوسی) ص ۷۵۷

۲. الکافی ج ۳ ص ۵۲۹

۳. من لا یحضره الفقیه ج ۴ ص ۵۸

نصیحت کردن از شخص حسود محال است.

*نصیحت، مهربانی است

قَالَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَنْ نَصَحَكَ أَشْفَقَ عَلَيْكَ^۱

کسی که تو را دوست دارد نصیحتت می کند.

*نصیحت کننده شرائطی دارد

قَالَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: كَيْفَ يَنْصَحُ غَيْرُهُ مَنْ يَغُشُّ نَفْسَهُ

چگونه ادعای خیر خواهی دارد کسی که خودش را فریب

میدهد! (خیر خواه خودش نیست)

*نصیحت در ملاء عام ممنوع

قَالَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: نُصْحُكَ بَيْنَ الْمَلَأِ تَقْرِيعٌ^۲

آشکارا نصیحت کردن باعث سرزنش و خفیف کردن (نصیحت

شونده) می شود.

*نصیحت، سربلندت می کند

قَالَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَنْ نَصَحَكَ فَقَدْ أَنْجَدَكَ^۳

کسی که تو را نصیحت می کند خواهان سر بلندی و پیشرفت

توست.

۱. تصنیف غرر الحکم و درر الکلم ص ۲۲۶

۲. شرح آقا جمال خوانساری بر غرر الحکم ج ۷ ص ۳۸۱

۳. تصنیف غرر الحکم و درر الکلمص: ۴۱۶

*گاهی غیر اهل، نصیحت می کند

قَالَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: قَدْ يَنْصَحُ غَيْرُ النَّاصِحِ^۱

گاهی کسی که اهلیت نصیحت را ندارد نصیحت می کند. (پس شما

نصیحتش را بپذیرید)

*در نصیحت فریب مده

قَالَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَنْ اسْتَنْصَحَكَ فَلَا تَعْشُهُ^۲

هر کس که از تو نصیحت خواست او را فریب مده.

*بهترین اندرز

قَالَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لَا وَاعِظَ أْبْلَغُ مِنَ النَّصْحِ.^۳

هیچ واعظ و اندرزی بهتر از نصیحت نیست

داستان ۱

نصیحتی از زبان شیطان

حاج امام قلی نخجوانی استادِ معارف آقا سید حسن قاضی (رحمه الله

علیه) می گوید:

۱. تصنیف غرر الحکم و درر الکلم ص ۲۲۵

۲. تصنیف غرر الحکم و درر ص ۴۳۵

۳. عیون الحکم و المواعظ ص ۵۳۱

پس از آن که به سن پیری رسیدم شیطان را دیدم که هر دوی ما بالای کوهی ایستاده ایم من دست خود بر محاسن خود گذارده و به او گفتم: مرا سن پیری و کهولت فرا رسیده اگر ممکن است از من در گذر شیطان گفت: این طرف را نگاه کن وقتی نظر کردم درّه ای بسیار عمیق را دیدم که از شدت خوف و هراس عقل انسان مبهوت می ماند شیطان گفت: در دل من رحم و مروت و مهری قرار نگرفته، اگر چنگال من بر تو بند گردد جای تو در ته درّه ای خواهد بود که تماشا می کنی.^۱

داستان ۲

شیخ انصاری و گریه ای هشداردهنده

یکی از خادمان حرم حضرت علی (ع) می گوید:

طبق معمول ساعتی قبل از طلوع فجر برای روشن کردن چراغ های حرم مطهر به حرم رفتم ناگهان دیدم از پائین پای حضرت صدای گریه ای جانکاه می آید با خود گفتم: معمولاً این وقت شب زواری در حرم نمی باشد ناگهان دیدم شیخ انصاری صورتش را بر ضریح نهاده و چونان مادر جوان مرده ای گریه می کند و با زبان

^۱ لبالب ص ۷۶

دزفولی خطاب به امام می گوید: آقای من، مولایم، ابوالحسن یا امیر المومنین! این مسولیتی که اینک بر دوشم آمده (مرجعیت شیعه) بسی خطیر است و مهم، از تو می خواهم که مرا از لغزش و اشتباه و عدم عمل به وظیفه حفظ کنی و در حوادث همواره راهنمایم باشی و آلا از زیر بار مسئولیت رهبری و مرجعیت فرار خواهم کرد و آنرا نخواهم پذیرفت^۱

۲۰- تلاش

وَعَلَى الْمُتَعَلِّمِينَ بِالْجُهِدِ وَالرَّغْبَةِ

و بر دانش پژوهان کوشش و اشتیاق (تمصیل) (اتفضل فرما

درس زندگی

*سعادت در گرو تلاش است

قَالَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: قَدْ سَعِدَ مَنْ جَدَّ^۱

به تحقیق به سعادت رسید کسی که تلاش کرد.

*ما مأمور به تلاشیم اگر چه!

قَالَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: عَلَيْكَ بِالْجِدِّ وَإِنْ لَمْ يُسَاعِدِ الْجِدُّ^۲

بر تو باد بر تلاش و کوشش کردن، هر چند با تلاش به همه خواسته ات نرسی.

*مؤمن اهل تنبلی نیست

قَالَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا هَمَّامُ! الْمُؤْمِنُ ... بَعِيدُ كَسَلُهُ، دَائِمٌ نَشَاطُهُ.^۳

ای همام! مومن از کسالت به دور بوده و همیشه با نشاط است.

۱. تصنیف غرر الحکم و درر الکلم ص ۴۴۳

۲. تصنیف غرر الحکم و درر الکلم ص ۴۴۳

۳. الحیاة / ت احمد آرام ج ۱ ص ۵۳۵

*موفقیت بدون تلاش محال است

قَالَ الرَّضَاءُ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ: مَنْ سَأَلَ اللَّهَ التَّوْفِيقَ وَ لَمْ يَجْتَهِدْ فَقَدْ اسْتَهْزَأَ
بِنَفْسِهِ^۱

کسی که از خدا توفیق بخواهد ولی تلاش نکند خودش را مسخره کرده است.

گهر درون صدف باشد و صدف در بحر

تو روی بحر ندیدی کجا گهر یابی

*هر که همواره تلاش کرد نتیجه می گیرد

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: مَنْ يُدْمِنُ قَرَعَ الْبَابِ يَلِجُ^۲

هر کس دائماً دری را بکوبد(در راهی تلاش کند) آن در به رویش باز می شود(و به هدفش می رسد).

*تلاش کن تا برسی

قَالَ عَلِيُّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ: اَطْلُبْ تَجِدْ^۳

هر گاه چیزی را حقیقتاً بخواهی و طلب کنی، به آن می رسی.

چون زچاهی می کنی هر روز خاک

عاقبت اندر رسی در آب پاک^۱

۱. بحار الأنوار ج ۷۵ ص ۳۵۶

۲. بحار الأنوار ج ۶۸ ص ۵۶

۳. تصنیف غرر الحکم و درر الکلم ص: ۴۴۳

*از دسترنج خودت بخور

قَالَ دَاوُدُ النَّبِيُّ عليه السلام: يَا هَذَا اَعْمَلْ وَ كُلْ فَإِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ مَنْ يَعْمَلُ
وَ يَأْكُلُ وَ لَا يُحِبُّ مَنْ يَأْكُلُ وَ لَا يَعْمَلُ^۱

تلاش کن و ازدسترنج خودت بخور، خدا چنین افرادی را دوست دارد و هر کس که می خورد و تلاشی نمی کند محبوب او نیست.

اگر چه رزق مقسوم است، می جوی

که خوش فرمود این معنی معزی

که یزدان، رزق اگر بی سعی دادی

به مریم کی ندا دادی که هزی^۲

داستان

سَلَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ

جدیت و محکم کاری پیامبر

سعید مقبری می گوید: رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ هر گاه کاری را شروع

می کرد آنرا به سر انجام می رساند و می فرمود: إِذَا عَمِلَ أَحَدُكُمْ عَمَلًا فَلْيُتِمِّنْ^۳

^۱مولوی

^۲مجموعه ورام ج ۱ ص ۴۱

^۳ابن یعین

^۴بحار الأنوار ج ۲۲ ص ۲۶۴

هر گاه کاری را انجام می دهید در آن محکم کاری کنید.
 و نیز می فرمود: **يُحِبُّ اللَّهُ الْعَامِلَ إِذَا عَمِلَ أَنْ يُحْسِنَ**^۱
 خداوند دوست دارد هر کس کاری را انجام می دهد، آن را نیکو
 و خوب به سر انجام برساند.

می گویند رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در حال دفن کردن کسی بود و در
 گذاشتن سنگ لحد بسیار دقت می کرد، اصحاب گفتند: اینجا قبر
 است و چند روز دیگر خراب می شود این همه دقت لازم نیست
 فرمود: خداوند دوست دارد در هر کاری که صورت می گیرد محکم
 کاری و دقت شود.

داستان ۲

جدیت در اداء دین قبل از مرگ

حضرت سجاد عَلَيْهِ السَّلَام به عبادت محمد بن اسامه رفت عده ای از
 بنی هاشم در اطراف بسترش جمع شدند، او گفت: به خودتان قسم!
 می دانید هم اکنون مقروضم، می خواهم مطمئن شوم که قرضم
 اداء می شود؟

حضرت سجاد عَلَيْهِ السَّلَام بلافاصله فرمود: یک سوم قرضت را می دهم.
 کسی بقیه اش را قبول نکرد پس از چند لحظه دوباره حضرت
 سجاد فرمود: تمام بدهکاری ات را می پردازم.

^۱. نهج الفصاحة ص ۸۰۱

سپس حضرت فرمود: من از اوّل می توانستم تمام بدهکاری تو را قبول کنم ولی نمی خواستم که حضّار بگویند علی بن الحسین پیشدستی کرد و محلّی برای ما و کار خیر باز نگذاشت.^۱

^۱.داستان ها و حکایت ها ص ۱۸۴

۲۱- رغبت وَعَلَى الْمُتَعَلِّمِينَ بِالْجُهْدِ وَالرَّغْبَةِ

و بر دانش پژوهان کوشش و اشتیاق (در تمصیل) (اتفضل فرما

در مورد از قرآن لغت رغبت به کار رفته است.

درس زندگی

* با هم بودن رغبت و رهبت

قَالَ الْمُعْصُومُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لَا تَجْتَمِعُ الرَّغْبَةُ وَ الرَّهْبَةُ فِي قَلْبٍ إِلَّا وَجِبَتْ لَهُ الْجَنَّةُ

رغبت و رهبت در دل آدمی جمع نمی شود مگر آنکه بر او بهشت واجب می شود.

* عمل در رغبت

قَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَلَا فَاعْمَلُوا فِي الرَّغْبَةِ كَمَا تَعْمَلُونَ فِي الرَّهْبَةِ^۱

در رغبت و رهبت یکسان عمل کنید.

* خوشا بحال راغبین به آخرت

قَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: طُوبَى لِلزَّاهِدِينَ فِي الدُّنْيَا وَ الرَّاْغِبِينَ فِي الْآخِرَةِ^۲

^۱. نهج البلاغه ص ۷۱

^۲. الخصال ج ۱؛ ص ۳۳۷

خوشا به حال زاهدان در دنیا و مشتاقان به آخرت.

*عبادت تجار

قَالَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ قَوْمًا عَبَدُوا اللَّهَ رَغْبَةً فَبَلَغُوا عِبَادَةَ التَّجَارِ^۱

عده ای از بندگان ، خدا را از روی میل و رغبت پرستش می کنند که این عبادت تجارت کنندگان است.

*اگر رغبت آمد عبادت هم می آید

قَالَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَنْ رَغِبَ فِيمَا عِنْدَ اللَّهِ تَعَالَى كَثُرَ سَجُودُهُ وَ

رُكُوعُهُ^۲

کسی که به آنچه در نزد خداست راغب باشد عبادتش (رکوع و سجودش) هم زیاد خواهد شد.

*رغبت به متاع ماندگار داشته باش

قَالَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لَا تَرْغَبْ فِيمَا يَفْنَى وَ خُذْ مِنَ الْفَنَاءِ لِلْبَقَاءِ.^۳

به آنچه فانی است دل میند و از دنیا برای آخرت باقی و پایدار بهره بگیر.

*رغبت به دنیا هم مایه غم است

^۱. تحف العقول ص ۲۴۶

^۲. غرر الحکم و درر الکلم ص ۶۶۳

^۳. عیون الحکم و المواعظ ص ۵۱۷

قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ : الرِّغْبَةُ فِي الدُّنْيَا تُورِثُ الْعَمَّ وَ الْحَزْنَ وَ الرُّهُدُ فِي الدُّنْيَا رَاحَةَ الْقَلْبِ وَ الْبَدَنِ^۱.

میل به دنیا غم و اندوه را در پی دارد و بی میلی به آن راحتی جان و تن را به دنبال دارد.

*رغبت دنیا و آخرت با هم نمی سازند

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ : كَيْفَ يَعْمَلُ لِلْآخِرَةِ مَنْ لَا يَنْقَطِعُ مِنَ الدُّنْيَا رَغْبَتَهُ^۲

چگونه برای آخرت تلاش می کند کسی که میل به دنیا دارد و ورشته علاقه اش به دنیا را قطع نکرده است؟!

داستان

(غبت به شهادت و سلامت در دین)

رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ سخنرانی می کرد، علی عَلَيْهِ السَّلَامُ ایستاد سوالی از حضرت پرسید: حضرت ضمن جواب خیر شهادت او در ماه رمضان و در حین نماز را داد. عکس العمل آن حضرت چنین بود: اَفِي سَلَامَةِ دِينِي: آیا در حال سلامت دین از دنیا می روم یا نه؟^۳ حضرت فرمود: آری، خاطر حضرت آسوده شد.

۱. تحف العقول ص ۳۵۷

۲. بحار الأنوار ج ۷۴؛ ۱۸۲

۳. عیون ج ۱ ص ۲۹۷

۲۲- تبعیت

وَعَلَى الْمُسْتَمِعِينَ بِالِاتِّبَاعِ وَالْمَوْعِظَةِ

(فدایا بر مستمعین پیروی و پند پذیری تفضل کن)

درس زندگی

* تبعیت و خاموشی غضب خدا

قَالَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: الطَّاعَةُ تُطْفِئُ غَضَبَ الرَّبِّ ۱

تبعیت و اطاعت از اوامر الهی، موجب خاموشی غضب خداست.

* محبوبترین بندگان

قَالَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَحَبُّ الْعِبَادِ إِلَى اللَّهِ أَطْوَعُهُمْ لَهُ ۲

محبوبترین بندگان در نزد خدا، مطیع ترین و تابع ترین آنها از خداست

* سعادت در اطاعت خداست

قَالَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: بِالطَّاعَةِ يَكُونُ الْفَوْزُ ۳

سعادت و خوشبختی واقعی در اطاعت خداست.

۱. تصنیف غرر الحکم و درر الکلم ص ۱۸۲

۲. تصنیف غرر الحکم و درر الکلم ص ۱۸۱

۳. تصنیف غرر الحکم و درر الکلم ص ۱۸۳

*بهشت نتیجه تبعیت از خدا

قَالَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: ثَمَرَةُ الطَّاعَةِ الْجَنَّةُ^۱

نتیجه و ثمره تبعیت از خدا بهشت است.

*کرامت در گرو تبعیت

قَالَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَنْ كَثُرَتْ طَاعَتُهُ كَثُرَتْ كَرَامَتُهُ^۲

کسی که اطاعتش از خدا زیاد باشد، کرامت و بزرگواری اش هم زیاد خواهد شد.

*با خدا باش و پادشاهی کن

قَالَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَنْ أَطَاعَ اللَّهَ سُبْحَانَهُ لَمْ يَضُرَّهُ مِنْ أَسْحَطَ مِنْ

النَّاسِ^۳

کسی که مطیع اوامر الهی است، خشم و غضب مردم به او ضرری نمی زند.

*همنشین خدا و پیامبر

قَالَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: جَوَارُ اللَّهِ مَبْدُولٌ لِمَنْ أَطَاعَهُ

همنشینی خدا به کسی عنایت می شود که او را اطاعت کند.

^۱. تصنیف غرر الحکم و درر الکلم ص ۱۸۳

^۲. تصنیف غرر الحکم و درر الکلم ص ۱۸۴

^۳. تصنیف غرر الحکم و درر الکلم ص ۱۸۵

^۴. تصنیف غرر الحکم و درر الکلم ص ۱۸۱

داستان

پیروی از رسول خدا

شخصی بنام ثوبان علاقه شدیدی به پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ داشت به طوری که هر گاه پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را نمی دید پریشان می شد، روزی با چهرهای رنگ پریده به حضور پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ رسید و عرض کرد: هر گاه شما زیارت نمی کنم پریشان می شوم امروز به این فکر افتاده ام که اگر در روز قیامت من اهل بهشت باشم مسلماً در جایگاه شما نخواهم بود و شما را نخواهم دید و اگر اهل بهشت نباشم هرگز به دیدار شما نائل نخواهم شد در این هنگام آیه ای نازل شد: **وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَ الرَّسُولَ...** و کسی که خدا و پیامبرش را اطاعت و پیروی کند (در روز قیامت) همنشین کسانی خواهد بود که خدا نعمت خود را بر آنها تمام کرده از پیامبران و شهداء و صدیقان و صالحان و آنها رفیقان خوبی هستند.

داستان ۲

پیروی نکردن از نفس، قهرمانی است

رسول خدا از محله ای گذر می کردند مردم جمع شده و کسی را تماشا می کردند حضرت فرمودند: چه خبر است؟ عرض کردند: قهرمانی است که سنگ بزرگی را بلند می کند حضرت فرمودند: قهرمانتر از او کسی است که بر نفس خویش غلبه کرده و پیروی از هوای نفس نکند.

۲۳- موعظه

وَعَلَى الْمُسْتَمِعِينَ بِالِاتِّبَاعِ وَالْمَوْعِظَةِ

(فدایا بر مستمعین پیروی و پند پذیری تفضل کن)

درس زندگی

* موعظه هدایت

قَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: نِعْمَ الْعَطِيَّةُ وَ نِعْمَ الْهَدِيَّةُ الْمَوْعِظَةُ^۱

چه عطاء و هدیه نیکوتری است، موعظه.

* موعظه غفلت زداست

قَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: بِالْمَوْاعِظِ تَنْجَلِي الْعُقْلَةُ^۲

به وسیله موعظه انسان از غفلت نجات پیدا می کند.

* موعظه بازدارنده

قَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَنْفَعُ الْمَوْاعِظِ مَا رَدَّ ع^۳

نافع ترین موعظه ها باز دارنده ترین آنهاست.

* موعظه پناهگاه خوبی است

^۱. إرشاد القلوب ج ۱ ص ۱۳

^۲. تصنیف غرر الحکم و درر الکلم ص ۲۲۴

^۳. تصنیف غرر الحکم و درر الکلم ص ۲۲۴

قَالَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: الْمَوْعِظَةُ كَهْفٌ لِمَنْ وَعَاهَا^۱

موعظه، پناهگاهی برای پناهنده به آن است.

***بهترین تجربه**

قَالَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: خَيْرُ مَا جَرَّبْتَ مَا وَعَظَكَ^۲

بهترین تجربه ات آن است که تو را پند دهد.

***چه بسا پند دهنده ای که....**

قَالَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: رَبِّ وَاعِظِي غَيْرَ مُرْتَدِعٍ^۳

چه بسیار پند دهنده ای که خودش گرفتار است!

***از قبلی ها موعظه شوید**

قَالَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: اتَّعِظُوا بِمَنْ كَانَ قَبْلَكُمْ قَبْلَ أَنْ يَتَّعِظَ بِكُمْ مَنْ بَعْدَكُمْ^۴

از گذشتگان خود پند بگیرید قبل از آن که عبرت آیندگان شوید.

***انسان عاقل و تجربه ها**

قَالَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: الْعَاقِلُ مَنْ وَعَظْتَهُ التَّجَارِبُ^۵

کسی که از تجربه ها پند بگیرد، عاقل است.

^۱. الکافی ج ۸ ص ۲۳

^۲. تحف العقول ص ۸۰

^۳. تصنیف غرر الحکم و درر الکلم ص ۲۲۴

^۴. بحار الأنوار ج ۳۴ ص ۹۹

^۵. تحف العقول ص ۸۵

*غرور مانع موعظه

قَالَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَبْنِكُمْ وَبَيْنَ الْمَوْعِظَةِ حِجَابٌ مِنَ الْعُقَلَةِ وَالْغُرُورِ.^۱

بین شما و پند گرفتن پرده ای از غفلت و غرور فاصله است.

داستان ۱

تشویق پیامبر ﷺ به مناجات عرب

رسول خدا ﷺ مرد عربی را دید که در حال نماز با مضامین بسیار بلندی دعا می کند، سخنان متعالی او پیامبر ﷺ را تحت تاثیر قرار داد سفارش کرد هر وقت این از نماز فارغ شود او را نزد من بیاورید.

او را نزد حضرت آورده و رسول خدا ﷺ به او قطعه ای از طلا داد سپس پرسید: می دانی که این را چرا به تو می دهم؟ از کدام قبیله ای؟

گفت: از قبیله بنی عامر بن صعصعه هستم و این طلا را به اقتضای خویشاوندی که بین ما هست به من عطا فرمودی.

حضرت فرمود: إِنَّ لِلرَّحْمِ حَقًّا وَ لَكِنَّ وَهَبْتُ لَكَ الذَّهَبَ لِحُسْنِ ثَنَائِكَ عَلَيَّ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ^۲

^۱. عبون الحكم و المواعظ ص ۱۹۶

^۲. داستان ها و حکایت ها ص ۳۵۸

آری، برای خویشاوندان حقی است ولی این طلا را به خاطر زیبا
ثنا گفتنت بر خدا، به تو هدیه کردم.

داستان ۲

موعظه ای دیگر از رسول خدا ﷺ

روزی رسول خدا ﷺ با اصحاب نشسته بودند، دیدند جوانی
توانمند اول صبح مشغول کار شد، اطرافیان پیامبر ﷺ گفتند: اگر
این جوان نیروی خود را برای خدا به کار می انداخت چه خوب بود!
حضرت فرمود: این سخن را نگوئید، اگر این جوان برای معاش
خود کار می کند که محتاج دیگران نباشد در راه خداست و اگر
برای پدر و مادر ضعیفش کار می کند نیز برای خداست ولی اگر
کار می کند که با کسب و کار بر فقراء فخر بفروشد در راه شیطان
است.^۱

^۱.داستان ها و حکایت ها ص آخر

۲۴ - شفاء

وَعَلَى مَرَضَى الْمُسْلِمِينَ بِالشُّفَاءِ وَالرَّاحَةِ

و بر بیماران از مسلمانان بهبودی و آسایش تفضل بفرما

درس زندگی

از ویژگی های قرآن کریم شفاء است

*شفاء از چهار بیماری است

قَالَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: فَإِنَّ فِيهِ شِفَاءً مِنْ أَكْبَرِ الدَّاءِ وَ هُوَ الْكُفْرُ وَ النَّفَاقُ وَ الْعَيْشُ وَ الضَّلَالُ^۱

همانا در قرآن شفای دردهای بزرگی است که عبارتند از: کفر، نفاق، سرکشی و گمراهی.

*داروهای دیگر عوارض جانبی دارد ولی قرآن:

قَالَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: وَ شِفَاءٌ لَا تُخْشَى أَسْقَامُهُ^۲

همانا قرآن شفاء بخش است و از امراض جانبی آن نباید ترسید.

*نتیجه عمل نکردن به نسخه قرآن

قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى: فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ فَزَادَهُمُ اللَّهُ مَرَضًا

^۱. نهج البلاغه ص ۲۵۲

^۲. نهج البلاغه ص ۳۱۵

در دل آنان بیماری [سختی از نفاق] است، پس خدا [به کیفرِ نفاقشان] بر بیماریشان افزود.

※شفاء قرآن با رحمت همراه است

قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى: وَ نُزِّلُ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَ رَحْمَةٌ
لِلْمُؤْمِنِينَ^۲

از قرآن، آنچه شفا و رحمت است برای مؤمنان، نازل می‌کنیم.

داستان

شفای مرض اشرافی با شغل پائین

محمد بن مسلم از اصحابامام باقر وامام صادق (علیهما السلام) و از اشراف کوفه بود، امام باقر عَلَيْهِ السَّلَام به او فرمود: باید متواضع شوی. وقتی به کوفه بازگشت ظرف خرمائی تهیه کرد و به خرما فروشی مشغول شد، بستگانش گفتند: با این کار ما را رسوا می‌کنی.

گفت: امام مرا امر کرده با آن مخالفت نخواهم کرد.

بستگان پیشنهاد آسیابانی به او دادند رفت شتر و سنگ آسیاب خرید و مشغول آسیابانی شد تا از خطر تکبر و خود بزرگ بینی نجات یابد.^۱

^۱. بقره ۱۰

^۲. اسراء ۸۲

۲۵- راحتی و نجات

وَعَلَىٰ مَرَضَى الْمُسْلِمِينَ بِالشِّفَاءِ وَالرَّاحَةِ

و بر بیماران از مسلمانان بهبودی و آسایش تفضل بفرما

۱۳ مورد در قرآن واژه نجات به کار برده شده است،
راحت و نجات تقریباً دو واژه هستند که با هم ذکر می شوند.

درس زندگی

* ملاک نجات

قَالَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَلَكَ النَّجَاةِ لُزُومُ الْإِيمَانِ وَ صِدْقُ الْإِيْقَانِ^۱

ملاک نجات، ایمان و راستی و یقین صادقانه است.

* ملاک، عمل به حق است

قَالَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَنْ عَمِلَ بِالْحَقِّ نَجَا^۲

کسی که به حق عمل کند نجات یافته است.

* ملاک، ترک دنیا است

قَالَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: رَأْسُ النَّجَاةِ الرَّهْدُ فِي الدُّنْيَا.^۱

^۱ جامع الاحادیث. ج ۱۴ ص ۳۰۱

^۲ تصنیف غرر الحکم و درر الکلم ص ۸۸

^۳ تصنیف غرر الحکم و درر الکلم ص ۱۵۵

راه نجات آدمی بی اعتنایی به دنیاست.

*ملاک، ترس از خداست

قَالَ السَّجَادُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ أَنْجَاكُمْ مِنْ عَذَابِ اللَّهِ أَشَدُّكُمْ خَشْيَةً لِلَّهِ^۱

بیشترین امید نجات از عذاب الهی به کسی می رود که از خدا

بیشتر بترسد.

*ملاک، راستگوئی است

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: مَنْ صَدَقَ نَجَى

هر کس راه راستگوئی را پیمود، نجات یافته است .

*ملاک، سبک باری است

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: يَا عَلِيُّ نَجَا الْمُخْفَفُونَ هَلَكَ الْمُثْقَلُونَ^۲

ای علی ! سبکباران نجات یافتند و آنان که بار(گناهشان)

سنگین بود هلاک شدند.

*ملاک، چند چیز است

قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: الْمُنْجِيَاتُ إِطْعَامُ الطَّعَامِ وَ إِفْشَاءُ السَّلَامِ وَ

الصَّلَاةُ بِاللَّيْلِ وَ النَّاسُ نِيَامٌ.^۳

۱. عیون الحکم و المواعظ ص ۲۶۳

۲. الکافی ج ۸ ص ۶۹

۳. مکارم الأخلاق ص ۴۴۰

۴. الکافی ج ۴ ص ۵۱

نجات دهنده ها سه چیزند: طعام دادن و آشکارا سلام کردن
و خواندن نماز در حالی که مردم در خوابند.

* ملاک، دوری از غفلت است

قَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: **إِنْ كُنْتُمْ لِلنَّجَاةِ طَالِبِينَ فَارْفُضُوا الْعَفْلَةَ وَاللَّهُوَ وَ
الزُّمُو الْإِجْتِهَادَ وَالْحِدَّ**^۱

اگر خواهان نجات هستید غفلت و کارهای بیهوده را رها کرده
و به تلاش و کوشش بپردازید.

* ملاک، پرهیز از خدعه

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: **إِنَّمَا النَّجَاةُ فِي أَنْ لَا تُخَادِعُوا اللَّهَ... إِنَّ
الْمُرَائِيَّ يُدْعَى يَوْمَ الْقِيَامَةِ بِأَرْبَعَةِ أَسْمَاءٍ يَا كَافِرُ يَا فَاجِرُ يَا غَادِرُ يَا
خَاسِرُ حَبِطَ عَمَلُكَ وَ بَطَلَ أَجْرُكَ**^۲

همانا نجات در این است که با خدا نیرنگ نکنید... همانا انسان
ریاکار در روز قیامت به چهار اسم صدا زده می شود: ای کافر، ای
فاجر، ای خسران دیده، ای فریبکار، همانا عملت حبط و نابود شد
و پاداش عملت باطل شد.

داستان

توبیخ الهی برای حضرت یونس به جهت نفرین

^۱. عبون الحکم و المواعظ ص ۱۶۳

^۲. الأمالی ص ۵۸۲

حضرت یونس وقتی در شکم ماهی قرار گرفت به خدا متوجه شد و گفت: لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ

خداوند او را به صورت جوجه ای از شکم ماهی نجات داد و بوته کدوئی در ساحل را برایش سایبان کرد خوب شد و سلامتی اش را باز یافت خدا کرمی را مأمور کرد ریشه بوته را خشک کرد حضرت یونس گله کرد که سایه بان خوبی بود چرا خشک شد؟! خدا خطاب کرد تو برای خشکیدن بوته ای ناراحت شدی پس چرا زود نفرین کردی که آنهمه مردم از بین بروند! اکنون برو که مردم شهر نینوا توبه کرده اند و نیاز به رهبری ات دارند.

به سوی مردم رفت، مردم باورش نکردند زیرا گفتند: یونس در دریا غرق شده لکن خداوند گوسفندی را مأمور کرد شهادت بدهد که یونس نبی است.

شخصی از امام باقر عَلَيْهِ السَّلَام پرسید: غیبت یونس چقدر طول کشید؟ امام عَلَيْهِ السَّلَام فرمود: چهار هفته، هفته اول از نینوا بیرون آمد هفته دوم در شکم ماهی بود، هفته سوم در سایه کدو و هفته چهارم به سوی قومش آمد.^۱

^۱. تفسیر برهان

۲۶- رأفت و رحمت وَعَلَىٰ مَوْتَاهُمْ بِالرَّأْفَةِ وَالرَّحْمَةِ

(فدایا بر مردگان ما (ممت و) رأفت عنایت کن)

در ۸ آیه قرآن از لغت رحم استفاده شده است.

درس زندگی

* شرط رحم خدا

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: مَنْ لَا يَرْحَمَ النَّاسَ لَا يَرْحَمَهُ اللَّهُ.^۱

هر که بمردم رحم نکند خدا به او رحم نخواهد کرد.

* اگر رحم نکنیم رحم نمی شویم

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: مَنْ لَا يَرْحَمُ لَا يُرْحَمُ.^۲

کسی که به دیگران رحم نکند مورد رحم قرار نخواهد گرفت.

* رحم بلیط بهشت است

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: لَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ إِلَّا رَحِيمٌ.^۳

داخل بهشت نمی شود مگر انسان رحیم و با رحم.

^۱. نهج الفصاحة ص ۷۴۸

^۲. من لا يحضره الفقيه ج ۴ ص ۳۸۰

^۳. نهج الفصاحة ص ۶۸۰

* یاداش رحمت خدا

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: الرَّاحِمُونَ يَرْحَمُهُمُ الرَّحْمَنُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى.
إِرْحَمُوا مَنْ فِي الْأَرْضِ يَرْحَمَكُم مِّنْ فِي السَّمَاءِ.^۱

خداوند رحیمان را رحم میکند پس با آنها که در زمین اند رحم کنید تا آن که در آسمانست به شما رحم کند.

* رحمن نام خاص خداست

قَالَ الصَّادِقُ ع: الرَّحْمَنُ اسْمٌ خَاصٌّ بِصِفَةِ عَامَّةٍ وَ الرَّحِيمُ اسْمٌ
عَامٌّ بِصِفَةِ خَاصَّةٍ^۲

رحمان نام خاص خداست که همه مردم را شامل می شود و رحیم نام کلی خداست که به بندگان خاصش اختصاص دارد.

* به سه طایفه رحم کنید

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: إِرْحَمُوا ثَلَاثَةً؛ غَنِيَّ قَوْمٍ افْتَقَرُوا، وَ عَزِيْزُ قَوْمٍ
ذَلٌّ، وَ عَالِمًا يَلْعَبُ بِهِ الْحُمَقِيُّ وَ الْجُهَّالُ^۳

بر سه کس شفقت و رحم کنید ؛ یکی توانگری که دچار فقر شده باشد، و یکی عالمی که در دست احمقان و سفیهان افتاده باشد ، و عزیز قومی که خوار شده است.

^۱. نهج الفصاحة ص ۵۰۵

^۲. المصباح للكفعمی ص ۳۱۷

^۳. شرح فارسی شهاب الأخبار ص ۳۲۵

* رحم به مساکین

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: إِرْحَمِ الْمَسَاكِينَ.

به مساکین و فقیران رحم کنید.

* خدا مظهر رحمت است

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى سَبَقَتْ رَحْمَتِي

غَضَبِي^۱

خداوند در حدیث قدسی می فرماید: رحمت من بر غضبم

پیشی گرفته است.

* رحم با قطع رحم نمی سازد

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: لَا تَنْزِلُ الرَّحْمَةُ عَلَى قَوْمٍ فِيهِمْ قَاطِعُ الرَّحِمِ^۲

رحمت خدا بر قومی که قطع کننده رحم باشد نازل نمی شود.

داستان ۱

عهد مادر شهید

حارثه در جنگ بدر با صلابت از دین دفاع کرد و سپس شهید

شد خبر به مادر و خواهرش رسید در حالی که به استقبال پیامبر

ﷺ آمده بودند.

^۱. الکافی ج ۱ ص ۴۴۳

^۲. مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل ج ۱۵ ص ۱۸۴

مادر حارثه گفت: بخدا تا پیامبر صلی الله علیه و آله نیاید و از او نپرسم که پسرم در بهشت است یا جهنم گریه نمی کنم، اگر رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود فرزندان جهنمی است بی پایان گریه خواهم کرد و اگر فرمود بهشتی است هرگز گریه نخواهم کرد.

پیامبر صلی الله علیه و آله به مدینه آمد مادر حارثه به حضورش رسید و عرض کرد: می دانی پسرم را زیاد دوست داشتم ولی با شنیدن خبر شهادتش گریه نکردم و با خود گفتم اگر بهشتی است گریه نمی کنم و اگر دوزخی باشد می نالم.

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: بهشت درجاتی دارد پسرت در فردوس اعلاء در بالاترین مقام بهشت است، مادر گفت: برای او هرگز گریه نمی کنم.

پیامبر صلی الله علیه و آله آبی خواست قدری نوشید و بقیه را به مادر حارثه داد از آن پس هیچ زنی را در مدینه خوشحالتتر از این مادر شهید ندیدند.

داستان ۲

ابن ابی عمیر از فقهای عالی مقام بود که با تجارت زندگی می کرد، شخصی ده هزار درهم به او بدهکار شد ولی نتوانست بپردازد به ناچار خانه اش را فروخت و پول ابن ابی عمیر را آورد که

تحویش دهد، ابن ابی عمیر پرسید: این پول را از کجا آوردی؟
گفت خانه ام را فروختم.

ابن ابی عمیر گفت: من قبول نمی کنم زیرا امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ
فرمودند: لَا تَخْرُجَ الرَّجُلَ عَنِ مُسْقِطِ رَأْسِهِ بِالدِّينِ: هیچ گاه برای
ادای قرض خانه مسکینی فروخته نمی شود و این در حالی بود که
به یک درهم آن هم محتاج بود.^۱

^۱. سفینه، ج ۱ ص ۳۱۴

۲۷- بزرگواری و وقار

وَعَلَىٰ مَشَاجِحِنَا بِالْوَقَارِ وَالسَّكِينَةِ

و بر سالفوردگان ما سنگینی و متانت تفضل بفرما

در دو آیه در قرآن لغت وقار به کار رفته است.

درس زندگی

*زینت عقل

قَالَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: الْوَقَارُ حِلْيَةُ الْعَقْلِ^۱

وقار، زینت خرد است.

*روش پسندیده

قَالَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: نِعَمَ الشَّيْمَةِ الْوَقَارُ^۲

وقار داشتن روش پسندیده و نیکویی است.

*وقار متقابل

قَالَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: وَقَرُّوا كِبَارَكُمْ يُوقَرُكُمْ صِغَارُكُمْ^۳

بزرگانان را احترام کنید تا خردسالان شما را احترام کنند.

^۱. تصنیف غرر الحکم و درر الکلم ص ۲۵۰

^۲. تصنیف غرر الحکم و درر الکلم ص ۲۵۰

^۳. تصنیف غرر الحکم و درر الکلم ص ۴۸۲

* هیبت زائیده وقار است

قالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: بِالْوَقَارِ تَكْتُمُ الْهَيْبَةَ^۱

با وقار داشتن هیبت آدمی زیاد می شود.

* از محو کنندگان وقار بهره‌ییم

قالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَنْبَغِي لِلْعَاقِلِ أَنْ يَحْتَرِسَ مِنْ سُكْرِ الْمَالِ وَ سُكْرِ الْقُدْرَةِ وَ سُكْرِ الْعِلْمِ وَ سُكْرِ الْمَدْحِ وَ سُكْرِ الشَّبَابِ فَإِنَّ لِكُلِّ ذَلِكَ رِيحاً خَبِيئَةً تَسْلُبُ الْعَقْلَ وَ تَسْتَحِفُّ الْوَقَارَ.^۲

بر عاقل است که از مستی مال و مستی قدرت و مستی علم و مستی ستایش و مستی جوانی بهره‌یید، که هر یک از اینها را بوی تعفن پلیدی است که عقل را می‌رباید و از وقار آدمی می‌کاهد.

* سبب وقار

قالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: سَبَبُ الْوَقَارِ الْحِلْمُ

سبب وقار، حلم و برد باری است.

* زیبایی انسان

قالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: جَمَالُ الرَّجُلِ الْوَقَارُ^۳

زیبایی آدمی به وقار داشتن است.

۱. تصنیف غرر الحکم و درر الکلم ص ۲۵۰

۲. عیون الحکم و المواعظ ص ۵۵۲

۳. تصنیف غرر الحکم و درر الکلم ص ۲۵۰

***موجبات وقار**

قَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَنْ صَانَ نَفْسَهُ وَقَرَّ^۱

هر کس خود نگهدار باشد با وقار می شود

***سکوت وقار آور است**

قَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: الصَّمْتُ وَقَارٌ وَ سَلَامَةٌ^۲

سکوت به موقع وقار و سلامتی به ارمغان می آورد.

***سکوتی که عیب پوش است**

قَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: صَمْتُ يَكْسِبُكَ الْوَقَارُ خَيْرٌ مِنْ كَلَامٍ يَكْسُوكَ الْعَارَ^۳

سکوتی که باعث وقارتو شود بهتر از سخنی است که ننگ بر تو

بیاورد

داستان ۱

وقار میرزای بزرگ

در شرح حال این مرد بزرگ و شجاع درهم کوبنده بساط بیگانگان در ایران که شخصیتی با سکینه و وقار و صاحب فتوای معروف تحریم تنباکو میرزای شیرازی بود می نویسند: او بیشتر قرآن را حفظ بود و همچنین دعاهاى ماه رمضان را و در حرم کتاب نمی

۱. تصنیف غرر الحکم و درر الکلم ص ۲۳۵

۲. عیون الحکم و المواعظ ص ۳۰

۳. تصنیف غرر الحکم و درر الکلم ص ۲۱۶

برد و مدت ها زیارت می خواند، چشمه اشکش همیشه جاری بود، در نفوس همگان و حتی فرزندان شوکت و حشمتی عظیم داشت که این همان شکوه و جلالت ربّانی است.^۱

داستان ۲

صاحب وقار و آستان بوسی یار

آقا محمد باقر وحید هر گاه به زیارت حرم سید الشهداء مشرف می شد اول آستان کفش کن آن حضرت را می بوسید و روی مبارک و محاسن شریف خود را به آن می مالید، پس از آن با خضوع و خشوع و رقت قلب به اندرون حرم مشرف می شد و زیارت می کرد و ذکر مصیبت حضرت سید الشهداء می نمود.

شاهها من ار به عرش رسانم سریر فضل

مملوک آن جنابم و مسکین این درم

گر بر کنم دل از تو و بردارم از تو مهر

آن مهر برکه افکنم، آن دل کجا برم؟

ای عاشقان کوی تو از ذره بیشتر

من کی رسم به وصل تو کز ذره کمترم

۲۸- آرامش

وَعَلَىٰ مَشَاجِنَا بِالْوَقَارِ وَالسَّكِينَةِ

و بر سالفوردگان ما سنگینی و متانت تفضل بفرما

درس زندگی

* سکینه زائیده عقل

قَالَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : السَّكِينَةُ عُنْوَانُ الْعَقْلِ^۱

آرامش و سکینه زائیده عقل است.

* سکینه جمال انسان

قَالَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : عَلَيْكَ بِالسَّكِينَةِ فَإِنَّهَا أَحْسَنُ زِينَةٍ^۲.

بر تو باد بر آرامش داشتن، که زینت نیکویی است.

* سکینه توأم با ایمان

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ : أَحْسَنَ زِينَةِ الرَّجُلِ السَّكِينَةُ مَعَ الْإِيمَانِ^۳

بهترین زینت انسان، سکینه توأم با ایمان است.

* خوبی به لباس نیست

^۱. تصنیف غرر الحکم و درر الکلم ص ۲۵۰

^۲. عبون الحکم و المواعظ ص ۳۳۵

^۳. من لا یحضره الفقیه ج ۴ ص ۴۰۳

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: لَيْسَ الْبِرُّ فِي حُسْنِ اللَّبَاسِ وَالرَّيِّ وَالْكَرْبِ
الْبِرُّ السَّكِينَةُ وَالْوَقَارُ.^۱

نیکی، به خوبی لباس و ظاهر نیست، بلکه نیکی در آرامش و وقار است.

داستان ۱

سیره پیامبر سکینه و وقار بود

در جنگ أحد دندان مبارک پیامبر را شکستند و صورتش مجروح شد اصحاب عرض کردند: نفرینشان کن!

پیامبر ﷺ فرمودند: برای نفرین شدن مبعوث نشده ام برای دعوت به خدا و رحمت او بر انگیخته شده ام، خداوندا! قوم مرا هدایت فرما زیرا آگاهی ندارند.^۲

داستان ۲

وقار پیامبر در برابر دشمن

ابوسفیان پس از دیدن لشکری منظم، پیامبر را دید شگفت زده قدم می زد و با خود می گفت: کاش می دانستم چرا محمد ﷺ بر

^۱. نهج الفصاحة ص ۶۵۶

^۲. سفینه، ج ۱ ص ۴۱۲

من پیروز شد با آن که در مکه تنها بود، اصلاً چگونه او چنین
لشکری تدارک دید؟

رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ که سخنان او را شنید دستی بر شانه اش زد
وگفت: ما به کمک خدا پیروز شدیم.^۱

داستان ۳

مؤمن باید موقر بماند

مفضل بن عمر از شاگردان امام صادق صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ گفت: امام صادق صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

فرمود:

شایسته نیست مؤمن خود را خوار کند، پرسیدم چگونه خود را
خوار می کند؟

فرمود: **يَدْخُلُ فِيْمَا يَعْتَدِرُ مِنْهُ**: خود را در چیزی که نیروی انجام
آن را ندارد قرار دهد.^۲

^۱ بحار ج ۲۱ ص ۱۵۰

^۲ المیزان ج ۱۹ ص ۳۳۳

۲۹- توبه

وَعَلَى الشَّبَابِ بِالْإِنَابَةِ وَالتَّوْبَةِ

و بر جوانانمان باز گشت به سوی خدا تفضل بفرما

در ۱۳ مورد از آیات قرآن ، لغت توبه به کار رفته است.

درس زندگی

* هیچ شفیعی بهتر از توبه نیست

قالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : لَا شَفِيعَ أَنْجِحُ مِنَ التَّوْبَةِ^۱

هیچ شفیعی پیروزتر و رهاننده‌تر از توبه و بازگشت نیست.

* سه نشانه توبه نصوح

قِيلَ لِعَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : مَا التَّوْبَةُ النَّصُوحُ فَقَالَ : نَدَمٌ بِالْقَلْبِ وَ اسْتِغْفَارٌ بِاللِّسَانِ
وَ الْقَصْدُ عَلَى أَنْ لَا يَعُودَ^۲

توبه نصوح سه رکن دارد: پشیمانی به قلب و طلب آمرزش با زبان و قصد بر عدم بازگشت به گناه.

* از توبه آسان تر

^۱. الصحيفة السجادية (ترجمه و شرح فیض الإسلام) ص ۳۹

^۲. بحار الأنوار ج ۷۵ ص ۴۸

قَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: تَرَكَ الْخَطِيئَةَ أَيْسَرُ مِنْ طَلَبِ التَّوْبَةِ^۱

ترک گناهان آسانتر از توبه کردن است.

*اگر توفیق آمد تضمین قبول هم دارد

قَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَنْ أُعْطِيَ الْعُوبَةَ لَمْ يُحْرَمِ الْقَبُولَ^۲

کسی که توفیق توبه یافت از قبولی آن محروم نخواهد شد.

*موجب رحمت

قَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: التَّوْبَةُ تَسْتَنْزِلُ الرَّحْمَةَ^۳

توبه رحمت و فضل الهی را فرو ریخته و نازل می کند.

*مایوس شدن بی معناست

قَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لَا تَيْأَسْ لِذَنْبِكَ وَ بَابُ التَّوْبَةِ مَفْتُوحٌ^۴

از بخشش گناهانت ناامید مباش، در حالی که باب پذیرش توبه باز است.

*به تأخیر نیاندازیم

قَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لِرَجُلٍ سَأَلَهُ أَنْ يُعْطَهُ: لَا تَكُنْ مِمَّنْ... وَسَوْفَ التَّوْبَةُ^۵

^۱. الکافی ج ۴ ص ۲۶۴

^۲. تحف العقول ص ۴۱

^۳. تصنیف غرر الحکم و درر الکلم ص ۱۹۵

^۴. تحف العقول ص ۲۱۴

^۵. نهج البلاغه (للصبحی صالح) ص ۴۹۷

به کسی که از او درخواست موعظه کرده بود فرمود: از کسانی نباش که... توبه را به تأخیر می اندازند.

❖ بعضی ها موفق به توبه شده اند

قَالَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: كَمْ مِنْ عَاكِفٍ عَلَى ذَنْبِهِ تَائِبٌ فِي آخِرِ عُمُرِهِ.^۱

چه بسیار گناهکارانی که در آخر عمر موفق به توبه شدند.

❖ اجر توبه کننده واقعی

قَالَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: شَابٌ تَائِبٌ أَجْرُهُ كَأَجْرِ يَحْيَى بْنِ زَكَرِيَّا^۲

جوان توبه کننده پاداشش در نزد خدا مانند یحیی بن زکریا (علیه السلام) است.

❖ وقت توبه

خَطَبَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: أَيُّهَا النَّاسُ تَوْبُوا إِلَى اللَّهِ... قَبْلَ أَنْ تَمُوتُوا

ای مردم به سوی خدا توبه کنید... قبل از این که مرگ شما برسد.

❖ چهار سفارش پیامبر

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: يَلْزِمُ الْحَقُّ لِأُمَّتِي فِي أَرْبَعٍ يُحِبُّونَ التَّائِبَ وَ

يَرْحَمُونَ الضَّعِيفَ وَيُعِينُونَ الْمُحْسِنَ وَيَسْتَعْفِرُونَ لِلْمُذْنِبِ.^۳

۱. عیون الحکم و المواعظ ص ۳۷۹

۲. مجموعه ورام ج ۲ ص ۱۱۹

۳. الخصال ج ۱ ص ۲۳۹

چهار چیز بر امت من لازم است که ترک نکند: دوست داشتن توبه کار، رحم بر ضعیفان، یاری نیکوکار، طلب آمرزش برای گناهکار.

✽ خصوصیت توبه کاران

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: أَمْ تَدْرُونَ مِنَ التَّائِبِ؟
قَالُوا: اللَّهُمَّ لَا

ای مردم می دانید توبه کار واقعی کیست؟

مردم گفتند: نمی دانیم!

فرمود: توبه کار واقعی کسی است که این امور را رعایت کند:

۱- اداء حق الناس

إِذَا تَابَ الْعَبْدُ وَ لَمْ يُرْضِ الْخُصَمَاءَ فَلَيْسَ بِتَائِبٍ

اگر کسی توبه کند اما طلبکاران خود را راضی نکرده باشد، تائب نیست. (باید حق الناس را اداء کند و سپس توبه کند)

۲- اداء حق الله

وَ مَنْ تَابَ وَ لَمْ يَزِدْ فِي الْعِبَادَةِ فَلَيْسَ بِتَائِبٍ

اگر کسی توبه کرد و عبادتش را بیشتر نکرد، این شخص توبه کننده نیست.

۳- ترک گناه گذشته

وَ مَنْ تَابَ وَ لَمْ يُعَيِّرْ لِبَاسَهُ فَلَيْسَ بِتَائِبٍ

اگر توبه کند اما لباسش را تغییر ندهد، تائب نیست (تغییر لباس به معنای ترک گناه گذشته است)

۴- ترک دوستان گذشته

وَمَنْ تَابَ وَ لَمْ يُعَيِّرْ رُقَّاعَهُ فَلَيْسَ بِتَائِبٍ

کسی که توبه کند اما دوستان گنهکار گذشته اش را ترک نکند، توبه کننده نیست.

۵- تغییر در معاشرت

وَمَنْ تَابَ وَ لَمْ يُعَيِّرْ مَجْلِسَهُ فَلَيْسَ بِتَائِبٍ

کسی که توبه کند اما همچنان در مجالس آلوده گذشته شرکت کند ، تائب نیست.

۶- تغییر رفتار با خانواده

وَمَنْ تَابَ وَ لَمْ يُعَيِّرْ فِرَاشَهُ وَ وِسَادَتَهُ فَلَيْسَ بِتَائِبٍ

کسی که توبه کند ولی رفتارش را با همسر و فرزندش تغییر ندهد، این شخص توبه کننده نیست

۷- تغییر در اخلاق و نیت

وَمَنْ تَابَ وَ لَمْ يُعَيِّرْ خُلُقَهُ وَ نِيَّتَهُ فَلَيْسَ بِتَائِبٍ

کسی که توبه کند اما اخلاق و نیتش را تغییر ندهد، تائب نیست.

۸- خیرخواهی

وَمَنْ تَابَ وَ لَمْ يَفْتَحْ قَلْبَهُ وَ لَمْ يُوسِّعْ كَفَّهُ فَلَيْسَ بِتَائِبٍ

کسی که توبه کند اما قلبش گشاده نباشد، یعنی خیرخواه مردم نباشد، تائب نیست.

۹- طولانی بودن آرزو

وَمَنْ تَابَ وَ لَمْ يُقَصِّرْ أَمَلَهُ وَ لَمْ يَحْفَظْ لِسَانَهُ فَلَيْسَ بِتَائِبٍ

کسی که توبه کند اما گرفتار آرزوهای طولانی شود و زبانش را حفظ نکند، این شخص تائب نیست.

۱۰- غذای از حرام

وَ مَنْ تَابَ وَ لَمْ يُقَدِّمْ فَضْلَ قُوَّتِهِ مِنْ بَدَنِهِ فَلَيْسَ بِتَائِبٍ

کسی که توبه کند، اما گوشتی را که از حرام بر بدنش روییده آب نکند، اهل توبه نیست. (توبه کار آسانی نیست، مجاهدت می خواهد. باید سختی کشید).

وَ إِذَا اسْتَقَامَ عَلَى هَذِهِ الْخِصَالِ فَذَاكَ التَّائِبُ النَّائِبُ حَبِيبُ اللَّهِ

اگر شما این ۱۰ اخصلت را داشتید آنوقت به خودتان بگوئید تائب. و توبه کننده دوست و رفیق و حبیب خداست.

داستان ۱

عنايت خاص خدا به توبه کاران

حضرت موسی عَلَيْهِ السَّلَامُ در کوه طور مناجات می کرد و عرض کرد:

يَا إِلَهَ الْعَالَمِينَ جَوَابَ شَنِيدَ لَبِيكَ گفتم: يَا إِلَهَ الْمُحْسِنِينَ جواب آمد:

لَبِيكَ گفتم: يَا إِلَهَ الْمُطِيعِينَ جواب شنیدم: لَبِيكَ گفتم: يَا إِلَهَ الْعَاصِينَ

جواب شنیدم: لَبِيكَ لَبِيكَ لَبِيكَ گفتم: خدایا چرا در همه موارد یک

لَبِيكَ گفتمی و اینجا سه بار لَبِيكَ گفتمی؟! خطاب آمد: عارفان به

عرفان خود و نیکو کاران به نیکی و اطاعت خود اعتماد دارند ولی گنهکاران جزء به فضل من پناهی ندارند.^۱

داستان ۲

هنر ابن سیرین

او شاگرد پارچه فروشی بود روزی زنی با ترفند اندازگیری لباس برای شوهر بستری اش او را به خانه بُرد تا کامی بگیرد ابن سیرین از در موعظه وارد شد ولی هر چه گفت کمتر اثر کرد عاقبت به بهانه دستشوئی رفت و بدن و لباسش را آلوده به نجاست کرد و زن وقتی او را با این شکل و شمائل دید از او متنفر شد و از خانه زن فرار کرد و کنار رودخانه بدن و لباسش را شست و خداوند به خاطر ترک گناه به او علم تعبیر خواب را عطاء فرمود.^۲

^۱. سفینه البحار ج ۲ ص ۲۸۴

^۲. سفینه البحار ج ۲ ص ۲۸۴

۳۰- حیا

وَعَلَى النِّسَاءِ بِالحَيَاءِ وَالْعِفَّةِ

و بر زنان هیاء و پاکدامنی را تفضل بفرما

*هر که ایمان دارد..

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: الْحَيَاءُ شُعْبَةٌ مِنَ الْإِيمَانِ وَلَا إِيمَانَ لِمَنْ لَا حَيَاءَ لَهُ^۱

حیاء شاخه ای از ایمان است و کسی که حیاء ندارد ایمان ندارد.

*بهترین پوشش دینی

قَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَحْسَنُ مَلَأِسِ الدِّينِ الْحَيَاءُ.^۲

بهترین پوشش دین، حیاء است.

*حداقل شرم

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: إِسْتَحْيِ مِنَ اللَّهِ إِسْتِحْيَاءَكَ مِنْ رَجُلَيْنِ مِنْ

صَالِحِي عَشِيرَتِكَ^۳

از خدا مانند دو تن از خویشان صالح خود حداقل حیاء داشته باش.

۱. مجموعه ورام ج ۲ ص ۳۳

۲. عبون الحكم و المواعظ ص ۱۱۸

۳. نهج الفصاحة ص ۲۰۷

خدا نزدیک توست

قَالَ السَّجَّادُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: خَفِيَ اللَّهُ لِقُدْرَتِهِ عَلَيْكَ وَاسْتَحِ مِنْهُ لِقُرْبِهِ مِنْكَ^۱
 به خاطر قدرت خدا بر تو از او بترس و به خاطر نزدیکی اش به تو از او
 حیا کن.

کم حیایی و کفر

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: قَلَّةُ الْحَيَاءِ كُفْرٌ^۲

کم حیایی نشانه کفر است.

لباس اسلام

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: الْإِسْلَامُ عُرْيَانٌ فَلْيَبِاسْهُ الْحَيَاءُ^۳

اسلام به منزله پیکری عریان است و لباس آن حیا و عفت است.

حیاء و جوانمردی

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: أَصْلُ الْمُرُوءَةِ الْحَيَاءُ وَ ثَمَرَتُهَا الْعِفَّةُ^۴

ریشه جوانمردی، حیا داشتن است و نتیجه آن، عفت و پاکدامنی است.

^۱. شرح نهج البلاغه لابن ابی الحدید ج ۲ ص ۹۶

^۲. مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل ج ۸ ص ۴۶۶

^۳. الکافی ج ۲ ص ۴۶

^۴. عیون الحکم و المواعظ ص ۱۲۵

* حیاء و پاکدامنی

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: الْحَيَاءُ قَرِينُ الْعَفَافِ^۱

حیاء قرین و همدم پاکدامنی است.

* هر که عاقل تر با حیاء تر

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: أَعْقَلُ النَّاسِ أَحْيَاهُمْ^۲

عاقل ترین مردم، با حیا ترین آنهاست.

داستان ۱

حیای حضرت موسی عليه السلام

حضرت موسی عليه السلام وقتی از مصر خارج شد بعد از هشت روز که در راه بود به دروازه شهر مدین رسید در زیر درختی که چاهی در کنارش بود آرامید و دید دو دختر برای آب کشیدن از چاه منتظرند تا چوپانان آب برده و بعد خودشان گوسفندان را سیراب کنند پیش آنها رفت و فرمود: من برای شما از چاه آب می کشم. او برای آنها آب کشید و وقتی دختران زودتر از هر روز به خانه رسیدند پدرشان حضرت شعیب عليه السلام علت زود آمدن آنان را پرسید: وقتی قضیه را نقل کردند فرمود: بروید و او را پیش من بیاورید تا پاداش کارش را بپردازم.

^۱ تصنیف غرر الحکم و درر الکلم ص ۲۵۶

^۲ تصنیف غرر الحکم و درر الکلم ص ۲۵۶

آنان نزد موسی علیه السلام آمدند و درخواست پدر را گفتند موسی علیه السلام هم بی درنگ به خاطر خستگی ، گرسنگی و غریب بودن قبول کرد ابتدا دختران به عنوان راهنما پیش افتادند اما حیاء و غیرت حضرت موسی علیه السلام اجازه نداد و فرمود: من جلوتر می روم شما پشت سر من بیائید هر کجا دیدید راه را اشتباه می روم راه را به من نشان دهید، حضرت شعیب علیه السلام وقتی از حیاء و پاکی موسی علیه السلام مطلع شد دختر خود را به ازدواج او در آورد.^۱

داستان ۲

زنی که اهل بهشت بود

عابدی از بنی اسرائیل یک عمر عبادت کرد در عالم رویا به او گفته شد: فلان زن از دوستان تو در بهشت است ، وقتی بیدار شد سراغ آن زن رفت و زمانی که او را یافت سه روز مهمانش کرد تا ببیند چه عملی انجام می دهد؟ که اهل بهشت شده در این سه روز دید او شخصی عادی است شب زنده داری نمی کند و روزها روزه نمی گیرد، به او گفت: بغیر از روشی که از تو دیدم چه عملی داری؟ گفت: هیچ عمل خاصی ندارم فقط من راضی به رضای خدایم اگر در سختی باشم آرزوی آسانی نمی کنم اگر بیمار باشم

^۱ تاریخ انبیاء فاضلی

آرزوی سلامتی نمی کنم. عابد دستی بر سر زد و گفت: قسم بخدا! این ویژگی بزرگی است که عابدان از داشتن آن عاجزند.^۱

داستان ۳

شیطان دشمن حیا

حضرت موسی عَلَيْهِ السَّلَام در مجلسی نشسته بود که ابلیس آمد و سلام کرد موسی پرسید: کیستی؟ ابلیس گفت: ابلیس هستم
حضرت پرسید: برای چه به این جا آمده ای؟ جواب داد: آمده ام بخاطر مقامت به تو سلام کنم حضرت فرمود: با این کلاه رنگارنگ چه می کنی؟ گفت: دلهای فرزندان آدم را آلوده و منحرف می کنم.
فرمود: انسان اگر چه کاری انجام دهد تو بر او چیره می شوی؟
گفت: وقتی که خود بین باشد و عمل خود را زیاد بشمارد و گناهش را فراموش کند سپس گفت: تو را از سه چیز برحذر می دارم:

- ۱- با زن نامحرم خلوت مکن و گر نه من حاضرم و انسان را بی عفتی وادارمی کنم
- ۲- اگر با خدا پیمانی بستی حتماً آنرا انجام بده

^۱ داستان های روانی ص ۳۵۷

۳- وقتی مبلغی به عنوان صدقه جدا کردی فوراً آنرا به مستحق بده زیرا تا صدقه داده نشده من حاضرم که صاحبش را پشیمان کنم.

ابلیس اینها را گفت و رفت ولی پشیمان شد و گفت: ای وای بر من! موسی اموری که انسانها را از آلودگی برحذر می دارد را فهمید.^۱

^۱ مجموعه ورام ج ۱ ص ۱۰۳

۳۱- عَفَّتْ

وَعَلَى النِّسَاءِ بِالْحَيَاءِ وَالْعِفَّةِ

(فدایا به زنان میا، وعفت عنایت بفرما)

درس زندگی

* عَفَّتْ نگهدارنده است

قَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: الْعَفَافُ يَصُونُ النَّفْسَ^۱

عَفَّتْ نگهدارنده نفس انسان است

* بهترین عبادت

قَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ أَفْضَلَ الْعِبَادَةِ عِفَّةُ الْبُطْنِ وَالْفَرْجِ^۲

همانا بهترین عبادت، پاکدامنی شکم و دامن است.

* پاکی اعمال با عفت

قَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: بِالْعَفَافِ تَزَكُّوا الْأَعْمَالُ^۳

با عَفَّتْ داشتن، اعمال انسان پاک می شود.

* عَفَّتْ و غیرت

۱. تصنیف غرر الحکم و درر الکلم ص ۲۵۶

۲. الکافی ج ۳ ص ۲۰۳

۳. عیون الحکم و المواعظ ص ۱۸۵

قَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: دَلِيلُ غَيْرَةِ الرَّجُلِ عِفَّتُهُ^۱

نشانه غیرت مرد، پاکدامنی اوست.

* زکات زیبائی

قَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: زَكَاةُ الْجَمَالِ الْعَفَافُ.^۲

زکات جمال وزیبائی، عفت و پاک دامنی است.

* عقیف سبک بار است

قَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَنْ عَفَّ خَفَّ وَزُرُّهُ وَ عَظُمَ عِنْدَ اللَّهِ قَدْرُهُ^۳

انسان پاک دامن، سبک بار و در نزد خدا قدر و منزلتش بزرگ است.

* تعدیل شهوت با عفت

قَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: الْعِفَّةُ تُضَعِّفُ الشَّهْوَةَ

عفت و رزیدن شهوت انسان را تعدیل می کند.

* عفت و عقل

قَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَنْ عَقَلَ عَفَّ^۴

۱. تصنیف غرر الحکم و درر الکلم ص ۲۵۵

۲. تصنیف غرر الحکم و درر الکلم ص ۲۵۵

۳. تصنیف غرر الحکم و درر الکلم ص ۲۵۵

۴. تصنیف غرر الحکم و درر الکلم ص ۲۵۵

۵. تصنیف غرر الحکم و درر الکلم ص ۵۲

انسان عاقل با عفت و پاک دامن است .

داستان ۱

عفت حتی در خورد و خوراک

حاج ملا هادی سبزواری (رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ) این فیلسوف نامدار در شرح

حال خود می نویسد:

...و حقیقیر تا ده سال کامل از عمر خود در سبزواری بودم و بعد از آن جناب عالم عامل ملا حسین سبزواری (رحمه الله علیه) که سالها در مشهد مقدس تحصیل می کرد مرا از سبزواری به مشهد مقدس برد و آن جناب مقید به انزوا و تقلیل غذا و عفاف و اجتناب از محرّمات و مکروهات بود و همواره مواظبت بر فرائض و نوافل می کرد و آن بزرگوار بر این سیره بود و ما را هم به همین راه رهنمون می کرد.^۱

داستان ۲

عفت در تصرف بیت المال

شیخ انصاری عادتش این بود که در بازگشت از مجلس تدریس نزد مادر آمده و چیزی می گفت که مادر تبسمی بکند و خوشحال شود سپس به اطاق مطالعه اش می رفت روزی شیخ به مادرش گفت: دوران کودکی ام را بیاد داری که مشغول علوم مقدماتی بودم و مرا به انجام کارهای منزل به این سو و آن سو می فرستادی و من با

^۱ تاریخ حکماء متأخر ص ۱۰۹

تأخیر آنرا انجام می‌دادم و تو می‌گفتی اُجاقم کور است! اکنون هم اجاقت کور است؟ مادر از روی مزاح گفت: بلکه الان هم چنین است زیرا آنوقت به کارهای منزل نمی‌رسیدی و اکنون هم به مقامی رسیده‌ای به سبب احتیاط زیادی که در صرف وجوه شرعی می‌کنی ما را تحت فشار قرار داده‌ای!^۱

داستان ۳

تمایل به همسر شرعی فضیلت است

حولاءِ عطر فروش به پیامبر ﷺ عرض کرد: همسرم از من دوری می‌کند. حضرت فرمود: بر خوشبوئی خود بیفزاء عرض کرد: افزوده امولی هنوز دوری می‌کند فرمود: او اگر می‌دانست که توجّه به تو چقدر فضیلت دارد چنین نمی‌کرد!

حولاء با تعجب پرسید: چه پاداشی؟ فرمود: وقتی به تو توجّه می‌کند مانند میدان مبارز میدان جنگ با دشمن است وقتی آمیزش می‌کند گناهانش مثل برگ در ختان می‌ریزد و وقتی غسل می‌کند از گناهان بیرون می‌آید.^۲

^۱ زندگی شیخ ص ۵۹

^۲ رسائل ج ۱۴ ص ۷۶

۳۲- تواضع

وَعَلَى الْأَغْنِيَاءِ بِالتَّوَّاضِعِ وَالسَّعَةِ

(فدايا به ثروتمندان تواضع و گشاده دستی عنایت بفرما)

درس زندگی

* پلکان شرافت

قالَ عَلَى عَلَيْهِ السَّلَامُ: التَّوَّاضِعُ سُلْمُ الشَّرَفِ^۱

پلکان شرافت، تواضع داشتن است.

* تواضع محبت آور

قالَ عَلَى عَلَيْهِ السَّلَامُ: ثَمَرَةُ التَّوَّاضِعِ الْمَحَبَّةُ^۲

نتیجه تواضع، محبت است.

* نتیجه علم

قالَ عَلَى عَلَيْهِ السَّلَامُ: التَّوَّاضِعُ ثَمَرَةُ الْعِلْمِ^۳

ثمره و نتیجه علم و دانش حقیقی، تواضع در عمل است.

* زمینه بزرگی

^۱. تصنیف غرر الحکم و درر الکلم ص ۲۴۸

^۲. تصنیف غرر الحکم و درر الکلم ص ۲۴۹

^۳. تصنیف غرر الحکم و درر الکلم ص ۲۴۸

قَالَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: تَوَاضَعْ لِلَّهِ يَرْفَعَكَ^۱

به خاطر خدا تواضع کن تا خداوند تو را بزرگ کند.

افتادگی آموز اگر طالب فیضی

هرگز نخورد آب زمینی که بلند است^۲

* تواضع در بزرگی

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ: إِنَّ أَفْضَلَ النَّاسِ عَبْدًا مَنِ تَوَاضَعَ عَنْ رِفْعِهِ^۳

همانا برترین مردم کسی است که با وجود بلندی مرتبت، تواضع می کند.

گر به دولت برسی مست نگردي مردی

باده پر خوردن وهشیار نشستن سهل است

* ایمنی در تواضع

قَالَ عَلِيٌّ: التَّوَاضُعُ يَكْسِبُكَ السَّلَامَةَ^۴

تواضع تو را به وادی سلامت و ایمنی می رساند.

باد صر صر گو درختان می کند

با گیاه پست احسان می کند

^۱. تصنیف غرر الحکم و درر ص: ۲۴۹

^۲. پوریای ولی

^۳. بحار ج ۷۷ ص ۱۷۹

^۴. بحار الانوار ج ۷۵ ص ۱۲۰

✽ تواضع یک دستور است

قَالَ عَلِيٌّ: عَلَيْكَ بِالتَّوَّاضُعِ

بر تو باد بر تواضع داشتن و فروتنی کردن.

خاک شو پیش از آن که خاک شوی

ای برادر! چو عاقبت خاک است^۱

داستان ۱

تواضع شیخ انصاری (ره)

شیخ انصاری که آوازه علم و تقوایش زبانزد خاصّ و عام است طلاب را همچون پدری مهربان زیر نظر داشت چند روزی دیدند شیخ برای درس دیرتر حاضر می شود سببش را پرسیدند فرمود: یکی از سادات به تحصیل علوم دینی مایل گشته و این امر را با چند نفر در میان نهاده تا درس مقدمات برایش بگویند ولی هیچ کس حاضر نشدند و شأن خود را بالاتر می دانستند لذا خودم متصدی این امر شده و درس او را بر عهده گرفته ام.^۲

^۱ سعدی

^۲ اسمای فرزندگان ص ۲۹۱

داستان ۲

تواضع آخوند خراسانی رهبر مشروطه

در شبی از شبها که همه به خواب رفته بودند طلبه ای حلقه در خانه مرحوم آخوند صاحب کفایه الاصول را زد پس از لحظه ای دید خود ایشان که شال سفیدی بر سر پیچیده و قلمی بالای گوش راستشان است در را باز کردند طلبه که شرمنده شده بود گفت: به خادمتان بگوئید الان همراه من بیاید خانه قابله را به من نشان دهد و ایشان با کمال بزرگواری فرمود: خادم خوابیده الان خودم می آیم. لحظه کوتاهی گذشت این عالم بزرگ لباس پوشیده و فانوسی در دست بیرون آمد با طلبه رفتند و قابله را برداشتند و راهی خانه طلبه شدند و پس از آن به خانه برگشت و مقداری پول و شکر ولوازمی که در دسترس بود را به طلبه داد این محصل جوان می گوید: هرگاه پس از آن شب شیخ را می دیدم خجالت زده بودم لکن آن بزرگوار گویا تمام ماجرا را فراموش کرده و با متانت برخورد می کند.^۱

^۱ مرگی در نور ص ۳۸۰

۳۳ - سعه صدر

وَعَلَى الْأَغْنِيَاءِ بِالتَّوَّاضِعِ وَالسَّعَةِ

(فدایا به ثروتمندان تواضع و گشاده دستی عنایت بفرما)

درس زندگی

* سفارش به سخاوت

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: يَا عَلِيُّ كُنْ سَخِيًّا فَإِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ كُلَّ سَخِيٍّ^۱

ای علی! بخشنده باش، که خداوند اهل بخشش را دوست دارد.

* روش خوب

قَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: نِعَمَ السَّجِيَّةُ السَّخَاءُ^۲

چه خوب روشی است بخشش.

* وسیله آقایی

قَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: سَبَبُ السِّيَادَةِ السَّخَاءُ^۳

سبب بزرگی سخاوت و بخشیدن است.

^۱. مشکاة الأنوار فی غرر الأخبار ص ۲۳۳

^۲. تصنیف غرر الحکم و درر الکلم ص ۳۷۶

^۳. شرح آقا جمال خوانساری بر غرر الحکم و درر الکلم ج ۴ ص ۱۲۲

*از یک دست بده و از دستی بگیر

قَالَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَنْ يُعْطِ بِإَيْدِ الْقَصِيرَةِ يُعْطَ بِإَيْدِ الطَّوِيلَةِ^۱

هر کس در این دنیا ببخشد، خدا در آخرت از او مشکل گشایی کند.

*روشی پیامبر گونه

قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: السَّخَاءُ مِنَ أَخْلَاقِ الْأَنْبِيَاءِ، وَهُوَ عِمَادُ

الْإِيمَانِ،

سخاوت از اخلاق پیغمبرانست و آن ستون ایمانست.

*درخت بهشتی

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: السَّخَاءُ شَجَرَةٌ مِنْ أَشْجَارِ الْجَنَّةِ أَغْصَانُهَا

مُتَدَلِّياتٌ فِي الدُّنْيَا^۲

سخاوت درختی از درختهای بهشت است که شاخه های آن در دنیا آویخته است

^۱ وسائل الشیعة؛ ج ۱۶؛ ص ۲۹۱

^۲ نهج الفصاحة ص ۵۲۸

داستان ۱

سخت‌و‌علامه قاضی(ره)

یکی از فضایی نجف می گوید: من یک روز به دکان سبزی فروشی رفته بودم دیدم مرحوم آیت الله حاج میرزا علی آقای قاضی (استاد علامه طباطبایی) خم شده و مشغول سوا کردن است ولی برعکس همه کاهوهای خراب و پلاسیده را جدا می کند و بر می دارد، من که ناظر بودم دیدم همان کاهو ها را به صاحب مغازه دادو با ترازو وزن شد و تحویل گرفت و زیر عبا بُرد من به دنبال ایشان رفتم و عرض کردم: شما چرا کاهو های غیر مرغوب را سوا کردید؟ مرحوم قاضی فرمودند: آقا جان من این مرد فروشنده را میشناسم که مرد فقیر و بیبضاعتی است و من گاهی به او کمک می کنم و نمی خواهم چیزی بلا عوض به او داده باشم تا عزّت و شرافتش از بین نرود و با خدای نخواستہ به گدائی عادت کنديا در کسبش ضعيف شود و از طرفی برای ما فرقی نمی کند کاهوی لطیف و نازک بخوریم یا از این کاهو ها و من می دانم که بالاخره این ها خریداری ندارد و ظهر که دکان خود را می بندد، این ها را بیرون می ریزد و من برای جلوگیری از خسارت او این ها را خریدم.^۱

^۱مهر خوبان ص ۲۰

داستان ۲

در شرح حالات شیخ جعفر کاشف الغطاء این شخصیت معروف علمی نوشته اند: آنقدر به فقراء و مستمندان رسیدگی می کرد که در بیشتر سالها هر چه می داشت صرف فقراء می نمود و گاهی که دستش از همه جا کوتاه میشد خانه مسکونی اش را رهن می گذاشت و حاجات فقراء را بر آورده می کرد.^۱

نباشد کسی بر جهان پایدار همه نام نیکی بود یادگار

^۱فصوص العلماء ص ۱۸۸

۳۴- صبر

وَعَلَى الْفُقَرَاءِ بِالصَّبْرِ وَالْقَنَاعَةِ

(فدایا به فقیران صبری و قناعت را تفضل کن)

درس زندگی

* صبر در گرفتاری

قَالَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِذَا ابْتُلِيتَ فَاصْبِرْ^۱

هر گاه دچار گرفتاری شدی، صبر پیشه کن.

* بدنبال صبر خیر است

قَالَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: اصْبِرْ تَظْفُرُ^۲

هر کس صبر کند به پیروزی برسد.

* صبر یاور دین

قَالَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: نِعْمَ عَوْنُ الدِّينِ الصَّبْرُ.^۳

صبر یاور خوبی برای دین است.

* سپر صبر

۱. تصنیف غرر الحکم و درر الکلم ص ۲۸۲

۲. تصنیف غرر الحکم و درر الکلم ص ۲۸۳

۳. مکاتیب الأئمة ج ۱ ص ۴۵۵

قَالَ امير المؤمنين: عَلَيْهِ السَّلَامُ الصَّبْرُ جُنَّةٌ مِنَ الْفَاقَةِ^۱

صبر سپری در برابر فقر و ناداری است.

گرت چو نوح نبی، صبر هست در غم طوفان

بلا نگیرد و کام هزار ساله برآید^۲

*عاقبت صابران

قَالَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنْ ابْتَلَيْتُمْ فَاصْبِرُوا، فَإِنَّ الْعَاقِبَةَ لِلْمُتَّقِينَ^۳

هر گاه گرفتار شدید صبور باشید که خدا با پرهیزکاران است.

*یک لحظه صبر

قَالَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَنْ صَبَرَ سَاعَةً حُمِدَ سَاعَاتٍ^۴

هر کس لحظه ای را صبر کند، تا ساعت ها ستوده می شود.

*با صبر تا نهایت

قَالَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنْ لِمَحْنٍ غَايَاتٍ وَ لِلْغَايَاتِ نِهَايَاتٍ فَاصْبِرُوا لَهَا

حَتَّى تَبْلُغَ نِهَايَاتَهَا^۵

۱. تحف العقول ص ۲۱۵

۲. حافظ

۳. بحار الأنوار ج ۳۱ ص ۵۴۵

۴. کنز الفوائد ج ۱ ص ۱۴۰

۵. عیون الحکم و المواعظ ص ۱۵۷

همانا برای رنجها وسختی ها پایانی است پس صبر پیشه کرده تا رنجها به پایان ونهایت خود برسد.

داستان

دستور صبر از سوی امام عَلَيْهِ السَّلَام

امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام فرمود روزی امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام وارد مسجد شد شخصی را دید که غمگین است پرسید چرا محزونى ؟ گفت : پدر ومادرم را از دست داده ام.

امام فرمود: تقوا و صبر پیشه کن که در پرتو آن بر حوادث آینده پیروز خواهی شد **الصَّبْرُ مِنَ الْإِيمَانِ كَمَنْزِلَةِ الرَّأْسِ مِنَ الْجَسَدِ**: صبر در کنار ایمان به منزله سر برای بدن می باشد.^۱

^۱. وسائل الشیعه ج ۲ ص ۹۰۳

۳۵ - قناعت

وَعَلَى الْفُقَرَاءِ بِالصَّبْرِ وَالْقَنَاعَةِ

(فدايا به فقيران صبوری و قناعت را تفضل کن)

درس زندگی

*قناعت مالی زوال ناپذیر

قَالَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: الْقَنَاعَةُ مَالٌ لَا يَنْفَدُ^۱

همانا قناعت، مال و ثروتی است که پایانی ندارد .

*به قسمت خدا راضی باش

قَالَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: اقْنَعْ بِمَا قَسَمَ اللَّهُ لَكَ^۲

به آنچه که خدا برای تو مقدر کرده است راضی و قانع باش.

* عزت قناعت

قَالَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: الْقَنَاعَةُ عِزٌّ^۳

قناعت، عزت و سربلندی است.

قَالَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: اقْنَعْ تَعَزَّ^۱

^۱. قاموس قرآن ج ۷ ص ۹۰

^۲. الکافی ج ۱۵ ص ۵۵۳

^۳. تصنیف غرر الحکم و درر الکلم ص ۳۹۱

قانع باش تا عزیز باشی.

❖ قانع غمی ندارد

قَالَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لَا غَمَّ لِلْقَانِعِ.^۱

انسان قانع غم و ناراحتی ندارد.

❖ قناعت توانمندی است

قَالَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: الْقَنَاعَةُ تُغْنِي^۲

قناعت باعث بی نیازی انسان است.

❖ راحتی بدن

قَالَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: الْقُنُوعُ رَاحَةٌ الْأَبْدَانِ^۳

قناعت و ورزشیدن، راحتی جسم را در پی دارد.

❖ غیر قانع سیری ندارد

قَالَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَنْ قَنِعَ شَبِعَ وَ مَنْ لَمْ يَقْنَعْ لَمْ يَشْبَعْ.^۴

کسی که قانع باشد همیشه سیر است، و کسی که قانع نباشد سیری ندارد.

^۱ تصنیف غرر الحکم و درر الکلم ص ۳۹۱

^۲ نثر اللکئی ص ۹۶

^۳ تصنیف غرر الحکم و درر الکلم ص ۳۹۲

^۴ بحار الأنوار ج ۷۵ ص ۱۲۸

^۵ بحار الأنوار ج ۶۸ ص ۳۴۴

داستان ۱

قناعت علی علیه السلام در نان

اسود علقمه می گوید: به محضر علی علیه السلام رفتیم ، پیش او طبقی از لیف خرما بود که در آن دو گرده نان جوئی گذاشته بودند و نخاله آرد جو روی نان ها نمایان بود حضرت نان ها را برداشت و با زانوی خود شکست و با نمک میل فرمود، به فضّه خادمه حضرت گفتیم: حداقل نخاله نان این آرد را می گرفتی؟ گفت: نان گوارا علی علیه السلام بخورد گناهِش بر گردن من باشد!، در این هنگام امیر المؤمنین علیه السلام تبسم کرد و فرمود: خودم دستور داده ام نخاله اش را نگیرد! پرسیدم برای چه؟ فرمود: زیرا نفسم بهتر ذلیل (قانع) می شود ومومنان از من پیروی خواهند کرد تا که به اصحاب خود ملحق شوم.^۱

داستان ۲

هدیه شاه را نپذیرفت

ناصر الدین شاه در سفر خراسان به دیدن ملّا هادی سبزواری آن عارف حکیم رفت و زندگانی زاهدانه او را دید و پس از خروج از محضر او پانصد تومان که در آن زمان مبلغ قابل توجهی بود هدیه

^۱ انوار النعمانیه ص ۱۸

ایشان کرد و آن بزرگوار با مناعت طبعی که داشت نپذیرفت و فرمود: بین طلاب و فقراء تقسیم کنند و ترجیحاً به سادات دو برابر بدهند گفت: می خواهم از من چیزی بخواهید فرمود: من حاجتی ندارم چیزی نمی خواهم. شاه گفت: شنیده ام شما یک زمین زراعی دارید می خواهید دستور دهم مالیات آنرا نگیرند فرمود: مقدار مالیاتی که دولتتان از همه می گیرد معلوم است اگر مرا عفو کنند سهم مرا از دیگران خواهند گرفت!

شاه اظهار تمایل کرد که با آیت الله نهار بخورد ایشان دستور داد که غذایش را آوردند ظرفی دوغ چند قاشق و مقداری نان و نمک، شاه که دو سه قاشق خورد و نتوانست ادامه دهد قدری از نان ها را در دستمالی بابت تبرک بر داشت.

و رفت.^۱

چو حافظ در قناعت کوش و از دنیای دون بگذر

که یک جو منت دو نان به صد من نان نمی آرزد

^۱. داستان راستان ص ۶۸

۳۶ - جهاد

وَعَلَى الْغَزَاةِ بِالنَّصْرِ وَالْغَلْبَةِ

و بر جنگجویان یاری و پیروزی را تفضل بفرما

درس زندگی

* ارزش تشویق مبارزان

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: مَنْ كَبَّرَ تَكْبِيرَةً فِي سَبِيلِ اللَّهِ فُوقَ نَاقَةٍ وَجَبَتْ لَهُ الْجَنَّةُ^۱

هر کس تکبیری در راه خدا بر بالای شتری بگوید مستوجب بهشت است.

* به فرزندانان جهاد را بیاموزید

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: عَلِّمُوا أَبْنَاءَكُمْ الرَّمِيَّ وَالسَّبَاحَةَ.^۲

به فرزندانان تیر اندازی و شنا آموزش دهید.

* مرکب دنیا و آخرت جنگجویان

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: خَيْلُ الْغَزَاةِ فِي الدُّنْيَا خَيْلُهُمْ فِي الْجَنَّةِ^۳

۱. مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل ج ۱۱ ص ۱۳

۲. جامع أحاديث الشيعة ج ۲۲ ص ۷۱۴

۳. الكافي ج ۹ ص ۳۵۷

اسبان جنگندگان در راه خدا، همان اسبان ایشان در بهشت خواهد بود.

*جنگجویی و بزرگواری

قَالَ النَّبِيُّ ﷺ: اغزُوا، تُورثُوا أبنَاءَكُمْ مَجْدًا^۱

در راه خدا بجنگید، تا فرزندانان از شما مجد و بزرگواری بیاموزند.

*کمک اندک به رزمندگان و اجر بزرگ

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: مَنْ بَلَغَ رِسَالَةَ غَازٍ كَانَ كَمَنْ أَعْتَقَ رَقَبَةً وَهُوَ شَرِيكُهُ فِي ثَوَابِ غَزْوَتِهِ^۲

کسی که پیام و نامه جنگجوی مسلمان را برساند، همچون کسی است که بنده‌ای آزاد کرده باشد و او در جهاد با وی شریک است.

*هر کس جهاد نکند با نفاق می میرد

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: مَنْ مَاتَ وَ لَمْ يَغْزِ وَ لَمْ يَحْدُثْ بِهِ نَفْسَهُ مَاتَ عَلَى شُعْبَةٍ مِنْ نِفَاقٍ

کسی که بمیرد و جهاد در راه خدا نکرده باشد بر مسیر نفاق مرده است.

*یک غزوه بهتر از چهل حج

^۱. الکافی ج ۹ ص ۳۶۸

^۲. الکافی ج ۵ ص ۸

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: لَعَزَّوهُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ أَرْبَعِينَ حِجَّةً

یک بار شرکت کردن در جهاد در راه خدا، در نزد من از چهل حج برتر است.

* جهاد زیر پرچم امام عادل

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: لَا عَزَّوْ إِلَّا مَعَ إِمَامٍ عَادِلٍ.^۱

جهاد باید با اذن و اجازه امام عادل باشد.

داستان ۱

جنگ در راه خدا توسط امیرالمومنین عليه السلام

در جنگ جمل شمشیر امیرالمومنین عليه السلام چندین بار کج شد حضرت هر باری که برمی گشت شمشیر را راست کرده و دو باره باز می گشت و حمله می کرد اصحاب عرض کردند: جنگ را به ما واگذارید حضرت جوابی نداد و این درخواست چند بار تکرار شد تا این که یک بار همچو شیر خروشیدو جمعیت دشمن را در هم ریخت و برگشتو برای چندمین بار اصحاب همان پیشنهاد را مطرح کردندو اضافه کردند: اگر به شما آسیبی برسد دین خدا به خطر می افتد حضرت فرمود: وَاللَّهِ مَا أُرِيدُ بِمَا تَرَوْنَ إِلَّا وَجْهَ اللَّهِ وَالْدَارَ

^۱ الکافی ج ۹ ص ۳۹۲

الْآخِرَةُ^۱ به خدا قسم فقط برای خدا و آخرت می جنگم و تنها
خشنودی او را طلب می کنم.^۲

داستان ۲

جنگ و شهادت و بهشت

شخصی گفت: در رکاب رسول خدا ﷺ به جنگ می رفتیم در
بین راه دره ای آب گوارا داشت عبورمان افتاد ، یکی از اصحاب
گفت: اگر از مردم کناره گیری می کردیم و در این مکان به عبادت
خدا می پرداختیم بسیار خوب بود ، اما هرگز تا اجازه نگیرم این کار
را انجام ندهم.

رسول خدا ﷺ فرمود: چنین کاری انجام نده، زیرا بودن شما
در راه خدا بهتر از شصت سال نماز خواندن در بین خانواده می
باشد! آیا دوست ندارید خدا شما را بیمارزد و وارد بهشت کند؟! در
راه خدا جنگ کنید و کشته شوید و به بهشت بروید.^۳

۱. شرح نهج البلاغه لابن ابی الحدید ج ۱ ص ۲۵۷

۲. شجره الطوبی. ص ۳۴۴

۳. مجله البيضاء ج ۴ ص ۸

داستان ۳

جنگ و دعا و پیروزی

سال دوم هجری بود سپاه اندک اسلام در مقابل سپاه مجهز کفر قرار گرفت از صبح هفدهم ماه رمضان جنگ آغاز شد، علی در هنگامه جنگبه جستجوی پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بود حضرت را یافت و آن بزرگوار را در حال سجده دید که همواره می گفت: **يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ** آنقدر این ذکر را ادامه داد تا خداوند او را پیروز کرد و به ما آموخت که باید در سختی ها علاوه بر تلاش به خداوند بزرگ توجه نمود و از او یاری خواست^۱

^۱. تفسیر روح البیان ج ۱ ص ۲۷۱

۳۷- نجات

وَعَلَى الْأَسْرَاءِ بِالْمَخْلَاصِ وَالرَّاحَةِ

و بر اسیران (هائی و آسایشتفضل بفرما

درس زندگی

* با اسیر باید مدارا کرد

قال علی عليه السلام: إِطْعَامُ الْأَسِيرِ وَالْإِحْسَانُ إِلَيْهِ حَقٌّ وَاجِبٌ، وَإِنْ قَتَلْتَهُ مِنْ الْغَدَا

غذا دادن به اسیر و خوشرفتاری با او حقی است واجب هر چند (بخواهی) فردا او را بکشی.

برای اسیر عليه السلام سفارش علی

قال الصادق عليه السلام: أَنَّ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ لَمَّا قَتَلَهُ ابْنُ مُلْجَمٍ قَالَ أَحْسِنُوا هَذَا الْأَسِيرَ وَ اطْعِمُوهُ وَ أَحْسِنُوا إِسَارَهُ^۲

^۱ قرب الإسناد ص ۸۷

^۲ وسائل الشیعة ج ۲۹ ص ۱۲۷

علی(ع) پس از آنکه ابن ملجم بر او ضربه زد به حسنین(علیهما السلام) فرمود: این اسیر را زندانی کنید و به غذا و آب دهید و در اسارت با او خوش رفتار باشید.

***غذای اسیر از بیت المال است**

قال الصادق عليه السلام: **إِنَّ عَلِيًّا كَانَ يُطْعَمُ مَنْ خُلِدَ فِي السِّجْنِ مِنْ بَيْتِ مَالِ الْمُسْلِمِينَ^۱.**

علی کسی را که زندانی می شد از بیت المال مسلمانان غذا می داد.

***اسیر کننده باید خرجی اسیر را بدهد**

قال الصادق عليه السلام: **إِطْعَامُ الْأَسِيرِ حَقٌّ عَلَى مَنْ أَسْرَهُ^۲**

غذا دادن به اسیر حقی است بر گردن کسی که او را به اسارت گرفته است

داستان ۱

راحتی واقعی

بانوی رنجوری از دنیا رفت هر کس با خبر می شد می گفت:

آن زن راحت شد بلال حضور پیامبر صلی الله علیه و آله رسید و گفت: فلان زن مُرد

^۱. وسائل الشیعه ج ۱۵ ص ۹۲

^۲. الکافی ج ۹ ص ۴۲۸

و راحت شد. حضرت خشمگین شد و فرمود: **إِنَّمَا إِسْتِرَاحَ مَنْ عُفِرَ لَهُ**: کسی راحت می شود که مورد آمرزش قرار بگیرد.^۱

داستان ۲

نجات غیر تمندانه

یکی از سلاطین غزنوی شبی خوابش نمی برد از قصر بیرون آمد و در خیابان ها و کوچه ها گشت تا این که به درب مسجدی رسید آنجا مردی را دید که سر بر زمین گذاشته و می گوید خدایا سلطان در بر روی مظلومان بسته است ولی تو که بیداری به دادم برس! سلطان جلو آمد و گفت: مشکل تو چیست؟ گفت یکی از خواص و درباریان تو به منزم می آید و با زنم همبستر می شود و من قدرت دفع او را ندارم، سلطان گفت: هر وقت آمد مرا خبر کن به پاسبان قصر هم گفت هر وقت آن مرد آمد مانع نشوید شب بعد مرد خبر را به سلطان رسانید و سلطان به منزل او آمد دستور داد چراغ را خاموش کنند و شمشیر را کشید و آن نانجیب را کشت و بعد به آن مرد گفت: برایم غذا بیاور که گرسنه ام.

وقتی علت خاموش کردن چراغ را از سلطان پرسیدم گفت: فکر کردم اگر پسر من باشد دیدنش مانع از کشتنش می شود به شکرانه اینکه فرزندم نبود دو رکعت نماز شکر خواندم و چون از شدت

ناراحتی از دیشب تا امشب نتوانستم غذایی بخورم بعد از قتل متجاوز و راحت شدنم میل به غذا پیدا کردم.^۱

داستان ۳

رحم پیامبر به اسیری از خاندان سخاوت

در سال نهم هجری پس از فتح مکه در جنگ طائف مسلمانان اسیرانی از دشمن گرفتند و به مدینه آوردند دختری بنام سَفَّانه هم جزء اسیران بود و برادر او عُدی با خانواده اش به سوی شام فرار کردند و به مسیحیان روم شرقی پیوستند.

پیامبر که از کنار اسیران عبور کرد این دختر به پیامبر گفت: یا رسول الله هَلَكَ الْوَالِدُ وَ غَابَ الْوَالِدُ فَاْمُنَّ مِنَ اللّٰهِ عَلَيَّكَ: پدرم حاتم در گذشت و نگهدارنده ام عُدی ناپدید شد بر من مَنّت بگذار خدا بر تو مَنّت بگذارد رسول خدا پرسید: سر پرست تو چه کسی بوده گفت: برادرم عُدی فرمود: همان کسی که از خدا و پیامبرش به سوی شام گریخت؟! ... بالاخره دستور داد او را به خاطر این که پدرش مردی کریم و بزرگوار بود آزاد کردند.^۲

^۱. داستانها و پند ها ج ۲ ص ۱۶۰

^۲ ریاحین الشریعه ج ۴ ص ۳۳۰

۳۸- عدالت

وَعَلَى الْأُمَرَاءِ بِالْعَدْلِ وَالشَّفَقَةِ

ویر فر مانزویان عدالت و مهربانی را تفضل بفرما

درس زندگی

* از فراوانی نعمت بهتر

قَالَ عَلَى عَلَيْهِ السَّلَامُ: عَدْلُ السُّلْطَانِ خَيْرٌ مِنْ خِصْبِ الرِّمَانِ^۱

عدل پادشاه از فراوانی نعمت بهتر است

* عدالت یک ساعت و عبادت چند ساله

قَالَ عَلَى عَلَيْهِ السَّلَامُ: عَدْلُ سَاعَةٍ خَيْرٌ مِنْ عِبَادَةِ سِتِّينَ سَنَةً^۲

یک ساعت عدالت، برتر از عبادت شصت سال است.

* زمامدار راستگو ارزش دارد

قَالَ عَلَى عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَا مِنْ أَحَدٍ أَفْضَلَ عِنْدَ اللَّهِ مِنْ إِمَامٍ إِنْ قَالَ صَدَقَ

وَ إِنْ حَكَمَ عَدَلَ.^۳

^۱. بحار الأنوار ج ۷۵؛ ص ۱۰

^۲. جامع الأخبار (للشعیری) ۱۱۹

^۳. نهج الفصاحة

برترین افراد در نزد خدا امامی است که پدر گفتار راستگو و در اجرای حکم، به عدالت رفتار کند.

*عدالت زبندۀ امراء

قَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: الْعَدْلُ حَسَنٌ لِكِنَّةٍ مِنَ الْأُمَرَاءِ أَحْسَنُ^۱

عدالت داشتن از هرکسی نیکوست ولی از امراء و صاحبان حکومت نیکوتر است.

*زینت حکومت

قَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: زَيْنُ الْمَلِكِ الْعَدْلُ.^۲

زینت کشور داری و حکومت، اجرای عدالت است.

*بهترین سیاست

قَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: خَيْرُ السِّيَاسَاتِ الْعَدْلُ.^۳

بهترین سیاست و ادارهٔ حکومت، اجرای عدالت است.

*مبادا ضعفاء از امراء ناامید شوند

قَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لَا تُؤْسِي الضُّعَفَاءَ مِنْ عَدْلِكَ؛

مبادا ضعفاء را از عدالتت ناامید کنی.

۱. مجموعه ورام ج ۲ ص ۱۱۸

۲. عیون الحکم و المواعظ ۲۷۶

۳. عیون الحکم و المواعظ ص ۲۳۷

۴. تصنیف غرر الحکم و درر الکلم ص ۳۴۱

*بقای حکومت با عدالت

قَالَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَنْ عَمِلَ بِالْعَدْلِ حَصَّنَ اللَّهُ مُلْكَهُ^۱

عمل به عدالت حکومت را محفوظ و نگه داری می کند.

*بهترین کمک ، اجراء عدالت است

قَالَ الْكَاسِمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَنْ عَدَلَ فِي سُلْطَانِهِ اسْتَعْنَى عَنْ أَعْوَانِهِ^۲

کسی که در قدرت خود عدالت داشته باشد از کمک کاران بی نیاز میشود.

داستان ۱

فردی عادی با خلیفه مسلمین محاکمه می شود

کسی با امیر المؤمنین علیه السلام اختلاف داشت به خلیفه وقت عمر بن خطاب شکایت کرد، خلیفه هر دو را احضار کرد، عمر به علی علیه السلام گفت: یا ابالحسن در کنار شاکی بایست، حضرت برای این که با لقب و کنیه ابوالحسن از او یاد کرده و به فرد دیگر چنین نگفت بر آشفته شد و فرمود: چرا من را این گونه خطاب کردی ولی طرف مقابل من را این گونه مورد خطاب قرار ندادی نباید قاضی در خطاب کردن بین دو نفر فرق بگذارد.^۳

۱. تصنیف غرر الحکم و درر الکلم ص ۳۳۹

۲. تصنیف غرر الحکم و درر الکلم ص ۳۳۹

۳. داستانهای روانی ص ۵۳۶

داستان ۲

عدالت با اسیران

رسول خدا ﷺ در یکی از جنگ‌ها فرمود: هر کسی با یکی از بنی هاشم برخورد کرد او را نکشد زیرا آنها را به اجبار به جنگ آورده‌اند، در جنگ بدر ابو بسیر، ابن عباس را اسیر کرد او چون بنای دفاع نداشت مانند چوبی بی حرکت ایستاد و ابو بسیر شانه‌هایش را بست.

پیامبر ﷺ پس از اتمام جنگ بدر به خاطر عدالت بین عباس و دیگران فرقی نگذاشت، شب همه اسیران را به ریسمانی بستند عباس نیز نزدیک خیمه قرار داشت و صدای ناله اش به گوش پیامبر ﷺ رسید به همین جهت تا نیمه‌های شب خوابش نبرد یکی از مسلمانان پرسید: یا رسول الله ﷺ چرا نمی‌خواهید؟ فرمود: ناله عباس ناراحت‌م می‌کند.

اندکی بعد صدای عباس خاموش شد پیامبر ﷺ پرسید: چه شد که دیگر ناله او را نمی‌شنوم؟ آن شخص گفت: ریسمان او را شُل کردم حضرت فرمود: برو ریسمان همه اسراء را شُل کن.^۱

^۱ داستان‌های روانی ص ۵۳۴

داستان ۳

قضاوت شریح و حقانیت علی علیه السلام

امام و فردی یهودی بنام عبدالله بن قفل برای قضاوت نزد شریح قاضی رفتند شریح از امام گواهی خواست، امام فرزندش حسن علیه السلام را معرفی کردند شریح گفت: یک نفر کافی نیست امام قنبر را معرفی کرد شریح گفت: با شهادت بنده و غلام حکم نمی کنم حضرت با ناراحتی زره را به یهودی داد و گفت: برو که این قاضی چهار قضاوت باطل کردی شریح پرسید: کجا چهار قضاوت کردم؟ حضرت فرمود: وای بر تو:

۱- برای خیانت گواه لازم نیست باید مالک شاهد بیاورد که آنرا از چه راهی بدست آورده

۲- حسن علیه السلام را شاهد آوردم قبول نکردی با این که پیامبر صلی الله علیه و آله با یک شاهد و قسم حکم می کرد

۳- شهادت قنبر را هم گفתי چون بنده است پذیرفته نیست در حالی که اگر بنده عادل باشد شهادتش قبول است

۴- امام مسلمین در کارهای بزرگ امین است چگونه ادعایش در چنین موضوع کوچکی پذیرفته نیست؟!

مرد یهودی با اثبات این حقانیت زره را تقدیم علی کرد و به مجرمیت خودش اعتراف کرد و به دست امیر مومنان علیه السلام مسلمان شد. حضرت نیز زره را با هدایای دیگر به او بخشید.^۱

^۱بحار الانوار ج ۴ ص ۳۰۲

۳۹ - انصاف

عَلَى الرَّعِيَّةِ بِالْإِنصَافِ وَحُسْنِ السَّيْرِ

و بر زبردستان انصاف و فوشرفتاری (اتفضل بفرما

درس زندگی

* مؤمن واقعی

قَالَ عَلَى عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَنْ وَاسَى الْفَقِيرَ مِنْ مَالِهِ، وَ أَنْصَفَ النَّاسَ مِنْ نَفْسِهِ، فَذَلِكَ الْمُؤْمِنُ حَقًّا^۱

مؤمن واقعی کسی است که با مال خود به فقیر رسیدگی کرده
و با مردم انصاف داشته باشد

* عزت واقعی

قَالَ عَلَى عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَلَا إِنَّهُ مَنْ يُنصِفِ النَّاسَ مِنْ نَفْسِهِ، لَمْ يَزِدْهُ اللَّهُ إِلَّا عِزًّا^۲

هر کس که با مردم انصاف داشته باشد همانطور که باخودش
دارد خداوند بر عزت او می افزاید.

^۱. الکافی ج ۳ ص ۳۷۹

^۲. الکافی ج ۳ ص ۳۶

*انصاف با دشمن

قَالَ مُوسَى الْكَاطِمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: صِيْلٌ مَنْ قَطَعَكَ... وَ أَنْصِفْ مَنْ خَاصَمَكَ^۱

با کسی که با تو قطع رحم کرده ، صله رحم کن و... با کسی که دشمنی با تو دارد انصاف داشته باش .

*انصاف و عدالت

قَالَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لَا عَدْلَ كَالْإِنْصَافِ^۲

هیچ عدالتی بهتر از منصف بودن وانصاف داشتن نیست.

*بهترین فضیلت

قَالَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: الْإِنْصَافُ أَفْضَلُ الْفَضَائِلِ^۳

انصاف داشتن بهترین فضیلت است.

*سه صفت ممتاز

قَالَ الرِّضَاءُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لَا يَسْتَكْمِلُ الْعَبْدَ الْإِيْمَانُ حَتَّى يَكُونَ فِيهِ ثَلَاثُ

خِصَالٍ؛ الْإِنْفَاقُ مِنَ الْأَقْتَارِ، وَ الْإِنْصَافَ مِنْ نَفْسِهِ، وَ بَدَلَ السَّلَامِ.^۴

^۱. تحف العقول ص ۳۰۵

^۲. تحف العقول ص ۲۸۶

^۳. تصنیف غرر الحکم و درر الکلم ص ۳۹۴

^۴. شرح فارسی شهاب الأخبار ص ۳۴۷

بنده آن وقت بتمامی ایمان رسد که در او سه خصلت باشد؛ در موقع نداشتن انفاق کردن، و انصاف بامردم داشتن، و سلامرا آشکارا کردن.

*انصاف در مال

قَالَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَشَدُّ الْأَعْمَالُ ثَلَاثَةً ذِكْرُ اللَّهِ عَلَى كُلِّ حَالٍ وَ الْإِنصَافُ مِنْ نَفْسِكَ وَ مُوَاسَاةَ الْأَخِ فِي الْمَالِ^۱

استوارترین کارها سه چیز است: یاد خداوند در همه حال و رعایت انصاف بر ضرر خویش و تقسیم مال با برادر دینی.

داستان ۱

انصاف حتی در شرایط سخت

مُصَادَفِ یکی از یاران و خدمتکاران امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ بود امام به او فرمود: این هزار دینار را ببر و با آن کاسبی کن تا سودی عاید تو شود، او به همراه کاروانی به سوی مصر حرکت کرد، در بین راه شنیدند کالائی که خریده وبه سوی مصر می برنددر آنجا نیستو با قیمتی بیشتر از حد معمول خریدار دارد با هم تصمیم گرفتند آن را گران وحتی دو یا چند برابر قیمت واقعی بفروشند، رفتند و فروختند و وجه آنرا محضر امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ آورد ولی امام با شنیدن نوع معامله پول را تحویل نگرفت و به خدمتگذارش تغییر کرد که

^۱. نهج الفصاحة ص ۲۱۱

چرا با مردم چنین رفتاری کرده ای؟! و فرمود: من به چنین سودی احتیاج نداشته و آنرا تحویل نمی گیرم (زیرا این کمال بی انصافی است) و سپس فرمود: **یا مُصَادِفِ إِنَّ مُجَادِلَهُ السُّيُوفَ أَهْوَنُ مِنْ طَلَبِ الْحَلَالِ**: ای مصاف جنگیدن با شمشیرها آسانتر از تحصیل مال حلال است.^۱

داستان ۲

انصاف رسول خدا ﷺ در چوپانی

قبل از بعثت پیامبر ﷺ بود عمار یاسر می گوید: گوسفند هایم را در صحرائی به همراه رسول خدا ﷺ می چرانیدیم ، روزی پیشنهاد دادم که فردا به مکانی سرسبز به نام روضه میرویم و حضرت هم پذیرفت و فردا گوسفندانم را قدری دیر تر بردم و فهمیدم که رسول الله ﷺ زودتر با گوسفندانش رفته بود وقتی که به منطقه روضه رسیدم دیدم که حضرت گوسفندانش را از آن منطقه دور نگهداشته است دلیلش را سؤال کردم فرمود با تو وعده کردم که گوسفندان را با هم بچرانیدن ببریم.^۲

^۱ فروع کافی ج ۲ ص ۴۴۴

^۲ . کحل البصر ص ۷۵

داستان ۳

انصاف حتی با غیر مسلمان

شخصی نابینا ولی مسیحی در کوفه به محضر علی علیه السلام رسید و تقاضای کمک کرد، جمعی از اصحاب به امام اشاره کردند که به او نباید کمک کرد! حضرت دلیلش را پرسید گفتند: او تا جوان تر بود به مسلمانان کمک می کرد و هم اکنون از کار افتاده و مسیحی است، حضرت ناراحت شد، فرمود انصافتان کجاست؟ تا وقتی که بینا بود و جوان از او کار کشیدید اما اکنون که پیر و ناتوان شده او را به حال خود وا گذاشته اید؟! سپس امام علیه السلام دستور داد از بیت المال به او کمک کنند و نامش را در لیست مستمری بگیرهای بیت المال بنویسند.^۱

داستان ۴

ناراحتی امام از بی انصافی

روزی امام رضا علیه السلام غلام سیاهی را دید که در بین کارگران مشغول به کار است، امام او را نمی شناخت، از سرپرست کارگران پرسید: مزد این کارگر را چقدر می دهید؟ گفتند: هرچه به او بدهیم راضی است، مزدی تعیین نکرده ایم! امام علیه السلام به شدت

^۱ گفتار رفیع ج ۲ ص ۲۸۶

ناراحت شدند و فرمودند: چرا مزد کارگر را تعیین نکرده اید و او را مشغول کار کرده اید؟^۱

^۱بحار ج ۴۹ ص ۱۰۶

۴۰- حج و عمره

وَاقْضِ مَا أُوجِبْتَ عَلَيْهِمْ مِنَ الْحَجِّ وَالْعُمْرَةِ

و حجّ و عمره ای که بر آنان واجب کرده ای بپذیر

در قرآن در نه مورد اشاره به حج شده است. در فلسفه حج گفته اند ثمراتی از قبیل روی آوردن به خداوند و روی گردانی از گناه و نیز از بین رفتن غرور با انجام مناسک حج و شناخت آثار پیامبر و شناخت اقوام و ملل می باشد.

درس زندگی

* تاکعبه پا برجاست ...

قَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لَا يَزَالُ الدِّينُ قَائِمًا مَا قَامَتِ الْكُعبَةُ^۱

تاکعبه پا برجاست دین خداوند هم استوار است .

* حج با مال حلال

قَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِذَا اكْتَسَبَ الرَّجُلُ مَالًا مِنْ غَيْرِ جِلِّهِ ثُمَّ حَجَّ فَلَيْ

نُودِي لَا لَبِيكَ وَ لَا سَعْدِيكَ وَ إِنْ كَانَ مِنْ جِلِّهِ فَلَيْ نُودِي لَبِيكَ

وَ سَعْدِيكَ.^۱

^۱ .الکافی ج ۸ ص ۲۲۷

کسی که مالی را از غیر حلال بدست بیاورد و حج بجا آورد و لبیک بگوید به او گفته شود خوش نیامدی و سعادت نیافتی.
و هرگاه با مال حلال حج بجا آورد و لبیک بگوید ندا داده شود:
خوش آمدی و به سعادت رسیدی.

***چهار مال در چهارمورد مصرف نمی شود**

قَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَنْ أَصَابَ مَالًا مِنْ أَرْبَعٍ لَمْ يُقْبَلْ مِنْهُ فِي أَرْبَعٍ مِنْ أَصَابٍ ... أَوْ رِبًا أَوْ خِيَانَةً أَوْ سَرَقَةً لَمْ يُقْبَلْ مِنْهُ فِي زَكَاةٍ وَ لَا فِي صَدَقَةٍ وَ لَا فِي حَجٍّ وَ لَا فِي عُمْرَةٍ^۱

کسی که مالی را از راه ... و ربا و خیانت کردن و دزدی بدست بیاورد از او زکات و صدقه و حج عمره اش قبول نمی شود.

***عامل تقویت دین**

قَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: الْحَجُّ تَقْوِيَةٌ لِلدِّينِ^۲

حج گذاردن، عامل تقویت دین و دین داری است.

***ایمنی از عذاب**

قَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: زِيَارَةُ بَيْتِ اللَّهِ أَمْنٌ مِنْ عَذَابِ جَهَنَّمَ^۳

^۱. الكافي ج ۵ ص ۱۲۴

^۲. الأمالی (للسدوق) ص ۴۴۲

^۳. نزهه الناظر و تنبيه خاطر ص ۴۶

^۴. تصنیف غرر الحکم و درر الکلم ص ۱۷۶

زیارت خانه خدا ایمنی از عذاب دوزخ می باشد .

* پرچم اسلام کعبه است

قَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : جَعَلَهُ (الكعبة) سُبْحَانَهُ لِلْإِسْلَامِ عِلْمًا^۱

خداوند کعبه را عِلْم و نشانه اسلام قرار داده است .

* خواص حج و عمره

قَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : حَجُّ الْبَيْتِ وَ اعْتِمَارُهُ فَإِنَّهُمَا يَنْفِيَانِ الْفَقْرَ وَ يَرْحَصَانِ

الذَّنْبُ^۲

بجا آوردن حج و عمره باعث از بین رفتن فقر و نابودی گناهان میشود.

* اگر حج را ترک کنید از نظر می افتید

قَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : اللَّهُ اللَّهُ فِي بَيْتِ رَبِّكُمْ لَا تُخْلَوْهُ مَا بَقِيْتُمْ، فَإِنَّهُ

إِنْتَرِكْ، لَمْ تُنَاطِرُوا^۳

شما را بخدا قسم؛ مباداخانه خدا را خالی بگذارید که اگر این کار بکنید به شما مهلت داده نخواهد شد.

* یک درهم برابر با هزار درهم

قَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : نَفَقَةُ دِرْهَمٍ فِي الْحَجِّ تَعْدِلُ أَلْفَ دِرْهَمٍ^۱.

^۱. وسائل الشیعة ج ۱۱ ص ۱۵

^۲. نهج البلاغه ص ۱۶۳

^۳. هداية الأمة إلى أحكام الأئمة ج ۵ ص ۱۰

هزینه کردن یک درهم در راه زیارت خانه خدا، معادل هزار درهم است.

*** از بین برنده فقر**

قَالَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: الْحَجُّ يَنْفِي الْفَقْرَ^۱

زیارت خانه خدا از بین برنده فقر است.

*** تأخیر حج جایز نیست**

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: يَا عَلِيُّ مِنْ سَوَّفَ الْحَجَّ حَتَّى يَمُوتَ بَعَثَهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يَهُودِيًّا أَوْ نَصْرَانِيًّا.^۲

کسی که زیارت خانه خدا را آنقدر به تأخیر بیندازد تا بمیرد در روز قیامت خداوند او را یهودی یا نصرانی محشور می کند.

*** مقصد و مقصود**

قَالَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: فَرَضَ اللَّهُ عَلَيْكُمْ حَجَّ بَيْتِهِ الْحَرَامِ الَّذِي جَعَلَهُ قِبْلَةً لِلْأَنَامِ^۳

خداوند حج خانه اش که قبله مخلوقات بوده را بر شما واجب کرده است.

^۱. وسائل الشیعة ج ۵ ص: ۲۸۸

^۲. بحار الأنوار ج ۹۶ ص ۱۵

^۳. وسائل الشیعة ج ۱۱ ص ۲۹

^۴. نهج البلاغة ص ۴۵

*بُرد مفید حج

قَالَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لَا يَزَالُ عَلَى الْحَاجِّ نُورُ الْحَجِّ مَا لَمْ يُذْنِبْ.^۱

انسان حاجی تا زمانی که نور حج داشته باشد، گناه نمی کند.

داستان ۱

عرفان حج واقعی

در لحظه ای دیدند امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ لبیک نمی گوید به شخصی که از آن بزرگوار پرسید: چرا لبیک نمی گویید؟ فرمود: می ترسم بگویم: لبیک و خدا در جوابم بفرماید: لَا لَبِيكَ وَلَا سَعْدِيكَ.^۲

داستان ۲

زبان حج گذار و دل بی خبر

شخصی به نام عبد الرحمن کثیر می گوید: در معیت امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ در حج بودم نگاهی به جمعیت طواف کننده کرد و فرمود:

مَا أَكْثَرَ الضَّجِيجَ وَ أَقْلُ الْحَجِيجِ

چقدر صاحب ضجه و ناله فراوان است ولی حاجی واقعی اندک

اند؟!^۳

*عرفات وادی بخشش

۱. وسائل الشیعة ج ۱۱ ص ۴۴۵

۲. بحار الانوار ج ۴۷ ص ۶۶

۳. بحار الانوار ج ۲۴ ص ۱۲۴

ابن یوسف به امام صادق علیه السلام گفت: در سرزمین عرفات خسارت چه کسی از همه بیشتر است؟!
فرمود: کسی که از عرفات برگردد و گمان کند خدا او را نیامرزیده است.^۱

حاجی واقعی با نگاه عرفانی

امام صادق علیه السلام در حال طواف کعبه بود ابوبصیر سؤال کرد: آیا خداوند این جمعیت فراوان را می آمرزد؟ فرمود ای ابابصیر بسیاری از این جمعیت به ظاهر انسان هستند سپس ابابصیر از امام خواست باطن آنها را به او نشان دهد، حضرت دستی بر چشمان او کشید و جملاتی گفت ابابصیر بسیاری از جمعیت را به صورت میمون و سگ و خوک دید امام بار دیگر دستی بر چشمانش کشید و او به حال عادی برگشت.

آنگاه امام فرمود: نگران نباش شما در بهشت شادمان هستید سوگند به خدا سه نفر بلکه دو نفر بلکه یک نفر از شما در آتش جهنم نخواهد بود.^۲

^۱ سفینه البحار ج ۲ ص ۱۲۱

^۲ بحار جلد ۴۷ ص ۷۹

فهرست

صفحه	عنوان
۲	متن عربی دعا
۳	ترجمه دعا
۴	مقدمه
۷	۱- طاعت
۱۱	۲- معصیت
۱۸	۳- نیت
۲۳	۴- حرام
۲۷	۵- هدایت
۳۲	۶- استقامت
۳۵	۷- حکمت
۴۰	۸- علم
۴۴	۹- معرفت
۴۹	۱۰- حرام
۵۴	۱۱- شبهه
۵۸	۱۲- ظلم

- ۱۳- دزدی ۶۱
- ۱۴- تبهکاری ۶۴
- ۱۵- بی وفائی ۶۸
- ۱۶- لغو ۷۵
- ۱۷- غیبت ۷۹
- ۱۸- زهد ۸۴
- ۱۹- نصیحت ۸۹
- ۲۰- تلاش ۹۴
- ۲۱- رغبت ۹۹
- ۲۲- تبعیت ۱۰۲
- ۲۳- موعظه ۱۰۶
- ۲۴- شفاء ۱۱۰
- ۲۵- راحتی و نجات ۱۱۲
- ۲۶- رأفت و رحمت ۱۱۶
- ۲۷- بزرگواری و وقار ۱۲۱
- ۲۸- آرامش ۱۲۵

-
- ۲۹- توبه ۱۲۸
- ۳۰- حیا ۱۳۵
- ۳۱- عَفَّت ۱۴۱
- ۳۲- تواضع ۱۴۵
- ۳۳- سهه صدر ۱۴۹
- ۳۴- صبر ۱۵۳
- ۳۵- قناعت ۱۵۶
- ۳۶- جهاد ۱۶۰
- ۳۸- عدالت ۱۶۵
- ۳۷- نجات ۱۶۹
- ۳۹- انصاف ۱۷۵
- ۴۰- حج و عمره ۱۸۱
- فهرست ۱۸۷